KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

(۱۸ صفحه)
Page 1

کیهان

سال سی و ششم ـ شماره ۱۷۲۶ (شمارهٔ ۲۶۰ از دورهٔ جدید)
جمعه ۱۹ تا پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹خورشیدی

بنیانگذار:
دکترمصطفی
مصباح زاده

کیهانِ شما ، کیهانِ لندن
@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

مرهم‌های زهرآگین دولت بر پیکر بیمار و نحیف اقتصاد ایران

● کمبود شدید منابع درآمدی، کسری میلیاردی بودجه و رکود ناشی از کُرونا دولت را واداشته تا به تصمیمات از این ستون به آن ستون روی بیاورد

این عکس مربوط به ژانویه سال ۲۰۱۶ است که هنوز ریال اندکی ارزش داشت!

تفسیر سیاسی هفته را در صفحهٔ ۲ بخوانید

سرمقاله

اصل همیشه بر برائت است

اصول و مباحثی در علم حقوق وجود دارد که بدون تکوین آنها، امکان نمی‌داشت «دولت حقوقی» و قانونمندی جوامع شکل بگیرد تا امنیت قضایی و در نتیجه روانی شهروندان حفظ شود.

یکی از این اصول، اصل برائت است. یکی از این مباحث، رابطه علت و معلول در وقوع یک جرم است.

اصل برائت شامل مظنونین ارتکاب یک «جرم» نیز می‌شود. تا زمانی که اسناد و مدارک و شواهد اثبات کنند که وی مرتکب جرم شده است. تازه پس از صدور حکم است که «متهم» از نظر قضایی به «مجرم» تبدیل می‌شود و حکم علیه وی می‌بایست اجرا شود.

مبحث علت و معلول قضایی بسیار پیچیده است اما یک چیز روشن است: هیچ قاتلی نمی‌تواند ادعا کند، مقتول علت ارتکاب جرم وی بوده و باعث شده که قاتل او را به قتل برساند! یعنی «مسئولیت» ارتکاب قتل را نمی‌توان به مقتول منتقل کرد حتی اگر قاتل را به مرز جنون رسانده باشد! اگر غیر از این می‌بود، هر کسی می‌توانست با سناریوهای مختلف «مسئولیت» قتل، کلاهبرداری، سرقت و جرائم دیگر را به گردن قربانی و یا دیگران بیندازد! این پدیده در جمهوری اسلامی از جمله در سرکوب دگراندیشان رایج است!

در رابطه با نظام حقوقی مدرن، به دو نکته نیز می‌بایست توجه داشت.

یکی، عبارت معروف «قانون بد بهتر از بی‌قانونی است» که مورد استناد استمرارطلبان و مبلّغان «بد و بدتر» قرار می‌گیرد، مربوط به دوران اولیه‌ی علم حقوق است! این عبارت متناقض «نافرمانی مدنی» است که یکی از دستاوردهای جنبش‌های آزادی و عدالت به شمار می‌رود. برای داشتن قانون خوب می‌بایست از قانون بد سرپیچی کرد! کاری که سال‌هاست زنان و جوانان ایران در پیش گرفته‌اند و اگرچه قوانین بد به خوب تبدیل نشده‌اند، اما در مواردی ناکار شده‌اند.

دیگر اینکه، نظام حقوقی الزاما همان اجرای عدالت نیست! این نظام تنظیم‌کننده‌ی مناسبات حقوقی جامعه درون خود و با دستگاه قدرت است و تلاش می‌کند با ابزار حقوقی، عدالت قضایی را اجرا کند. عدالتی که بر مستندات موجود و شواهد متکی است! این مستندات و شواهد همیشه به سود بی‌گناهی متهم نیستند! البته گاهی به دلیل نبود شواهد کافی، پرونده‌ای مختومه اعلام می‌شود. اما اگر شواهدی برخلاف حقیقت وجود داشته باشد، آنگاه بی‌گناهی متهم کافی نیست. «پرونده‌سازی» به ویژه در نظام‌های فاسد و سرکوبگر، بر همین اساس صورت می‌گیرد!

جمهوری اسلامی بر قوانین بد بنا شده و بجز «حاکم شرع»، نقشی برای دادستان‌ووکیل که‌هردومفاهیمی‌مدرن‌هستند،در«شریعت»وجودندارد.

دستگیری دو جوان دانشجو، علی یونسی و امیرحسین مرادی، که اخیرا به اتهام همکاری با سازمان مجاهدین خلق دستگیر شده‌اند، مانند همه دستگیری‌های مشابه، نگران کننده است چرا که در آن اصل نه بر برائت بلکه بر «پرونده‌سازی» برای رسیدن به اهداف سیاسی است. مقامات امنیتی و قضایی حکومت دینی در ایران اگر ریگی به کفش ندارند، اول از همه باید امکان دسترسی متهمان را به وکلای مستقل فراهم کنند. چیزی که به دلیل همان قوانین بد هرگز انجام نشده است.

زندگی با چشمان بسته در وضعیت قرمز با سپیدنمایی کاذب

شعار «کُرونا را شکست می‌دهیم» از سوی حکومت اکنون به «مردم پس از اینکه فاصله‌گذاری‌ها را لغو کردیم، فاصله‌گذاری را رعایت نمی‌کنند»، تبدیل شده! ادعای عدم ورود کُرونا به ایران، کم‌خطر بودن کُرونا، شکست کُرونا و همچنین در یک ماهه اخیر با ادعای کاهش آمار کُرونا، در نهایت حالا به اتهام زدن به مردم به دلیل عدم رعایت توصیه‌های بهداشتی رسیده است؛ آنهم در حالی که به گفته‌ی مقامات مسئول در کشور، در آستانه‌ی موج دوم کُرونا قرار داریم.

در صفحه ۲

در صفحه ۶

میزان بی‌اطلاعی از مسائل ایران در گزارش‌های رسانه‌های غربی حیرت‌آور است

در صفحه ۱۸

آنچه باید از اتصال سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به «خدا» بدانیم!

در صفحه ۱۶

کیهان
وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

انا لله و انا الیه راجعون

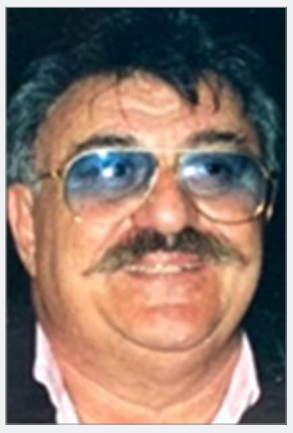

بیژن کیانی

همانا ما از آن خداییم و به سوی او بازمی‌گردیم. (سوره بقره، آیه ۱۵۶)

روز جمعه پنجم اردیبهشت ۱۳۹۹ مقارن با اولین روز ماه مبارک رمضان، پدر، پدر بزرگ و دوست عزیز و مهربانمان **بیژن کیانی** در سن ۸۴ سالگی به سوی خدا بازگشت.

او پدر و پدربزرگی مهربان و یک دوست صمیمی و واقعی برای کسانی که او را می‌شناختند بود. قلب و روح او همیشه پر از عشق و شجاعت و سخاوت بود و حتما به خاطرعشق بی‌قید و شرط به میهنش، از او یاد خواهد شد.

روحش شاد و یادش گرامی باد.

فرزندان: **شان و سارا کیانی** نوه‌ها: **لوید، گابریل و مایلا کیانی**
برادرزادگان: **سامان و سالومه کیانی** دوستان و بستگان و آشنایان:
امینی، حکیمی، گیلانی، سمیعی، شایسته، یزدان‌پناه، اکبر، سلیمانی، توکلی، ذوقی، انصاری، مژدهی، فزون‌مایه، زاویه، Wheeler, Perry, Everett, Davis & Mason.

لطفاً در صورت تمایل مراتب تسلیت و همدردی خود را به نشانی: trustkiani@gmail.com ارسال فرمائید.

● **کیهان** درگذشت شادروان **بیژن کیانی** را به همه بازماندگان به ویژه خانواده محترم **کیانی** تسلیت می‌گوید.

مرهم‌های زهرآگین دولت بر پیکر بیمار و نحیف اقتصاد ایران

● کمبود شدید منابع درآمدی، کسری میلیاردی بودجه و رکود ناشی از کُرونا دولت را واداشته تا به تصمیمات از این ستون به آن ستون روی بیاورد

کمبود شدید منابع مالی در کشور و ناتوانی در فروش نفت خام به عنوان مهمترین منبع درآمد جمهوری اسلامی، کسری بودجه‌ای که بیش از آنکه نتیجه تحریم اقتصادی باشد نتیجه ناکارآمدی حکومت در به کار گرفتن سیاست‌های اقتصادی مولد و توسعه‌محور است و در نهایت رکود اقتصادی ناشی از کُرونا، همگی دست به دست هم داده تا دولت با کلافی سردرگم از جمله در حوزه اقتصاد روبرو باشد.

بار نحیف شدن پیکر اقتصاد ایران طی چهار دهه گذشته بر دوش حقوق‌بگیران و فعالان اقتصادی بخش خصوصی بود اما اکنون بحران چنان حاد شده که عوارض آن گریبان دولت را هم گرفته است.

پس از ارائه لایحه بودجه به مجلس شورای اسلامی در اواخر پاییز گذشته، کارشناسان از کسری بودجه‌ی ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی در آن خبر دادند. کسری شدید در بودجه یکی از دلایل رد کلیات آن توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی بود.

شیوع کُرونا و تعطیلی و زیان هنگفت بخش‌های مختلف اقتصادی کشور، به ویژه در بخش خدمات که سهم عمده‌ای در درآمدهای کشور در شرایط تحریم دارد، دولت را واداشته تا به هر ترفندی خزانه خالی را پُر و منابعی برای هزینه‌های جاری کشور در نظر بگیرد.

تیم اقتصادی دولت طی هفته‌های گذشته چند اقدام انجام داده که همه آنها در پیوند با هم، راه دستیابی به هدفی مهم را برای حکومت هموار می‌کند: مدیریت نگاه و انتظارات اقتصادی مردم و جمع‌آوری نقدینگی آنها به سود دولت!

رونق بخشیدن کاذب به بازار بورس ایران، کاهش سود سپرده‌های بانکی، پرداخت وام یک میلیون تومانی به یارانه‌بگیران با ادعای حمایت از معیشت خانوار، و شتاب برای اجرای طرح «حذف چهار صفر از پول ملی» از جمله اقدامات هماهنگ دولت است.

بورس ایران، هیجانی رو به سوی سقوط!

دخالت سوداگرانه‌ی دولت در بورس ایران همزمان با عرضه‌ی سهام شرکت‌های سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) اوج گرفت. فروش «شستا» به دلیل تبلیغات گسترده‌ای که از هفته‌ها پیش از سوی رسانه‌ها و مقامات حکومتی انجام شده بود با استقبال مردم روبرو شد.

صف‌های طولانی شهروندان برای دریافت کد بورسی و وارد شدن به بورس موجب شد تا روحانی و دولتمردانش به طمع افتاده و فهرستی طولانی از شرکت‌های دولتی، زمین و مستغلات دولت، شرکت‌های بزرگ سرمایه‌گذاری مسکن، بانک‌ها و معادن کوچک و متوسط را برای عرضه در بورس تنظیم کنند.

در آنسوی ماجرا اما بجز معامله‌گران حرفه‌ای بورس که پیشتر نیز در این بازار حضور داشتند، مردم، به ویژه قشرهای کم‌درآمد که سفره‌هایشان هر روز خالی‌تر می‌شود، تحت تأثیر تبلیغات متوهمانه دولت با فروش سرمایه‌های اندک و ناچیز خود مانند اتومبیل و طلای خانگی به سمت بازار بورس کشیده شده‌اند.

هجوم مردم به بازار بورس آنقدر گسترده است که در هفته‌های گذشته حدود ۱۱ میلیون کد بورسی صادر شده و به گفته حسن قالیباف‌اصل رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار، این اواخر روزانه تا ۱۵۰۰ میلیارد تومان پول جدید به بورس وارد می‌شود.

این در حالیست که بسیاری از تازه‌واردها هیچ مهارت، تخصص و حتی آشنایی اندکی با بازار پیچیده بورس ندارند و صرفا تحت تأثیر تصویری خیالی که دولت و به ویژه شخص حسن روحانی از بورس نشان می‌دهند وارد این بازار شده‌اند.

همین موضوع سبب شده کارشناسان اقتصادی زیادی با انتقاد از تبلیغات هجو دولت و با اشاره به اینکه دولتَ به دنبال جبران کسری بودجه و جمع‌آوری نقدینگی است به مردم هشدار دهند که مراقب روزی نه چندان دور باشند که حباب بورس بترکد و ریزش شاخص‌ها، بخش زیادی از سرمایه‌های آنها را به باد دهد.

با این حال فرهاد دژپسند وزیر اقتصاد مدعیست واگذاری سهام شرکت‌ها و دارایی دولت و بانک‌ها برای کوچک‌سازی دولت بوده است.

در مقابل اما محمدرضا مقیمی رئیس پلیس امنیت اقتصادی از مردم خواسته به شایعات، تبلیغات و هیاهوها برای ورود به بازار بورس توجه نکنند!

کاهش سود سپرده، ابزاری برای هدایت نقدینگی

تصمیم دیگر دولت، کاهش سود سپرده‌های بانکی است. این کار یکبار پیشتر در تابستان ۱۳۹۶ اجرا شد اما از آنجا که دولت نظارت کارآمد و اراده‌ای در برابر مافیاهای اقتصادی ندارد، این طرح شکست خورد.

سود سپرده‌های بانکی در بسیاری از موسسات و بانک‌های خصوصی تا ۲۴ درصد هم می‌رسید و در سال‌های گذشته دریافت سود سپرده یکی از راه‌های درآمدزایی خانوارها و حتی صاحبان سرمایه در ایران شده بود.

با وجود رسوایی بزرگی که در موسسات مالی و اعتباری خصوصی رخ داد و تعدادی از موسسات با ارائه سودهای بالا سرمایه نقدی مردم را گرفته و با اعلام ورشکستگی پول آنها را بالا کشیدند و پدیده «مالباختگان» را به مشکلات اضافه کردند، اما باز هم روند پرداخت سود به سپرده‌های بانکی ادامه داشت. حتی از تابستان ۱۳۹۶ که دولت در بخشنامه‌ای، با تهدیدهای فراوان، به بانک‌ها و موسسات مالی اعلام کرد که حداکثر سود سپرده ۱۵ درصد است اما همچنان گزارش‌هایی از پرداخت سودهای بالای ۲۰ درصد منتشر می‌شد.

اکنون اما «جیب خالی» موجب شده تا دولت ظاهرا در کاهش سود سپرده مصمم بشود و با این کار مردم را به فکر خارج کردن سپرده‌های خود از بانک‌ها و سرمایه‌گذاری در بازارهای دیگر بیندازد؛ و در این میان چه بازاری بهتر از بازار بورس که این روزها رونق دارد؟!

حتی بسیاری معتقدند که پرداخت وام یک میلیون تومانی به مردم از سوی دولتی که هیچ برنامه منسجم و سودمندی برای حمایت از قشرهای تنگدست و آسیب‌پذیر ندارد، به این امید بوده که بخشی از همین مبالغ ناچیز نیز به بازار بورس هدایت شود.

از سوی دیگر افزایش شدید قیمت‌ها در بازار اتومبیل که از هیچ منطق اقتصادی تبعیت نمی‌کند و حتی با روند و واکنش‌های معمول در این بازار نیز همخوانی ندارد، می‌تواند بخشی از پروژه کشاندن پول نقد مردم به بازار بورس باشد.

با گران شدن اتومبیل افرادی که در فکر خرید اتومبیل بودند با کسری بودجه برای خرید روبرو شده و احتمال دارد سرمایه خود را برای مدتی وارد بازار بورس کنند تا سود حضور در بورس بر سرمایه آنها افزوده و توان خرید اتومبیل را پیدا کنند.

در نمونه‌های دیگری، افرادی که اتومبیل‌هایشان با افزایش بالای قیمت روبرو شده، با تعویض اتومبیل خود با اتومبیلی ارزان‌تر، سرمایه اندک به دست آورده را در بازار بورس سرمایه‌گذاری می‌کنند.

تغییر واحد پول ملی و حذف چهار صفر

در این میان مجلس شورای اسلامی هم طرح بانک مرکزی برای حذف چهار صفر از پول ملی ایران و تغییر واحد آن از «ریال» به «تومان» را تصویب کرد. این طرح از مدت‌ها پیش مطرح و دولت روحانی بر تصویب آن اصرار داشت اما بررسی و تصویب آن در آخرین روزهای کاری مجلس دهم شورای اسلامی که همچنان لابی دولت در آن فعال است، این پرسش را مطرح کرده که آیا دولت با امید به اجرای این مصوبه در ماه‌های پیش رو می‌خواهد بخشی از کسری بودجه خود را جبران کند؟

همچنین به نظر می‌رسد جنبه‌های روانی حذف چهار صفر از واحد پول نیز مد نظر دولت بوده است. حسن روحانی می‌گوید واحد «تومان» هم راحت‌تر است، هم زیباتر است هم محاسبه‌اش آسان‌تر!

با اینهمه تغییر واحد پول ملی نیازمند بودجه‌ای دست‌کم ۶۴۰۰ میلیارد تومانی خواهد بود و کارشناسان احتمال تورم‌زا بودن آن را مطرح کرده‌اند اما دولت اصرار دارد در این روزهای بی‌پولی هرچه زودتر این طرح اجرا شود.

اصرار و اشتیاق دولت بر اجرای این طرح، احتمال چاپ پول بی‌پشتوانه را افزایش می‌دهد؛ دولت در حین تعویض اسکناس‌ها و سکه‌های ریال با قران و اسکناس‌های تومان، می‌تواند پول بی‌پشتوانه چاپ کند و بجای کسری بودجه‌اش بگذارد!

از سوی دیگر پروژه‌ی تغییر پول، کانال جذابی برای فساد و چپاول از سوی رانتخواران دولتی و وابستگان آنهاست؛ درست همانطور که دلار ۴۲۰۰ تومانی بجای کمک به اقتصاد کشور، رانت‌خواران حکومتی کمک کرد!

در چنین شرایطی می‌توان گفت که بخش مهمی از تمرکز نظام این روزها بر «تاب‌آوری» اقتصادی و تأمین هزینه‌های جاری کشور متمرکز شده است. در رأس تاکتیک‌ها اما خارج کردن پول نقد مردم از دست آنها و رساندنش به خزانه دولت با استفاده از ابزار «بورس» است.

همه این تمهیدات و ترفندها اما دردی از یک اقتصاد غیرمولد و جیب و سفره خالی مردم و واحدهای ورشکسته دوا نمی‌کند بلکه با ایجاد جوّ روانی و انتظارات کاذب از اقتصاد، بذر اعتراضات اجتماعی را می‌کارد که دیر یا زود دوباره شکل خواهد گرفت.

روشنک آسترکی

زندگی با چشمان بسته در وضعیت قرمز با سپیدنمایی کاذب

شعار «کُرونا را شکست می‌دهیم» از سوی حکومت اکنون به «مردم پس از اینکه فاصله‌گذاری‌ها را لغو کردیم، فاصله‌گذاری را رعایت نمی‌کنند»، تبدیل شده! ادعای عدم ورود کُرونا به ایران، کم‌خطر بودن کُرونا، شکست کُرونا و همچنین در یک ماهه اخیر با ادعای کاهش آمار کُرونا، در نهایت حالا به اتهام زدن به مردم به دلیل عدم رعایت توصیه‌های بهداشتی رسیده است؛ آنهم در حالی که به گفته‌ی مقامات مسئول در کشور، در آستانه‌ی موج دوم کُرونا قرار داریم.

فاصله‌هایی که مدیون نوروز بود

پس از استفاده‌ی نهادهای مسئول از تعطیلات نوروزی برای اعلام قرنطینه و اجرای فاصله‌گذاری اجتماعی، آنهم دست‌کم یک ماه پس از ورود و شیوع کُرونا به ایران، طبق مصوبات ستاد مقابله با ویروس کُرونا، از ۲۳ فروردین‌ماه تا کنون گام به گام، دیوارهای حفاظتی یکی پس از دیگری فرو ریخته و اکنون در سومین ماه اعلام رسمی شیوع کووید۱۹، زندگی مردم در شرایطی غیرعادی به روال عادی پیش از کُرونا بازگشته است.

سه ماه پس از اعلام رسمی ورود کُرونا به ایران، دیگر کسب و کاری نمانده که از سرگرفته نشده باشد؛ از کارخانجات و ادارات تا پاساژهای خرید و آرایشگاه‌ها... نتیجه‌ی این سیاست چیزی جز شلوغی خیابان‌ها، مترو و اتوبوس‌ها نیست؛ و رفت و آمد شهروندانی که مجبورند برای کسب نان، روی طناب نازک و هولناک کُرونا، آکروبات بازی کنند.

اینهمه درحالیست که طبق اعلام وزارت بهداشت، موج نخست کُرونا که ظاهرا در ۱۹ اسفندماه بوده، قرار است خردادماه فروکش کند و موج دوم در پاییز از راه برسد و زنگ خطر ماندگاریش در موج‌های بعدی به صدا در بیاید! وضعیت شکننده‌تر و بی‌ثبات‌تر از همیشه است. آمار مبتلایان و مرگ و میرها مخدوش و متناقض است و مردم هیچ تعریف و تصوری از ابعاد واقعی فاجعه و هیچ مرجع مورد اعتمادی برای پرسش‌های خود ندارند.

مقامات مسئول توصیه و نظاره می‌کنند!

گزارش‌های پراکنده از استان‌های مختلف چون تهران، خوزستان، قم، گیلان، هرمزگان از وخامت اوضاع و افزایش شمار مبتلایان و مرگ و میر ناشی از کُرونا خبر می‌دهند. در حالی که کشورهای دنیا هر یک سیاست واحدی در مقابله با کُرونا در نظر گرفته‌اند تا از سلامتی و جان شهروندان خود محافظت کنند، حکومت مذهبی در ایران از هر روشی اندکی اجرا و بعد نیمه‌کاره رهایشان کرده است. در ایران، نه قرنطینه به معنای واقعی اجرا شد و نه فاصله‌گذاری اجتماعی تا کاهش بحران. حتی در روند شناسایی بیماران نیز نهادهای مسئول از گرفتن تست انبوه اجتناب کرده و به خوداظهاری و تست آزمایشگاهی قناعت کردند. در این بین، مقیاس شناسایی افراد مبتلا، تا ۱۹ اردیبهشت‌ماه فقط ۵۵۸ هزار و ۸۹۹ آزمایش تشخیص بوده، آنهم برای کشوری با جمعیتی بیش از ۸۳ میلیون نفر!

نکته قابل تأمل اینجاست که مراکز پزشکی از جمله در خراسان رضوی از انجام تست کُرونا برای افرادی دارای علائم اولیه چون سرفه و مشکلات تنفسی خودداری می‌کنند و با تقسیم‌بندی بیماران به سه سطح، آن بیمارانی که پزشکان تشخیص دهند در مرحله دوم قرار دارند، وارد مرحله‌ی تشخیص و اجرای تست‌های آزمایشگاهی و رادیولوژی می‌کنند.

این روش درحالی اتخاذ شده که مقامات دولت بارها کمبود کیت‌های تشخیص کُرونا را تکذیب کرده و حتی مدعی صدور آنها شده‌اند.

با در نظر گرفتن ناشناس ماندن حاملان کُرونا که می‌توانند بدون بیمار شدن، ناقل این ویروس باشند، درهای کسب و کارها گشوده شد و صفر تا صد، مسئولیت مقابله با کُرونا، تأمین اقتصاد خانواده و رعایت مقررات بهداشتی، به گردن خود مردم انداخته شد! به این ترتیب، مردم باید مخاطرات ناشی از بازگشت به شرایط عادی را تحمل کنند در حالی که حکومت و مقامات دولتی در حد یک توصیه‌گر ماجرا را نظاره می‌کند.

وضعیت عادی نیست

در چنین شرایطی، اخباری که از گسترش دوباره‌ی کُرونا در فروردین‌ماه در استان‌های گیلان، مازندران، تهران، قم و خوزستان می‌رسید و حاکی از مبتلایان جدید و افزایش مرگ و میر بود، با تشرهای مقامات وزارت بهداشت به سکوت سنگینی بدل شد. اما ویروس با تشر از بین نمی‌رود و این استان‌ها در اردیبهشت دوباره در وضعیت قرمز قرار گرفته‌اند. دانشگاه علوم پزشکی گیلان از ابتلای ۲۲ تا ۳۳ درصد مردم این استان به کُرونا خبر داده و رئیس بیمارستان رازی در خوزستان گفته که کُرونا در این استان افسار پاره کرده و از هر دو مبتلا یکی بستری می‌شود!

در چنین شرایطی، آمار وزارت بهداشت از کُرونا تا روز جمعه ۱۹ اردیبهشت‌ماه، شمار کل مبتلایان را ۱۰۴ هزار و ۶۹۱ نفر و شمار کل جانباختگان را ۶ هزار و ۵۴۱ نفر عنوان می‌کن.! در حالی که در کشورهایی با جمعیت مشابه و در شرایط بهداشتی و پزشکی و مدیریتی به مراتب بهتر و مناسب‌تر، این ارقام بسیار بیشتر است!

در این میان، حسن روحانی رئیس دولت «تدبیر و امید» به تازگی افزایش شمار مبتلایان را «خبر خوب» توصیف کرده است زیرا به گمان وی «سرعت و یا گسترش کشف مبتلایان گاهی می‌تواند خبر خوبی باشد و خبر بدی نباشد؛ آنجایی که کیت‌های آزمایشگاهی را گسترش می‌دهیم و آزمایشگاه‌مان را زیاد و از این طریق افرادی را که هیچ علامتی هم به ظاهر ندارند شناسایی می‌کنیم، خوشحال کننده است.»

همزمان وزارت بهداشت و شخص روحانی به اصرار بر طبل تبلیغات روند کاهشی ابتلا و مرگ بر اثر کُرونا و شمار بالای بهبودیافتگان حتی در رده‌ی پنج کشور دنیا می‌کوبند. حال آنکه نه مردم و نه دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی به آمار و ارقام رسمی جمهوری اسلامی ایران هیچ اعتمادی ندارند.

اکنون دست‌کم سه ماه از ورود کُرونا به ایران می‌گذرد. چیدمان حکومت، وضعیت را عادی نشان می‌دهد، مردم می‌توانند حتی با ماشین خود به تماشای فیلم و نوحه‌خوانی بروند، ماسک‌های مد روز خریداری کنند؛ حتی دوباره راه‌ها برای سفر به شهرهای شمالی کشور باز شده است. هتل‌های جزیره کیش در خردادماه دوباره برای پذیرایی از مسافران باز می‌شوند. اینهمه در حالی که هم از شمال و هم از کیش، خبرهایی از ابتلا به کرونا می‌رسد!

اما نظام با تعریف و تمجید از خود اعلام می‌کند که ابتلا و مرگ و میر کاهش یافته؛ هیچ کمبودی نداریم و تجهیزات پزشکی را صادر هم می‌کنیم! واکسن هم می‌سازیم!

ابهام، بهام، ابهام!

به راستی مردم در بازی هولناک شطرنج با کُرونا در کجا ایستاده‌اند؟

همانگونه که زمان ورود کُرونا به ایران هنوز بطور دقیق مشخص نیست، آمار مبتلایان و قربانیان نیز قابل استناد نیست؛ بیماران کُرونایی به اسم بیماری‌های گوارشی و قلبی و تنفسی و همچنین بیماری‌هایی زمینه‌ای مانند سرطان دفن می‌شوند؛ کیفیت درمان و شیوه‌های درمانی، داروهایی که به بیماران داده می‌شود نامشخص است؛ وضعیت کفن و دفن و خاکسپاری قربانیان نیز غیرشفاف و مبهم است.

این در حالیست که ایران از نظر تلفات جانی کادر بهداشت و درمان که شمار آنها به بیش از صد تن رسیده است، در صدر جدول از دست دادن پزشکان و پرستاران قرار دارد.

نه تنها گردش آزاد اطلاعات درباره کُرونا مخدوش است بلکه این امر به یک موضوع امنیتی و همچنین حیثیتی برای حکومت بدل شده و منتقدان آمارها و ارائه دهندگان آمارهای متفاوت از نهادهای حکومتی، بازداشت و یا تهدید شده و حتی از کار برکنار شده‌اند.

از گورستان‌ها نیز بوی وخامت اوضاع به مشام می‌رسد. آمار کفن و دفن نیز به موضوع امنیتی تبدیل شده؛ «بهشت زهرا» مجاز به اعلام آمار مردگان نیست؛ و ثبت احوال آمار تازه مردگان را یا اعلام نمی‌کند و یا به صورت مهندسی شده اعلام می‌کند!

اینک با تقسیم‌بندی استان‌ها به کم‌خطر، پرخطر و با خطر متوسط و کاهش و لغو محدودیت‌ها، خطر افزایش ابتلا به کُرونا در شهرهای کوچک و روستاها نیز تشدید می‌شود؛ این در حالیست که خبرهای این مناطق هرگز به اندازه‌ی شهرهای بزرگ بازتاب و گوش شنوا پیدا نمی‌کند.

در تصمیم تازه‌ی ستاد مقابله با کُرونا، مراکزی چون آرایشگاه‌ها و باشگاه‌های ورزشی و اماکن زیارتی و مذهبی در مناطق به اصطلاح با وضعیت سپید، مجوز بازگشایی دریافت کرده‌اند؛ اما این شهرهای سپید در استان‌های با وضعیت قرمز قرار دارند و لغو محدودیت‌ها در آنها به معنی دعوت کُرونا به جست و خیز است.

در چنین شرایطی در استان‌های شمالی بیماری «فاسیولا» (بیماری انگلی و غیرواگیر) شیوع پیدا کرده و در استان خوزستان نسبت به شیوع بیماری وبا هشدار داده می‌شود. در سپیدنمایی کاذب از سوی مقامات، وضعیت در ایران همچنان قرمز است و آنها با عادی جلوه دادن همه چیز، شهروندان را با چشمان بسته رهسپار سیاهی می‌کنند!

آزاده کریمی

دونالد ترامپ: کشتن قاسم سلیمانی قانونی بود؛

محدود کردن اقدام نظامی علیه رژیم ایران خطرناک است

دونالد ترامپ

● دونالد ترامپ مصوبه کنگره مبنی بر «محدود ساختن اختیارات رئیس جمهوری برای اقدام نظامی علیه ایران» را توهین‌آمیز و خطرناک خواند.

● «این اقدام کنگره بخشی از استراتژی دموکرات‌ها برای پیروزی در انتخابات سوم نوامبر با شکاف انداختن بین حزب جمهوریخواه انجام شد و تعداد کمی از جمهوریخواهان به آن مصوبه رای دادند و دقیقا بازیچه دست آنها شدند».

● الیسا اسلوتکین نماینده حزب دموکرات: «وتوی رئیس جمهوری علیه این مصوبه ناامیدکننده است ولی عجیب نیست. آنچه مهمتر است و تاثیر ماندگار خواهد داشت اینست که کنگره یک گام فراحزبی برداشته تا طبق قانون اساسی بر نقش خود در رابطه با مسائل صلح و جنگ دوباره تأکید کند.»

دونالد ترامپ چهارشنبه ۷ مه (۱۷ اردیبهشت) مصوبه کنگره آمریکا در مورد «محدود ساختن اختیارات اقدام نظامی علیه ایران» را وتو کرد.

حزب دموکرات که اکثریت مجلس نمایندگان را در دست دارند به همراه شماری از نمایندگان جمهوریخواه تلاش می‌کردند اختیارات رئیس جمهوری آمریکا برای اقدام نظامی فوری علیه ایران را محدود و منوط به دریافت مجوز از کنگره کنند اما ترامپ با استفاده از اختیارات قانونی خود آن را وتو و رد کرد.

به گزارش CBS ترامپ پس از رد این مصوبه با صدور بیانیه‌ای این قطعنامه را «بسیار توهین‌آمیز» خواند و عنوان کرد رای نمایندگان بر عدم برداشت صحیح از واقعیت‌ها و قوانین استوار است.

ترامپ در این بیانیه نوشت: «این اقدام کنگره بخشی از استراتژی دموکرات‌ها برای پیروزی در انتخابات سوم نوامبر با شکاف انداختن بین حزب جمهوریخواه انجام شد و تعداد کمی از جمهوریخواهان به آن مصوبه رای دادند و دقیقا بازیچه دست آنها شدند».

او ممنوعیت اقدام نظامی علیه رژیم ایران را «غیرضروری و خطرناک» دانست و گفت این مصوبه اختیارات رئیس جمهوری را تضعیف می‌کند و جان شهروندان و نیروهای نظامی آمریکا را به خطر می‌اندازد.

ترامپ پیشتر نیز با اشاره به حملات موشکی نیروهای شبه‌نظامی وابسته و وفادار به جمهوری اسلامی ایران در عراق به پایگاه‌های آمریکایی هشدار داده بود که مصوبه کنگره دست او را در مواجهه احتمالی با رژیم ایران خواهد بست و در عوض به جمهوری اسلامی میدان عمل می‌دهد.

رئیس جمهوری آمریکا با بیان اینکه «هیچ نظامی آمریکایی در حمله موشکی رژیم ایران کشته نشد» در توضیح قانونی بودن اقدام نظامی علیه فرمانده پیشین سپاه قدس گفت حمله به قاسم سلیمانی طبق قوانین آمریکا «استفاده از اقدام نظامی علیه عراق، ۲۰۰۲» و «ماده ۲ قانون اساسی» مجاز بوده است.

او همچنین گفت: «در دنیایی که ما زندگی می‌کنیم و پر از تهدید است قانون اساسی اختیارات رئیس جمهوری برای پیش‌بینی اقدامات دشمنان و واکنش سریع و قاطعانه نسبت به آن را به رسمیت می‌شناسد. این چیزیست که من باید انجام می‌دادم و کنگره نباید از اول آن را تصویب می‌کرد».

الیسا اسلوتکین نماینده حزب دموکرات در کنگره آمریکا در توییتی به این اقدام ترامپ واکنش نشان داده و نوشته است: «وتوی رئیس جمهوری علیه این مصوبه ناامیدکننده است ولی عجیب نیست. آنچه مهمتر است و تاثیر ماندگار خواهد داشت اینست که کنگره یک گام فراحزبی برداشته تا طبق قانون اساسی بر نقش خود در رابطه با مسائل صلح و جنگ دوباره تأکید کند.»

ساعتی بعد از وتوی قطعنامه‌ی محدود کردن اختیار رئیس جمهوری برای اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران، توییتر سنای آمریکا خبر داد «مجلس سنای آمریکا ساعت ۰۱:۳۰ به وقت محلی قطعنامه‌ای را برای رد وتوی ترامپ به رأی خواهد گذاشت». دو سوم سنا در دست «جمهوریخواهان» است و بعید به نظر می‌رسد که مخالف نظر ترامپ رای بدهند.

حمله هکرهای ایران و روسیه به دانشگاه‌های بریتانیا برای سرقت اطلاعات در مورد ویروس کُرونا

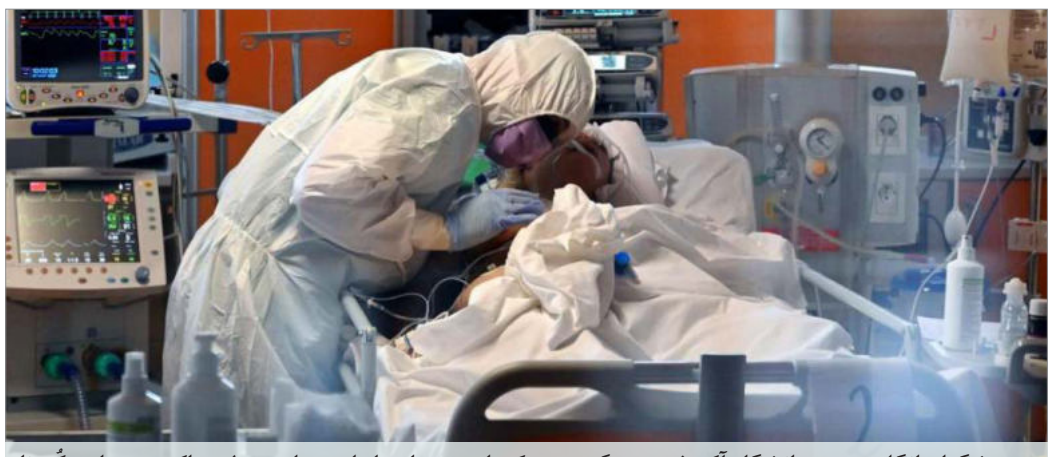
پژوهشگران انگلیسی در دانشگاه آکسفورد می‌گویند ممکن است بتوان تا ماه سپتامبر تولید واکسن بیماری کُرونا را شروع و در اختیار مردم قرار داد

● نهادهای امنیتی انگلیس می‌گویند هکرهای ایرانی و روسی به وبسایت دانشگاه‌ها و پزشکانی که در مورد تولید واکسن و کیت‌های تشخیص کُرونا تحقیق می‌کنند حمله کرده‌اند.

● مقامات وزارت بهداشت جمهوری اسلامی مدعی‌اند موفق به تولید انبوه کیت تشخیص کُرونا شده‌اند و از ۴۰ کشور درخواست واردات دریافت کرده‌اند!

روزنامه انگلیسی «دیلی میل» می‌نویسد دانشگاه‌های بریتانیا که برای مقابله COVID-۱۹ تلاش می‌کنند مورد حمله هکرهای روسی و ایرانی قرار گرفتند.

در این گزارش آمده است، هکرهایی که با دولت‌های متخاصم در ارتباط بودند وبسایت دانشگاه‌هایی را که اقدام به تولید واکسن و کیت‌های تشخیص کُرونا کرده‌اند و همچنین وبسایت‌های دانشمندان و پزشکانی را که در مورد کُرونا تحقیق می‌کنند مورد حمله قرار داده‌اند.نهادهای امنیتی بریتانیا با محکوم کردن این حملات سایبری تایید کردند که شبانه‌روز با خرابکاری‌های آنلاین مقابله می‌کنند.

شیوع کُرونا در ایران به مقامات جمهوری اسلامی فرصت داد تا از آن برای تقویت کارزار تبلیغاتی علیه تحریم‌های آمریکا استفاده کنند و ادعا شد تحریم‌ها مانع دسترسی ایران به تجهیزات پزشکی و دارویی برای مقابله با این ویروس کشنده شده است.

واقعیت اما این است که با شیوع کُرونا در چین، رژیم ایران نه تنها پروازهای ماهان‌ایر به این کشور را متوقف نکرد بلکه با مخفی‌نگه داشتن شیوع کُرونا در ایران برای خوش‌خدمتی اقدام به جابجایی مسافران چینی از ترکیه به ایران و سپس به چین و همچنین ارسال محموله‌های دارویی و بهداشتی از جمله ارسال یک میلیون ماسک به چین کرد.شنبه ۱۳ اردیبهشت صداوسیما جمهوری اسلامی در گزارشی ادعا کرد ایران به تولید انبوه کیت تشخیص کُرونا دست یافته و ۴۰ کشور تقاضای وادرات این کیت‌ها را دارند!

بر اساس یک گزارش اطلاعاتی چین بطور عمد شواهد آزمایشگاهی ویروس کُرونا را نابود کرده و از ارائه‌ی نمونه به دانشمندان بین‌المللی که برای تولید واکسن این بیماری مشغول تحقیقات هستند خودداری کرده است.

در این سند که به تازگی توسط آژانس‌های اطلاعاتی در استرالیا، بریتانیا، آمریکا، نیوزیلند و کانادا منتشر شده آمده است که چین با پنهانکاری در مورد مُسری بودن کُرونا دروغ گفته و پزشکان محلی که وجود و خطرات این ویروس را افشا می‌کردند سرکوب کرده است.

تظاهرات «روز قدس» در برلین لغو شد

پلیس روز ۳۰ آوریل مراکز اسلامی وابسته به جمهوری اسلامی و حزب‌الله لبنان را در چند شهر آلمان از جمله برلین مورد بازرسی قرار داد و اسناد و دستگاه‌های آنها را ضبط کرد

● سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی: دولت آلمان باید پاسخگوی عواقب تروریست خواندن حزب‌الله لبنان باشد!

● این تظاهرات در کشورهای اروپایی به عنوان یک حرکت ضدیهودی و تفرقه‌افکن همواره مورد اعتراض برخی سیاستمداران و شهروندان قرار داشته است اما هر بار تلاش آنها برای ممنوعیت این تظاهرات ناکام می‌ماند. حالا به نوشته‌ی رسانه‌های آلمان، «یکی از نفرت‌انگیزترین تظاهرات» دیگر برگزار نمی‌شود.

به دنبال ممنوع شدن تمامی فعالیت‌های حزب‌الله لبنان و انجمن‌های وابسته به آن در آلمان و استقبال آمریکا و اسرائیل از این تصمیم، سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی نسبت به این اقدام واکنشی معترضانه نشان داده و مدعی شده حزب‌الله لبنان بخش جدانشدنی از لبنان است!

محمد علی شمالی (نفر ایستاده در وسط) مسئول مرکز اسلامی لندن؛ روز قدس در لندن؛ ۱۳۹۴

عباس موسوی تغییر موضع دولت آلمان را نادرست و بدون در نظر گرفتن واقعیات کنونی خاورمیانه و بی‌احترامی به ملت لبنان، بی‌تدبیری کامل و حرکتی در مسیر سیاست‌های اسرائیل و آمریکا دانسته است.

در همین حال اشتیو آلتر سخنگوی وزارت کشور آلمان تصمیم دولت آنگلا مرکل را به‌موقع و درست ارزیابی کرده و گفته سازمان امنیت آلمان تعداد نیروهای وابسته به حزب‌الله را در آن کشور نزدیک به ۱۰۵۰ برآورد نموده و یادآور شده که این افراد در مساجد و انجمن‌ها با یکدیگر ملاقات و گفتگو می‌کنند و به همین دلیل دفاتر چهار انجمن وابسته به حزب‌الله را در شهرهای برلین، دورتموند، برمن و مونستر از سوی پلیس و نیروهای امنیتی مورد بازرسی قرار گرفته است.

دولت آلمان در ماه سپتامبر گذشته از دادستان آن کشور خواست فعالان حزب‌الله را تحت پیگرد قرار دهد. اتحادیه اروپا نیز در سال ۲۰۱۳ شاخه نظامی حزب‌الله را سازمانی تروریستی اعلام کرده بود. هلند و بریتانیا هم قبلا این سازمان را تشکیلاتی تروریستی دانسته بودند.آمریکا و اسرائیل از مدت‌ها قبل از آلمان خواسته بودند فعالیت‌های حزب‌الله را در آن کشور ممنوع اعلام کند.

حامیان حزب‌الله در آلمان متهم هستند که در اقداماتی مجرمانه مانند پولشویی و قاچاق مواد مخدر برای تامین مالی و فعالیت‌های تروریستی دست دارند.

به گزارش خبرگزاری‌های آلمان سه حزب دولت ائتلافی آنگلا مرکل صدراعظم آلمان شامل حزب دمکرات مسیحی، سوسیال مسیحی از ایالت بایرن و حزب سوسیال دمکرات به اتفاق فراکسیون حزب لیبرال دمکرات هفته پیش طرح مشترکی را برای بررسی فعالیت گروه‌ها و تشکل‌های وابسته به حزب‌الله لبنان به پارلمان آلمان ارائه دادند.نمایندگان این چهار حزب به این طرح رای موافق دادند و اعضای فراکسیون‌های دیگر احزاب شامل چپ‌ها، حزب سبزها و حزب راستگرای «آلترناتیو برای آلمان» از حضور در رای‌گیری خودداری کردند. این در حالیست که حزب سبزها که سرانش همواره مناسبات خوبی با جمهوری اسلامی داشته‌اند، دو سال پیش درباره کمک همین دولت به مراکز اسلامی از جمله در هامبورگ اعتراض کرده و پاسخ خواسته بودند!

عباس موسوی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران در دفاع از گروه تروریستی حزب‌الله که در اوایل دهه هشتاد میلادی با حمایت رژیم اسلامی تازه به قدرت رسیده در ایران تأسیس شد، گفته است: حزب‌الله بخشی رسمی و مشروع از دولت و پارلمان لبنان است و این نیرو در مبارزه با داعش نقش موثر داشته بنابراین دولت آلمان باید پاسخگوی تبعات منفی تصمیم خود و تروریست خواندن حزب‌الله لبنان باشد!

امیر عبدالهیان دستیار رئیس مجلس شورای اسلامی و مدیرکل امور بین‌المللی مجلس هم، ممنوع کردن فعالیت‌های حزب‌الله لبنان در آلمان را «خطای استراتژیک» دانسته است!

یکی از حامیان جمهوری اسلامی در راهپیمایی «روز قدس» در برلین پلاکاردی را در دست دارد با عکس خامنه‌ای، سلیمانی و نصرالله؛ ۱۳۹۸

گفتنی است که این هفته مقامات جمهوری اسلامی و رسانه‌های ایران از ارسال چهار محموله دارو و تجهیزات پزشکی از سوی دولت آلمان به ایران اظهار امتنان و خوشنودی نمودند.

یکی دیگر از دلایل عصبانیت رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با تروریست خواندن حزب‌الله لبنان که رژیم تهران با وجود تنگدستی‌های ناشی از ممنوعیت فروش نفت، همچنان به کمک‌های مالی خود به این گروه ادامه می‌دهد، لغو تظاهرات «روز قدس» در شهر برلین در آخرین جمعه ماه رمضان است که قرار بود روز ۱۶ ماه مه برگزار گردد.

یک سال پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، روح‌الله خمینی رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی آخرین جمعه ماه رمضان را به عنوان «روز قدس» در مقابله با اسرائیل و «حمایت از فلسطین» و با آرزوی فتح اورشلیم اعلام کرد. از آن زمان هر سال در این روز راهپیمایی‌های حکومتی به راه می‌افتد و پرچم‌های آمریکا و اسرائیل را آتش می‌زنند و شعار «مرگ بر...» سر می‌دهند.

در چند سال پیش همراه با مماشات کشورهای غربی و اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی و همچنین گروه‌های اسلامگرا، برگزاری این روز به اروپای آزاد و شهرهایی مانند لندن و برلین نیز رسید.

از سال‌ها پیش اسلامگرایان جرأت یافته و با سوء استفاده از قوانین مبتنی بر آزادی دین و مذهب و تظاهرات و تجمع، «روز قدس» را با حضور شماری از مسلمانان در پایتخت آلمان برگزار می‌کردند و این تجمع با مجوز و در چارچوب قوانین جاری این کشور تحمل می‌شد.

در سال‌های گذشته اما شمار تظاهرکنندگان با سیل پناهجویانی که از کشورهای اسلامی به اروپا آمدند، افزایش یافت و جمهوری اسلامی نیز با صدور وابستگان خود از جمله به و هامبورگ و دیگر شهرهای این کشور که مراکز اسلامی زیر پوشش مسائل آموزشی و فرهنگی فعال هستند، آنها را تقویت کرد. تظاهرکنندگان «روز قدس» در خیابان‌های مرکزی این شهرها به راه افتاده و با بالا بردن پرچم حزب‌الله و عکس‌های خمینی و خامنه‌ای و حسن نصرالله و افرادی مانند قاسم سلیمان و... ظاهرا از «ملت فلسطین» دفاع می‌کردند. جالب اینجاست که یهودیان افراطی و ارتدکس نیز در این تظاهرات با اسلامگرایان همراهی می‌کردند.

این تظاهرات در کشورهای اروپایی به عنوان یک حرکت ضدیهودی و تفرقه‌افکن همواره مورد اعتراض برخی سیاستمداران و شهروندان قرار داشته است اما هر بار تلاش آنها برای ممنوعیت این تظاهرات ناکام می‌ماند. حالا به نوشته‌ی رسانه‌های آلمان، «یکی از نفرت‌انگیزترین تظاهرات» دیگر برگزار نمی‌شود.

سخنگوی وزارت خارجه: آماده تبادل زندانیان هستیم
معاون وزیر دفاع: پنج نفر به اتهام فعالیت‌های نظامی در خارج از کشور زندانی هستند

● عباس موسوی: ما همواره اعلام کرده‌ایم که از هر تلاشی و اقدامی برای آزادی این زندانیان استقبال می‌کنیم و در این ارتباط از هیچ کوششی فروگذار نیستیم.

● نقوی حسینی به نقل از معاون وزیر دفاع جمهوری اسلامی گفته در حال حاضر حدود پنج نفر به اتهام فعالیت‌های نظامی و دفاعی و بهانه‌های بیهوده اسیر و بازداشت شدند.

عباس موسوی

سخنگوی وزارت امورخارجه جمهوری اسلامی ایران درباره ایرانیانی که به اتهام دور زدن تحریم‌ها در اروپا و آمریکا زندانی‌اند گفت: «ما در خصوص برخی از این زندانیان پیشنهاد تبادل داده‌ایم که در برخی از موارد این اتفاق انجام شده است».

عباس موسوی دوشنبه ۱۵ اردیبهشت (۴ مه) در نشست خبری هفتگی خود در این‌باره ادامه داد: «چنانکه می‌بینیم برخی از شهروندان ایرانی به ادعای واهی دور زدن تحریم‌ها در این کشورها در حبس قرار دارند. ما همواره خواستار آزادی این زندانیان شده‌ایم، متأسفانه برخی از کشورهای اروپایی به درخواست‌های آمریکا تن دادند و این شهروندان ایرانی را به آمریکا استراداد کرده‌اند».

وی ادامه داد: «ما همواره اعلام کرده‌ایم که از هر تلاشی و اقدامی برای آزادی این زندانیان استقبال می‌کنیم و در این ارتباط از هیچ کوششی فروگذار نیستیم».

موسوی همچنین درباره وضعیت سیروس عسگری شهروند ایرانی که در زندان اداره مهاجرت آمریکا زندانی است و ادعا می‌شود در خطر ابتلا به ویروس کُرونا قرار دارد، گفت: «وزارت امور خارجه برای پیگیری وضعیت ایشان در داخل اقداماتی را انجام داده است، همچنین دفتر حافظ منافع ایران در واشنگتن نیز پیگیری‌های لازم را در این زمینه انجام داده و از نزدیک از طریق مقامات قضایی آمریکا پیگیر وضعیت ایشان هستند».

وی ادامه داد: «قرار است امروز و فردا یک تست مجدد کُرونا از ایشان گرفته شود و اگر تست ایشان منفی باشد تمام تدابیر لازم برای بازگشت ایشان به کشور فراهم است و به زودی به ایران باز می‌گردد».

اظهارات مقامات جمهوری اسلامی در مورد آزادی زندانیان درحالیست که رولان مارشال پژوهشگر فرانسوی در مرکز تحقیقات بین‌المللی وابسته به مدرسه‌عالی علوم سیاسی پاریس روز ۲۰ مارس پس از ۹ ماه و نیم حبس از زندان آزاد شد و به فرانسه بازگشت.

مارشال با جلال روح‌الله‌نژاد که به درخواست آمریکا به اتهام دور زدن تحریم‌های ایران در فرانسه بازداشت شده بود مبادله شد. فریبا عادلخواه پژوهشگر ایرانی- فرانسوی که همزان با مارشال بازداشت شد همچنان در زندان اوین بسر می‌برد.

سیدحسین نقوی‌حسینی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس روز دوشنبه گفت بازگشت سیروس عسگری به کشور قطعی شده است. وی اما نگفت عسگری با زندانی دیگری مبادله می‌شود یا نه.

این نماینده به نقل از معاون وزیر دفاع جمهوری اسلامی گفته بیش از ۳۰ ایرانی که در امور نظامی فعالیت داشته‌اند خارج از کشور «گرفتار شده بودند» اما در حال حاضر حدود پنج نفر به اتهام فعالیت‌های نظامی در خارج از کشور زندانی هستند.به گفته نقوی حسینی، معاون وزارت دفاع جمهوری اسلامی در نشست کمیسیون امنیت ملی گفته «در حال حاضر حدود پنج نفر به اتهام فعالیت‌های نظامی و دفاعی و بهانه‌های بیهوده اسیر و بازداشت شدند». مشخص نیست بقیه‌ی آن ۳۰ نفر آزاد و یا در مبادلاتی به ایران بازگشته‌اند.

کشته شدن فرمانده سپاه «بیت‌المقدس» کردستان و تعدادی از پاسداران در درگیری با یک گروه مسلّح

سرهنگ پاسدار شکیبا

● شکیبا سلیمی معاون عملیات قرارگاه سپاه پاسداران در استان کردستان در درگیری کشته شد.

● هنوز هیچ گروهی رسماً مسئولیت درگیری با سپاه را به عهده نگرفته است.

در پی درگیری نیروهای سپاه پاسداران در استان کردستان با افراد مسلّح حوالی شهرستان دیواندره در این استان، سرهنگ پاسدار شکیبا سلیمی فرمانده سپاه «بیت المقدس» به همراه دو نفر دیگر از نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کشته شدند.

قرارگاه «حمزه سیدالشهدا» ۱۶ اردیبهشت در بیانیه‌ای اعلام کرد: «سرهنگ شکیبا در یازدهمین روز از ماه مبارک رمضان به همراه دو نفر دیگر از رزمندگان غیور اسلام، جعفر نظامپور و محمد شکری پس از درگیری و به درک واصل نمودن تعدادی از عناصر ضدانقلاب شهد شیرین شهادت را با زبان روزه نوشیدند».

منابع غیررسمی می‌نویسند نیروهای سپاه پاسدارانِ انقلاب اسلامی با پیشمرگه‌های کُرد درگیر شدند.

در شبکه‌های اجتماعی گروهی از کاربران نوشته‌اند او در سرکوب اعتراضات استان کردستان و بازداشت فعالان سیاسی نقش داشته است.

همچنین گفته می‌شود که دو شبه‌نظامی بومی که با سپاه همکاری می‌کردند نیز در این درگیری کشته شدند.

وبسایت «حزب دمکرات کردستان ایران» خبر داده که این درگیری در روستای «نرگسله» و «آژوان» در اطراف کوه‌های «چهل چشمه» و «سلطان» بین یک گروه مسلح ناشناس و نیروهای سپاه پاسداران رخ داده است. هنوز هیچ گروهی رسماً مسئولیت درگیری با سپاه پاسداران را به عهده نگرفته است.

هشدار مقام‌های نظامی جمهوری اسلامی به تحرکات و فعالیت‌های هوایی دشمن در آسمان ایران

● فرماندهان بلندپایه پدافند هوایی در ایران همزمان از دو پایگاه‌های پدافندی ارتش و سپاه پاسداران در جنوب کشور بازدید کردند.

● رحیم‌زاده جانشین فرمانده قرارگاه پدافند هوایی «خاتم‌الانبیاء»: پیام ما به همسایگان ایران اسلامی و نیروهای فرامنطقه‌ای این است که هرگونه حرکت نابخردانه امنیت کشورهای منطقه را با مخاطرات جدی مواجه خواهد ساخت.

● نشنال اینترست: بُرد هواپیمای F-35 اسرائیل ۶۰۰ مایل بود اما فاصله تل‌آویو تا تهران ۱۰۰۰ مایل است. ارتش اسرائیل موفق شده با طراحی مخازن جدید سوخت، بُرد پرواز هواپیماهای رادارگریز F-35 را بطور ویژه افزایش دهد.

ارتش اسرائیل ۹ فروند جنگنده ویژه F-35 در اختیار دارد

سرتیپ قادر رحیم‌زاده جانشین فرمانده قرارگاه پدافند هوایی «خاتم‌الانبیاء» به همراه گروهی از فرماندهان و کارشناسان نظامی برای ارزیابی وضعیت سیستم پدافندی ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مستقر در جنوب ایران به استان هرمزگان رفته‌اند.

رسانه‌های داخلی ۱۵ اردیبهشت به نقل از او نوشتند که یکی از اهداف این ماموریت اجرای آموزش‌های عملیاتی، اطلاعاتی و فنی مطابق با سناریوهای مشخص شده برای انجام واکنش‌های سریع است.

رحیم‌زاده گفته «پیام ما به همسایگان ایران اسلامی و نیروهای فرامنطقه‌ای این است که هرگونه حرکت نابخردانه امنیت کشورهای منطقه را با مخاطرات جدی مواجه خواهد ساخت».

او با اشاره به اینکه «امروز همه تحرکات و فعالیت‌های هوایی دشمن را بطور مستمر از لحظه پرواز از روی باند تحت رصد و پایش عملیاتی و اطلاعاتی داریم» تاکید کرده «ما اهل تجاوز و شروع‌کننده جنگ نیستیم، ولی با اقتدار کامل به هرگونه تهدید و تجاوز به قلمرو هوایی کشورمان پاسخی دندان‌شکن و پشیمان‌کننده خواهیم داد».

همزمان علیرضا صباحی‌فرد فرمانده نیروی پدافند هوایی ارتش نیز از پایگاه پدافندی جزیره خارک بازدید کردند. پایانه نفتی خارک بزرگ‌ترین مرکز صادرات نفتی ایران است.

پس از آنکه دونالد ترامپ دستور شلیک به قایق‌های سپاه در خلیج فارس در صورت مزاحمت برای ناوهای آمریکایی را صادر کرد هشتم اردیبهشت ستاد کل نیروی‌های مسلّح جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای به آن واکنش نشان داد که در بخشی از آمد به آمریکا و متحدان آن هشدار داده شد «از اقدامات تحریک‌کننده و مخاطره‌آمیز هنگام عبور از آب‌های انحصاری اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در دریای عمان و خلیج فارس و فضای هوایی این مناطق شامل FIR (فضای تحت مدیریت هوایی کشور) و ADIZ (منطقه شناسایی پدافند هوایی) خودداری کنند».

در هفته‌های گذشته بازدید فرماندهان ارشد از پایگاه‌های پدافندی سپاه پاسداران و ارتش در شهرهای مختلف بطور قابل توجهی افزایش پیدا کرده است. اما چه اتفاقی افتاده که این مقامات مدام در مورد «تحرکات و فعالیت‌های دشمن» هشدار می‌دهند؟ آنها نمی‌گویند چه خبر است اما آنگونه که پیداست ظاهرا خبرهایی هست.

پایگاه تحلیلی «نشنال اینترست» می‌نویسد احتمالا هواپیماهای فوق پیشرفته F-۳۵ اسرائیل پدافند ایران را مسخره می‌کنند! میخاییل پیک تحلیلگر نظامی به گزارش روزنامه «الجریده» چاپ کویت اشاره کرده که فروردین سال ۱۳۹۷ (مارس ۲۰۱۸) به نقل از منابع امنیتی گزارش داد دو فروند هواپیمای F-۳۵ اسرائیل از فضای بین مرز عراق و سوریه مخفیانه وارد آسمان ایران شدند و بدون آنکه رادارها آنها را شناسایی کنند بر فراز بندرعباس، شیراز و اصفهان پرواز کردند و از روی تاسیسات حساس رژیم از جمله سایت‌های اتمی نیز عبور کردند.

در گزارش نشنال اینترست آمده بُرد هواپیمای F-۳۵ اسرائیل ۶۰۰ مایل بود اما فاصله تل‌آویو تا تهران ۱۰۰۰ مایل است. ارتش اسرائیل موفق شده با طراحی مخازن جدید سوخت، بُرد پرواز هواپیماهای رادارگریز F-۳۵ را بطور ویژه افزایش دهد.

نه رادارهای ایران و نه رادارهای روسی مستقر در سوریه موفق به شناسایی جنگنده‌های اسرائیلی نشدند. اسرائیل هم در مورد اینکه پرواز صورت گرفته یا نه سکوت کرد. شماری از منابع نیز می‌گویند جنگنده‌های اسرائیل از یک پایگاه در کشور آذربایجان پرواز کرده‌اند.

نویسنده‌ی این گزارش در «نشنال اینترست» با طرح این پرسش که «کدام منابع امنیتی به روزنامه الجریده کویت این خبر را دادند؟» گمانه‌های خود را چنین به پرسش می‌گذارد: «عربستان سعودی که درگیر یک جنگ سرد با ایران است و از درگیری احتمالی اسرائیل و ایران استقبال می‌کند؟ کشورهای دیگر خلیج فارس یا سازمان جاسوسی آمریکا؟»

پس از پرتاب ماهواره «نور ۱» وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران ادعا کرد اهداف این ماهواره صلح‌آمیز و بی‌ضرر است اما محسن رضایی فرمانده سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام به شبکه الجزیره گفته است که ماهواره سپاه از فراز تل‌آویو و فلوریدا عبور کرده و عکس‌هایی هم مخابره شده است.

از سوی دیگر مقامات ارشد جمهوری اسلامی تهدید کردند در صورت تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران از برجام و NPT خارج می‌شوند.

ارتش اسرائیل بهمن ۱۳۹۸ اعلام کرد که یک برنامه راهبردی جدید پنج ساله به نام «مومنتوم» تدوین کرده که بخشی از آن تشکیل «ستاد ویژه مقابله با رژیم ایران» است.

ژنرال کوخاوی رئیس ستاد ارتش اسرائیل می‌گوید که آن کشور برای مقابله با تهدیدات حکومت ایران تصمیم به دگرگون ساختن شیوه‌های جنگی ارتش اسرائیل کرده که به ۱۰ میلیارد دلار بودجه‌ی بیشتر نیاز دارد. برنامه آن است که در لحظه وقوع جنگ، بیشترین شمار از هدف‌های حساس و حیاتی دشمن مورد حمله قرار گرفته و در عملیات سریع، کاملا منهدم شده و قدرت تهاجمی دشمن خنثی و فلج گردد.

تشکیل «ستاد ایران» در ارتش اسرائیل؛ برنامه «مومنتوم» با ده میلیارد دلار بودجه‌ی بیشتر

یکشنبه ۳۰ مارس ۲۰۲۰ نیروی هوایی اسرائیل و آمریکا در جنوب اسرائیل یک مانور مشترک برگزار کردند. برگزاری این مانور در شرایطی که شیوع کرونا باعث لغو تمام مانورهای بین‌المللی شده به مجوز ویژه نیاز داشت. نیروی هوایی اسرائیل اعلام کرد خلبان‌ها در این مانور استقامتی عملیات مشترک و مقابله با تهدیدات هوایی و زمینی را تمرین کردند.

با ادامه فشارهای بین‌المللی علیه رژیم ایران این احتمال که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای آغاز یک درگیری نظامی هرچند محدود دست به اقدام بزند کم نیست. از این رو آمریکا و متحدان آن در منطقه خود را برای واکنش فوری به این اقدام احتمالی آماده می‌کنند.

در صورت تمدید تحریم تسلیحاتی، اگر جمهوری اسلامی به تهدیداتش عمل کند چه می‌شود؟

آمریکا در تلاش است تا تحریم‌های تسلیحاتی جمهوری اسلامی ایران را که در اکتبر ۲۰۲۰ به پایان می‌رسد تمدید کند.پرتاب ماهواره «نور۱» اروپایی‌ها را به دلیل پرتاب کننده‌ی آن، یعنی موشک «قاصد» که بُرد آن تا اروپای مرکزی افزایش یافته، نگران کرده است.

وزارت خارجه جمهوری اسلامی ادعا می‌کند اهداف «این ماهواره» صلح‌آمیز است اما محسن رضایی فرمانده سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به شبکه الجزیره گفته: ماهواره سپاه از فراز تل‌آویو و فلوریدا عبور کرده و عکس هم مخابره کرده است!

امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه هم گفته با کمک این موتور، موشک‌هایی تولید می‌شود که داخل و بیرون جوّ زمین به سپاه قدرت درگیری می‌دهد!

در حالی که تحریم تسلیحاتی ظاهرا تاثیر زیادی در برنامه‌های موشکی جمهوری اسلامی نداشته، چرا آمریکا بر تمدید آن اصرار می‌ورزد؟

ادامه‌ی تحریم تسلیحاتی دست جامعه جهانی را برای برخورد قانونی با حمل و نقل تسلیحات و توقیف آنها و همچنین شناسایی شبکه‌های مافیایی وابسته به جمهوری اسلامی باز می‌گذارد. زمامداران نظام بر تأثیر این تحریم‌ها به عنوان یک مانع جدی بر سر راه ماجراجویی‌هایشان کاملا آگاه هستند.

آنها برای لغو این تحریم از یکسو بر پشتیبانی روسیه و چین حساب می‌کنند و از سوی دیگر تهدید می‌کنند. علی ربیعی سخنگوی دولت روحانی با تهدید به خروج از ان پی تی، هشدار داده است که تمدید تحریم تسلیحاتی «پیامدهای وخیمی نه تنها برای برجام بلکه فراتر از آن، برای امنیت و ثبات منطقه خواهد داشت».

علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملّی جمهوری اسلامی نیز گفته که: پیکر کم‌جان برجام با تداوم تحریم‌های تسلیحاتی ایران به مرگ ابدی خواهد رفت!

اما مشکل جمهوری اسلامی اینجاست که با این تهدیدات که حتی رفیق پوتین هم نسبت به اجرای آنها هشدار داده، رژیم ایران را رو در روی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سرانجام در برابر شورای امنیت سازمان ملل قرار خواهد داد.

حقیقت «مادرانه» در دنیای مجازی

● «وقتی می‌خواستیم برای شخصیت اصلی فیلم، که کشته شده است، شغل انتخاب کنیم، دیدیم که پرستارها زحمتکش‌ترین و فداکارترین شاغلین هستند که از جانِ خود می‌گذرند تا دیگران را از مرگ نجات دهند. امروزه هم ما شاهد این ازخودگذشتگی‌ها در تمام کشورهای دنیا هستیم.»

● «برای یک مادر و به خصوص یک مادر تک‌فرزند، این فرزند هرگز تا زمانی که مادر زنده است نمی‌میرد. خاطره‌ی این فرزند تا مرگ با او می‌ماند.»

قاضی ربیحاوی

قاضی ربیحاوی نویسنده و فیلمنامه‌نویس نیز در شمار آن اهالی فرهنگ و هنر است که به دنبال محدویت‌ها و فشارهای فراوان در اواسط دهه نود میلادی ایران را ترک کرد و ساکن لندن شد. تا کنون چند نمایشنامه از وی به انگلیسی و هلندی برگردانده شده و به روی صحنه نیز رفته است. ربیحاوی چندی پیش با همکاری ایتان جهان، یک «ویدئوآرت» به نام «مادرانه» که متن آن توسط سوسن فرخ‌نیا هنرمند نام‌آشنای تئاتر خوانده شده، تهیه و در فضای مجازی منتشر کرده است.

این ویدئو هم با وقایع خونین آبان ۱۳۹۸ در ایران ارتباط دارد و هم با وضعیت کنونی جهان که به شدت متأثر از ویروس کُرونا است. وضعیتی که در آن پزشکان و پرستاران بنا به وظیفه‌ی وجدانی و حرفه‌ای خود در همه کشورها در خط مقدم مبارزه با شیوع همه‌گیر بیماری کووید۱۹ حضور دارند و شمار زیادی از کادر بهداشت و درمان نیز جان خود را به دلیل حرفه‌اشان و ابتلا به این بیماری از دست داده اند.

کیهان لندن در رابطه با این ویدئو با قاضی ربیحاوی گفتگو کرده است.

ربیحاوی در مورد ارتباط این اثر با دو رویدادِ سرکوب آبان ۹۸ و شیوع ویروسِ کُرونا، می‌گوید «وقتی می‌خواستیم برای شخصیت اصلی فیلم، که کشته شده است، شغل انتخاب کنیم، دیدیم که پرستارها زحمتکش‌ترین و فداکارترین شاغلین هستند که از جانِ خود می‌گذرند تا دیگران را از مرگ نجات دهند. امروزه هم ما شاهد این ازخودگذشتگی‌ها در تمام کشورهای دنیا هستیم. در این فیلم پرستاری در روز مرخصی‌اش پس از دیدن زخمی‌شدن یک معترض در خیابان، وجدان حرفه‌ای‌اش با وجود ممانعت‌های مادرش به وی اجازه نمی‌دهد که در خانه بماند و برای کمک به آن زخمی به خیابان می‌شتابد و در این راه خودش قربانی می‌شود.»

● پرستار شما شخصیتی است که تماشاگر او را بر اساس حرف‌های مادرش که خود را به مزار فرزندش رسانده در ذهن مجسم می‌کند.

-تکنیک نمایش این شخصیت طوری است که جنسیت او مستقیم مطرح نشود و متن عمداً دوپهلو نوشته شده که جنسیت این پرستار در هاله‌ای از ابهام بماند و به این ترتیب شامل همه اعم از زن و مرد بشود. این به راستی کار سختی بود. متن طوری نوشته شده که بیننده خودش جنسیت پرستار را در ذهن تجسم کند. و وقتی صحبت مادر از زیبایی پرستار است، ما را به سمت وسوی دختر بودن فرزند می‌کشاند ولی در عین حال هر فرزندی، چه دختر و چه پسر و چه زیبا و چه نازیبا، برای مادرش همواره عزیز و باارزش و زیباست.

● ولی متن طوریست که هر تصور بیننده در مورد جنسیت پرستار به پرسش کشیده می‌شود و در تماشاگر شک و تردید به وجود می‌آورد. متن که توسط سوسن فرخ‌نیا خوانده می‌شود تصویر روشنی از مناسبات این خانواده شامل مادر و فرزند و دایی ارائه می‌دهد.

-بله، درست است؛ حضور دایی هم مهم است زیرا او از فعالین حقوق معلمان است که البته فقط به صورت تصویری بیان شده. در این ویدئو جهان‌بینی و ارزش‌های این خانواده و میلیون‌ها ایرانی دیگر در برابر دنیای حاکمان که سرکوبگران مردم هستند گذاشته شده. مادر در مورد آنها می‌گوید که این سرکوبگران را نمی‌فهمد که برای یک زندگی بهتر حاضرند به راحتی قتل و غارت و جنایت کنند. او می‌پرسد اینها کی هستند و از کجا آمده‌اند. فرزند پرستار او افتخارش و آرزویش خدمت به مردم بوده ولی اینان در پی نابودی مردم برای منافع حقیر خودشان هستند.

● شما هم از تصاویر واقعی استفاده کرده‌اید و هم تصاویری را با معانی نمادین در کنار هم گذاشته‌اید؛ مثلاً صحبت از شراب شیراز است و تصویری از حافظیه و پارچه‌ای سرخ که آهسته و پر رمز و راز حرکت می‌کند...

-بگذارید درهمینجا اضافه کنم که تدوینگر این فیلم، ایتان جهان، کاری به مراتب بیشتر از تدوین انجام داد. او در انتخاب تصاویر نیز شرکت داشته و بسیاری از نماهایی را که استفاده کرده‌ایم خودش کپی رایت آنها را خریداری کرده. جهان روزهای متوالی از صبح تا شب روی تدوین فیلم کار کرده و ایده‌های تصویری را می‌پرورانده؛ به این معنا او به عنوان تهیه کننده هم در این کار شرکت داشته. من البته قبلا در اوایل دهه هفتاد خورشیدی پنج شش تا از اینگونه کارهای «آرت ویدئو» در ایران با زنده‌یاد کاوه گلستان کار کردم ولی این کار با اتیان جهان تجربه‌ی جدیدی بود؛ آن زمان نرم‌افزارهایی مثل «فتوشاپ» هم نبود. ناگفته نماند که من این کار را برای تئاتر نوشته بودم ولی وقتی قرنطینه به دلیل ویروس کرونا پیش آمد خودم را با شرایط جدید وفق دادم و آن را به ویدئوآرت «مادرانه» تبدیل کردم.

ادامه در صفحه ۱۷

نجف دریابندری؛ وداع با زندگی

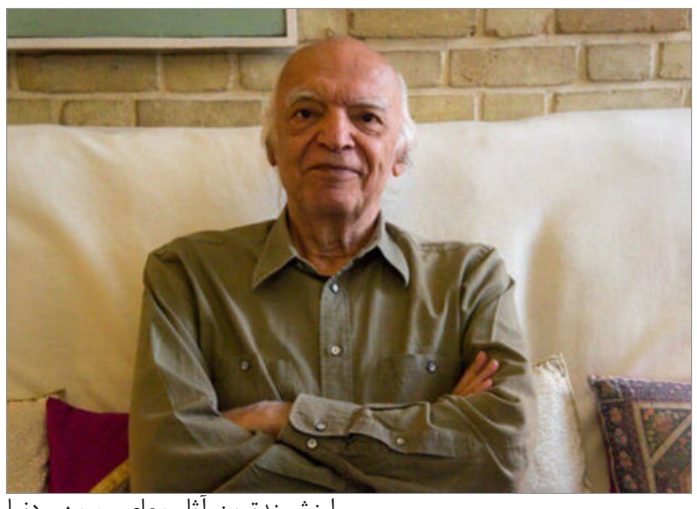

● دریابندری سال‌ها به‌عنوان ویراستار ارشد در انتشارات معتبر و قدیمی فرانکلین تهران کار می‌کرد که پس از وقوع انقلاب در ایران، تعطیل و مصادره شد و اکنون تحت عنوان انتشارات «علمی و فرهنگی» زیر نظر وزارت کار فعالیت می‌کند.

● پیکر دریابندری قرار است فردا (۱۷ اردیبهشت‌ماه) در کنار آرامگاه فهیمه راستکار همسرش و از بازیگران پیشکسوت در «بهشت سکینه» کرج به خاک سپرده شود. به دلیل شیوع کُرونا، برگزاری هرگونه مراسم یادبودی به آینده موکول شده است.

نجف دریابندری نویسنده و از پیشگامان ترجمه در ایران در سن ۹۰ سالگی درگذشت. او مترجم نام‌آشنای آثار معروفی چون «وداع با اسلحه» (اثر همینگوی) بود و بیش از ۳۴ عنوان ترجمه و تالیف بر جای گذاشته است.

نجف دریابندری مترجم و نویسنده، پس از تحمل سال‌ها بیماری آلزایمر، روز گذشته ۱۵ اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۹ بر اثر عوارض ناشی از کهولت چشم از جهان فرو بست.

پیکر او قرار است فردا (۱۷ اردیبهشت‌ماه) در کنار آرامگاه فهیمه راستکار همسرش و از بازیگران پیشکسوت در «بهشت سکینه» کرج به خاک سپرده شود. به دلیل شیوع کُرونا، برگزاری هرگونه مراسم یادبودی به آینده موکول شده است.

نجف دریابندری از مترجمان بنام ایران بود که برخی از مهمترین اثرها در زمینه رمان، نمایشنامه، تاریخ، تاریخ هنر، تاریخ سینما، فلسفه غرب و تاریخ فلسفه غرب را به فارسی برگرداند و موهبت خواندن ارزشمندترین آثار معاصر و مهم دنیا به زبان فارسی را به خوانندگان ایرانی تقدیم کرد.

ترجمه شاهکارهای ادبی نویسندگانی چون ارنست همینگوی، نظیر رمان‌های معروف «وداع با اسلحه»، «پیرمرد و دریا» و «برف‌های کلیمانجارو» توسط دریابندری انجام شد. دریابندری به مناسبت ترجمه آثار ادبی آمریکایی جایزه تورنتون وایلدر را از دانشگاه کلمبیا دریافت کرد.

دریابندری سال‌ها به‌عنوان ویراستار ارشد در انتشارات معتبر و قدیمی فرانکلین تهران کار می‌کرد که پس از وقوع انقلاب در ایران، تعطیل و مصادره شد و اکنون تحت عنوان انتشارات «علمی و فرهنگی» زیر نظر وزارت کار فعالیت می‌کند.

از دیگر آثار نجف دریابندری می‌توان به ترجمه «تاریخ روسیه شوروی» نوشته ای. اچ. کار، «تاریخ سینما» نوشته آرتور نایت، «پیامبر و دیوانه» به قلم جبران خلیل جبران، مجموعه نمایشنامه‌های ساموئل بکت، نمایشنامه «خانه برناردا آلبا» نوشته فدریکو گارسیا لورکا، «متفکران روس» نوشته آیزایا برلین، «رگتایم» و «بیلی باتگیت» نوشته ای. ال. دکتروف، «یک گل سرخ برای امیلی» و «گور به گور» نوشته ویلیام فاکنر، «معنی هنر» نوشته هربرت رید، «بازمانده روز» نوشته کازوئو ایشی گورو، «تاریخ فلسفه غرب» نوشته برتراند راسل و «چنین کنند بزرگان» نوشته ویل کاپی اشاره کرد.

نجف دریابندری همچنین با همکاری فهیمه راستکار کتاب «مستطاب آشپزی از سیر تا پیاز» را به عنوان دایره‌المعارف فرهنگ غذایی ایران و تاریخ غذا در ایران جمع‌آوری کرد و به نگارش درآورد.

نام نجف دریابندری، نویسنده و مترجم پیشکسوت، در سال ۱۳۹۶ توسط سازمان میراث فرهنگی به عنوان «گنجینه زنده بشری در میراث خوراک» در فهرست حاملان میراث ناملموس ثبت شد.

وضعیت روزنامه‌نگاران ایرانی پناهنده در ترکیه نگران‌کننده است

گزارشگران بدون مرز (RSF) دولت ترکیه و کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان در ترکیه را به تضمین امنیت روزنامه‌نگاران ایرانی پناهجو و همیاری بایسته برای تسهیل دریافت اقامت در کشوری امن فرا می‌خواند. این روزنامه‌نگاران با دیرکرد اداری بررسی پرونده‌هایشان از سوی ترکیه و کمیساریای پناهندگی و تهدیدهای جمهوری اسلامی رو در روی هستند. همه‌گیری ویرویس کرونا این نابسامانی را بیشتر کرده است.

برای فرار از خشونت، بازداشت و محکوم شدن خودسرانه به زندان، ناگزیر به ترک ایران و به کشورهمسایه ترکیه پناه آورده‌اند. این دوازده روزنامه‌نگار و شهروندخبرنگار هم‌اکنون در شرایطی بسیار دشوار بسر می‌برند. نزدیک به مرزهای ایران خود و خانواده‌هایشان قربانی آزارگری نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی هستند. افزون بر این اداره مهاجرت ترکیه از ارائه همیاری بایسته به آنها برای درخواست و استقرار در کشوری امن رویگردانی می‌کند.

دیرکرد رویه‌های اداری

تا سپتامبر سال میلادی ۲۰۱۸، پناه جویان در ترکیه درخواست پناهندگی خود را به کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان در ترکیه ارائه می‌کردند و این نهاد مسئول بررسی و تایید پناهندگی برای آنها بود. با تغییر قانون در ترکیه از آن تاریخ «ثبت نام و تعیین وضعیت پناهندگی در کشور ترکیه توسط کمیساریای عالی سازمان ملل متحد پناهندگان به پایان رسید» و پناهجویان ناگزیز باید درخواست خود را به اداره کل مدیریت مهاجرت (DGMM) و پلیس ارائه دهند. این تغییر رویه تاثیر منفی بر وضعیت پناهجویان گذاشته است. اداره مهاجرت در بررسی پرونده‌ها دیرکرد جدی دارد. این تاخیر برای شماری از این پناهجویان چنان درازمدت شده است، که روند پذیرش پرونده‌شان از سوی ایالات متحده امریکا که در دوران ریاست جمهوری اوباما با وجود محدودیت‌هایی اما پذیرفته شده بود، در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ با تصویب سیاست محدویت برای مهاجرت، به تاخیر و در عمل تعلیق شده است. پیشنهاد برای انتقال به کشوری دیگر نیز در پیچ و خم بوروکراسی اداری کنونی، ناممکن و این پناهجویان با مشکل‌های فراوانی رو در روی شده‌اند. با همه‌گیری ویروس کرونا این وضعیت نابسامان‌تر شده است. از این میان شمار زیادی از آنها از امکان دسترسی ارزان و یا رایگان به خدمات درمانی نیز محروم شده‌اند.

افزون بر این، وضعیت امنیت این روزنامه‌نگاران گرفتار شده در ترکیه نیز نگران کننده است که همزمان با رو در رویی با این مشکل‌ها زیر تهدیدهای رژیم تهران نیز هستند. نزدیکی به مرزهای ایران، به نهادهای امنیتی از این میان سپاه پاسداران این امکان را داده است که روزنامه‌نگاران تبعیدی و خانواده‌هایشان را در ایران تهدید کنند.

رضا معینی مسئول دفتر افغانستان و ایران RSF در این‌باره می‌گوید: «ترکیه و کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان باید به شکل موثرتری حفاظت از روزنامه‌نگاران پناهجو را تضمین کنند و همه امکان‌های بایسته را برای تسهیل درخواست پناهندگی و تسریع آن در زمانی مناسب به کار گیرد. در این‌باره افزون بر شتاب در یافتن راه حلی برای اسکان مجدد این پناهجویان، برای تضمین امنیت‌شان نیز باید ساز و کار فوری برای جابجایی به کشورهای امن پیدا شود.»

زندگی در سایه‌ی ترس

شراگیم زند روزنامه‌نگار و همکار رسانه‌هایی چون ایران وایر و رادیو فردا در نامه‌ای به گزارشگران بدون مرز نوشته است « من همیشه توسط رژیم ایران در ترکیه تهدید شده‌ام.» وی که در پی تهدید به بازداشت در سال ۱۳۹۳ ایران را ترک و به ترکیه آمده است، می‌گوید در این مدت « در سایه ترس زندگی کرده‌ام اما تهدیدهای رژیم به تازگی بیشتر شده است. این روزها آنها تهدید به قتل می‌کنند و من کمتر از خانه خارج می‌شوم.»

این تهدیدها زمانی باورپذیرتر می‌شوند که دو مورد ربودن و کشتن پناهجویان جامعه ایرانی‌های پناهجو در ترکیه را به شدت نگران کرده است.

ربودن و کشتن پناهجویان از سوی جمهوری اسلامی

آرش شعاع شرق مدیر مسئول سایت‌های اطلاع‌رسانی گیلان نو که برای «نشر اکاذیب و انتشار نشریه بدون مجوز» به ۴۰ ضربه شلاق محکوم شده بود، پس ازتهدیدها و فشارهای قضایی مجبور به ترک کشور شد و به ترکیه پناه آورد. وی به تاریخ ۵ فوریه ۲۰۱۸ در شهر وان ترکیه در برابر خانه‌اش ربوده و پس از ۲۵ روز به زندانی در ایران برده شد.

یکی از نزدیکانش می‌گوید: «مردان مسلحی که خود را پلیس معرفی کرده بودند، او را در برابر خانه‌اش دستبند زدند و با چشم‌بند سوار ماشین کردند. وی را در پارکینگی زیرزمینی که در آن سه سلول بود از خودرو پیاده کردند و همانجا زندانی کردند. به مدت چندین روز در آنجا از سوی یکی از ربایندگان که فارسی صحبت می‌کرد، بازجویی شد. پس از چند روز به او گفتند چون ماموران جمهوری اسلامی می‌خواسته‌اند او را بربایند، وی را به اینجا آورده‌اند. اما در بازجویی‌ها بیشتر درباره فعالیت‌ها و خانواده‌اش در ایران می‌پرسیدند. در یکی از همین بازجویی‌ها به او می‌گویند که در وان در خطر است و باید به آنکارا برود و اگر قول همکاری با پلیس ترکیه را بدهد او را به آنکارا می‌برند و امکانات لازم را در اختیارش قرار می‌دهند. آرش این پیشنهاد را رد می‌کند. و ۲۵ روز پس از ربودن‌اش او را به بهانه انتقال به آنکارا به ایران و به دست سپاه پاسداران می‌دهند.» نوع عملیات نشانگر دست داشتن نیروهای امنیتی ایران در این ربودن است.

مسعود مولوی وردنجانی مدیر کانال تلگرامی «جعبه سیاه» در روز ۲۹ آبان ۱۳۹۸ با شلیک چندین گلوله در یکی از خیابان‌های استانبول یک سال پس از ورودش به ترکیه کشته شد. شخصیت پر مناقشه و همکار سابق نهادهای امنیتی و سپاه پاسداران در این کانال و برخی رسانه‌های تصویری درباره فساد و اختلاس بسیاری از مسئولان رژیم، سپاه پاسداران و بیت علی خامنه‌ای مدارکی را افشا کرده بود.

ادامه در صفحه ۱۷

کیهان لندن منتشر کرد:

کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیما از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london
و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris , FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
NEWS & VIEWS
FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

دوئل تهران و واشنگتن بر سر تمدید تحریم‌های تسلیحاتی با نتیجه‌ی تکراری؟!

پرتاب ماهواره نظامی «نور ۱» از کویر مرکزی ایران

● حسن روحانی می‌گوید تمدید تحریم‌های تسلیحاتی را به هیچ وجه نمی‌پذیریم: «چنین کنید چنان می‌کنیم!»

● رهبر جمهوری اسلامی خرداد ۹۷ برای اروپایی‌ها شروطی را تعیین و تهدید کرد اگر به آنها عمل نکنند ایران از برجام خارج خواهد شد. دو سال از آن ماجرا گذشته و اروپا به هیچیک از آن شروط اعتنایی نکرده اما جمهوری اسلامی همچنان در برجام مانده است.

● تهران ادعا می‌کند اگر تحریم‌های تسلیحاتی برداشته نشود ایران از NPT خارج می‌شود! همچنین اعلام شده بود اگر کانال مالی اینستکس فعال نشود ایران از برجام و NPT خارج می‌شود! این تهدیدات در حالیست که زمامداران جمهوری اسلامی به خوبی می‌دانند خروج از برجام و NPT یعنی بازگشت خودکار تمامی تحریم‌های سازمان ملل.

«دموکرات‌ها» و «جمهوریخواهان» آمریکا از سال ۲۰۱۸ تا کنون بر سر خروج ایالات متحده از برجام به شدت با هم اختلاف دارند اما در حالی که لغو تحریم تسلیحاتی در اکتبر ۲۰۲۰ یکی از مفاد برجام است، اکنون حزب دموکرات نیز همصدا با حزب جمهوریخواه و دولت ترامپ بر آن است که باید مانع لغو تحریم‌های تسلیحاتی رژیم ایران شد.

این موضع و همصدایی با واکنش مقامات جمهوری اسلامی که دل و امید به پیروزی «دموکرات‌ها» در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده در نوامبر ۲۰۲۰ بسته‌اند، روبرو شده است.

حجت‌الاسلام حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی در واکنش به مواضع آمریکایی‌ها با تاکید بر اینکه لغو تحریم تسلیحاتی جزو لاینفک برجام است گفته است که آمریکا و کشورهای دیگر بدانند ایران به هیچ عنوان تخطی از قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت را نخواهد پذیرفت.

حسن روحانی چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت در نشست هیات دولت مدعی شده «آمریکایی‌ها از یکی دو ماه پیش از خواب غفلت بیدار شده‌اند و فهمیده‌اند که چه اشتباه بزرگی کرده‌اند که از برجام خارج شده‌اند و چه خطای بزرگی کردند که برجام را بهم زدند. اکنون آنها نه راه پیش دارند و نه راه پس؛ اگر همینگونه ادامه بدهند تحریم تسلیحاتی برداشته می‌شود و همان اسرائیل وعربستان و تندروهای آمریکا که ترامپ را وادار به خروج از برجام کرده بودند امروز به ترامپ خواهند گفت که «هر چهار تا اشتباه بزرگی کرده‌ایم»!

روحانی همچنین تهدید کرده عدم لغو تحریم‌های تسلیحاتی جمهوری اسلامی خطای بزرگی است که عواقب خطرناکی در پی دارد. وی گفته «در نامه به سران ۱+۴ نوشتم و گفتم چنین کنید ما چنان می‌کنیم!»

۱۴ اردیبهشت صدها نفر از نمایندگان مجلس نمایندگان آمریکا از هر دو حزب جمهوریخواه و دموکرات طی نامه‌ای به مایک پمپئو وزیر خارجه این کشور خواستار افزایش اقدامات دیپلماتیک دولت برای تمدید تحریم‌های تسلیحاتی سازمان ملل علیه رژیم ایران شده‌اند.

درخواست نمایندگان دو حزب از دولت آمریکا برای تحت فشار قرار دادن رژیم ایران پس از آن شدت گرفته است که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ماهواره نظامی «نور ۱» را با موشک بالستیک «قاصد» در مدار زمین قرار داد. مقامات آمریکایی می‌گویند خود ماهواره نگران کننده نیست زیرا فقط یک دوربین عکسبرداری است که در مدار زمین پُشتک و وارو می‌زند اما موشکی که با آن ماهواره به فضا پرتاب شد بسیار نگران‌کننده است.

از سوی دیگر در اوج بحران کُرونا محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی، در شرایطی که هیچ سیاستمدار و دولتمندی به مسافرت و دیدارهای سیاسی نمی‌رود، راهی دمشق شد و در دیدار با بشار اسد رئیس جمهوری رژیم سوریه تاکید کرد حمایت تهران از «مقاومت» و رژیم بعثی سوریه ادامه خواهد داشت. پس از او نیز اسماعیل قاآنی فرمانده سپاه قدس بازوی خارجی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به بغداد رفت و با فرماندهان بلندپایه شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی دیدار کرد. پس از سفر جانشین قاسم سلیمانی به عراق، حملات راکتی به پایگاه‌های آمریکایی افزایش یافت.

دوئل تهران و واشنگتن بر سر تمدید تحریم‌های تسلیحاتی، گذشته از جنبه‌های مهم سیاسی، یک موضوع «حیثیتی» نیز برای جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. نظام جمهوری اسلامی از رهبرش تا سخنگویانش مانند حسن روحانی و محمدجواد ظریف، بعد از خروج آمریکا از توافق اتمی، «آتش زدن برجام» از سوی ولایتمداران و حزب‌اللهی‌ها را نیز علم کردند. این ولایتمداران مانند خود علی خامنه‌ای که درباره مسائل مهم همواره یکی به نعل و یکی به میخ می‌کوبد تا از زیر بار مسئولیت فرار کند، ظاهرا معتقدند که نتیجه‌ی برجام «هیچ» است و در حالی که از یکسو دستگاه «دیپلماسی» وزارت خارجه برای آن تلاش می‌کرد، اینها از سوی دیگر ساز مخالف می‌زدند که جمهوری اسلامی ایران باید از توافق اتمی خارج شود. اما تصمیم علی خامنه‌ای تا امروز ماندن در برجام بوده چرا که راهی جز این نداشته است. وقتی هم که ایالات متحده از برجام خارج شد، همین ولایتمدارانِ خامنه‌ای به همراه دستگاه «دیپلماسی» روحانی و ظریف، در تناقضات و تنگنای سیاسی، شروع کردند به جار و جنجال بر سر اینکه آمریکا حق نداشت از برجام خارج شود و باید به برجام باز گردد!

رهبر جمهوری اسلامی در خرداد ۹۷ برای اروپایی‌ها شروطی را تعیین کرد و گفت اگر به آن عمل نکنند ایران از برجام خارج خواهد شد. دو سال از آن ماجرا گذشته و اروپا هم به هیچیک از آن شروط اعتنایی نکرده اما جمهوری اسلامی همچنان در برجام مانده است. یکی از شروط خامنه‌ای این بود که تحریم‌های مالی و بانکی و نفتی، همگی با هم، برداشته شود!

حالا نیز پس از دو سال ادعا می‌شود اگر تحریم‌های تسلیحاتی برداشته نشود ایران از NPT خارج می‌شود! همچنین اعلام شده بود اگر کانال مالی اینستکس فعال نشود ایران از برجام و NPT خارج می‌شود! این تهدیدات در حالیست که زمامداران جمهوری اسلامی به خوبی می‌دانند خروج از برجام و NPT یعنی بازگشت خودکار تمامی تحریم‌های سازمان ملل.

روحانی روز چهارشنبه همچنین مدعی شد که آمریکا نه راه پس دارد و نه راه پیش! اما درواقع قضیه برعکس است: جمهوری اسلامی ایران است که نه راه پس دارد و نه راه پیش! هم حسن روحانی و هم بیژن زنگنه می‌گفتند تحریم نفتی ایران ممکن نیست. هم روحانی و هم سرداران سپاه پاسداران تهدید می‌کردند نمی‌شود همه‌ی منطقه نفت صادر کنند و نفت ایران صادر نشود! اما همه‌ی این تهدیدات در حد تبلیغات ماند چرا که اجرای هر کدام از این تهدیدات، اوضاع را برای جمهوری اسلامی دشوارتر و غیرقابل پیش‌بینی می‌کند.

واقعیت این است که بر خلاف جمهوری اسلامی، آمریکا برای پیش بردن سیاست‌های خود ابزار بین‌المللی نیز در دست دارد و دولت ترامپ تا کنون نشان داده است که از تمام ظرفیت‌های خود برای کارزار فشار حداکثری علیه تهران استفاده خواهد کرد.

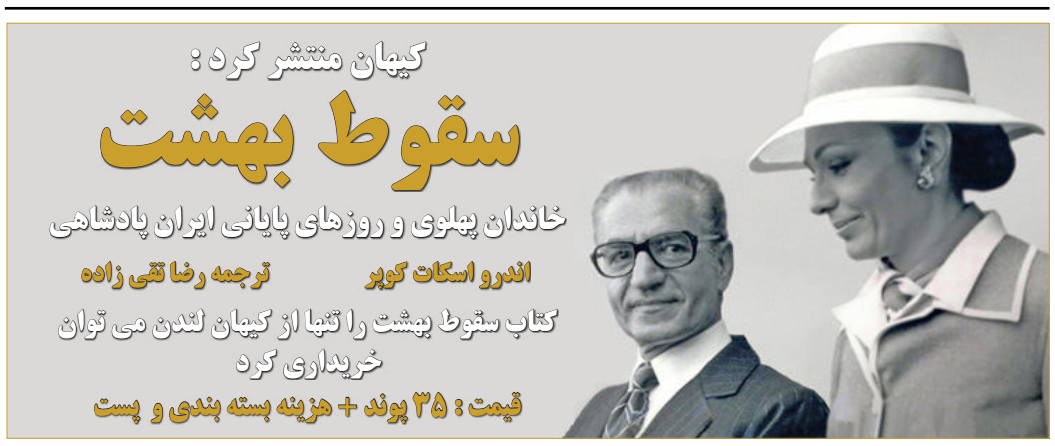

تاریخ شفاهی ایران

خاطرات عبدالرضا انصاری

(۱۸)

پس از مراجعت به اداره و عنوان کردن موضوع رد چک از طرف آقای وزیر دارایی، ناراحتی و جنب و جوش زیادی بین مدیران آمریکایی اصل چهار شروع شد و هر کس آن را به‌نحوی تعبیر می‌کرد و موضوع به‌اطلاع هندرسن سفیر آمریکا رسید. از اقداماتی که به‌دنبال این امر انجام شد اطلاعی ندارم ولی بعد از چند روز، سوء تفاهمات برطرف گردید و چک پنج میلیون دلاری نیز مورد قبول وزارت دارائی واقع شد. لیکن پیامدهای آن بسیار جالب بود زیرا عده‌ای از آمریکائیان در فرصتهای مختلف اظهار می‌داشتند که طی برخوردهایی با سازمانهای دولتی متوجه شده‌اند که این سازمانها غالباً فاقد هدف و تشکیلات لازم برای انجام وظایف خود و رفع مشکلات مملکتی می‌باشند و بیشتر مانند صندوقهایی هستند که عده‌ای کارمند در آخر ماه برای گرفتن حقوق به آنجا مراجعه می‌کنند و مقامات پائین ادارات نیز اکثراً توسط کسانی اشغال شده که از سمت خود تحت عنوان قانون و مقررات سوء استفاده کرده و از مراجعین اخاذی می‌کنند و کسانی نیز می‌گفتند که ایران کشوری است که از لحاظ منابع طبیعی بسیار غنی و دارای اقلیتی بسیار ثروتمند است که منابع تولیدی و بازرگانی را در اختیار داشته و مالیاتی نمی‌پردازند و سهمی در تأمین هزینه‌های دولت ندارند. چطور می‌توان انتظار داشت که دولت آمریکا از افراد آمریکایی و حتی از کسانی که درآمد مختصری دارند مالیات جمع‌آوری کرده و در کشوری مانند ایران حقوق کارکنان دولت را بپردازد. این گونه صحبت‌ها به‌تدریج دامنهٔ وسیعتری پیدا کرد و در مذاکرات با آقایان وزرا نیز مطرح شد و در عین حال که برنامه‌های تصویب شده در تمام رشته‌ها با سرعت زیادی در سراسر کشور در جریان بود و هر روز توسعه می‌یافت موضوع عدم کارآئی سازمانهای دولتی و لزوم اصلاح تشکیلات اداری، به‌صورت یک امر اجتناب‌ناپذیر مطرح می‌شد.

در مطبوعات و محافل دولتی و غیر دولتی نیز موضوعات مختلف ازجمله مقررات دست و پاگیری که سالیان دراز در دستگاهای دولت وجود داشت و هر روز با صدور قوانین و تصویبنامه‌های جدید بر حجم آن اضافه شده بود، خیل عظیم کارکنان وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی که طی زمان به دنبال تغییرات مداوم دولتها تعداد آنها افزایش یافته بود و همچنین سلیقه‌های شخصی مسؤولین دولتی و اعمال نفوذ وکلای مجلس و اشخاص با نفوذ که دستگاههای اجرائی دولت را فلج کرده بودند دائماً مطرح بود و این مطالب در سازمان اصل چهار نیز انعکاس داشت و اغلب کارشناسان ایرانی و آمریکایی که هر روز با یکی از واحدهای دولتی در تماس بودند لزوم اجرای برنامه‌هایی را به‌منظور اصلاح تشکیلات دولتی و روشهای اداری احساس می‌کردند. در این زمان بود که قسمت جدیدی در سازمان اصل چهار به‌نام «قسمت امور اداری» (Public Adminstration) ایجاد گردید و یک کارشناس مجرب و باسابقه برای ریاست آن وارد ایران شد. در مدت زمان کوتاهی وسائل مورد نیاز تشکیل این قسمت تدارک شد و آقای حسن شهمیرزادی که تحصیلات عالی خود را در آمریکا و سویس به‌پایان رسانیده و به ایران برگشته بود، به‌عنوان همکار ایرانی رئیس «قسمت امور اداری» برگزیده شد.

در هفته‌های بعد نیز کارشناسان دیگری در رشته‌های مختلف امور اداری برای تکمیل کادر فنی این قسمت وارد ایران شدند و با گرفتن همکاران ایرانی، واحد کارآمدی به‌وجود آوردند.

البته در دو سه ماه اول، وقت کارشناسان این قسمت صرف جمع‌آوری اطلاعات و آشنایی با مسائل مختلف سازمانهای ایرانی شد. طبیعتاً کارشناسان آمریکایی و ایرانی که از چند سال پیش در مسیر اجرای طرحهای مصوبه با سازمانهای ایرانی در تماس بودند، منبع عظیمی از اطلاعات در اختیار داشتند که می‌توانستند آنها را هدایت و راهنمایی کنند و به‌همین جهت بود که در مدتی کوتاه این کارشناسان جدیدالورود آماده به کار شدند.

وارن نیز در «کمیته عالی وزرا» موضوع را به‌اطلاع آقایان اعضای کمیته رساند و جملگی از این اقدام اظهار خوشوقتی کردند و اطمینان دادند که تمام وزارتخانه‌ها آمادگی دارند که در مورد بررسی و تهیه طرحهای اصلاحی برای نو کردن تشکیلات و بهبود امور اداری همه گونه همکاری نمایند.

به‌دنبال این تصمیم بود که تماس کارشناسان اداری با وزارتخانه‌ها آغاز گردید و در هر مورد به‌نحو مناسبی ترتیب تماس با وزارتخانه‌های مربوطه و اجرای این بررسی‌ها داده شد.

اولین و جالبترین این بررسیها در وزارت دارائی آغاز گردید که یکی از مهمترین و بزرگترین واحدهای تشکیلاتی دولت بود و سرآغاز آن هم از واحد وصول درآمدهای مالیاتی دولت شروع شد و در برخورد اولیهٔ کارشناس آمریکایی اصل چهار با رئیس کل امور درآمدهای مالیاتی وزارت دارائی صحبتهایی رد و بدل شده بود که هرچند حالت طنز دارد ولی چون واقعیت داشت، بد نیست در اینجا بازگو شود:

در جلسه ملاقاتی که از قبل تعیین وقت شده بود کارشناس آمریکایی با همکار ایرانی خود به دفتر آقای مدیر کل درآمدها مراجعه می‌کنند و به اتاق بزرگی راهنمایی می‌شوند که آقای مدیر کل در صدر اتاق در پشت میز بزرگی که روی آن تعداد کثیری پرونده‌های قطور انبار شده است نشسته و تعداد چندین نفر ارباب رجوع مالیاتی نیز در روی صندلیهایی که دور تا دور اتاق گذاشته شده است نشسته و منتظر ملاقات با آقای مدیر کل هستند.

پس از ورود این آقای آمریکایی که همه به‌احترام بلند شدند و سپس نشستن و پذیرایی با چای و قهوه و ترش و نیم ساعت تعارفات و حرفهای خارج از موضوع، کارشناس آمریکایی از آقای مدیر کل سؤال می‌کند که تعداد مؤدیان مالیاتی شما چند نفر است؟ جواب داده می‌شود سیصد و پنجاه هزار نفر. سؤال می‌شود شما برای رسیدگی به پرونده‌های مالیاتی این سیصد و پنجاه هزار نفر و تعیین این که مالیات سالیانه هر یک از آنها چیست و چه کسانی به موقع مالیات خود را پرداخته‌اند و یا تأخیر کرده‌اند و یا اصلاً نپرداخته‌اند چه سیستم و روشی دارید که مطمئن شوید به وضع همه رسیدگی شده است؟ آقای مدیر کل بدون تردید و سریعاً جواب می‌دهد که «آقا، همه اینها را می‌شناسیم و از همه چیز خبر داریم».

البته با شنیدن چنین پاسخی جای سؤال دیگری باقی نمی‌ماند و دیدن وضع آن اتاق و برخورد ارباب رجوع و نحوهٔ رسیدگی به مسائل، چنان کارشناس آمریکایی را بهت‌زده کرده بود که فقط با تشکر جلسه را ترک گفته و در مراجعت گزارشی در این باره تسلیم رئیس «قسمت اداری» کرده بود که تا مدتها در مورد یافتن راه حلی برای اصلاح این وضع سر در گم بودند.

گزارشهای سایر کارشناسان اداری که با دستگاههای مختلف در تماس قرار گرفته بودند نیز تماماً گویای وضعی شبیه مدیریت درآمدهای مالیاتی وزارت دارائی بود و بطور آشکار نشان می‌داد که تشکیلات دولتی که از اواسط دوران سلطنت اعلیحضرت رضاشاه بر پایهٔ تشکیلات اداری کشور فرانسه سازمان یافته بود به‌تدریج به‌علت پیش آمدن جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط نیروهای متفقین و روی کار آمدن دولتهای کوتاه‌مدت و سپس اوضاع نابسامان دوران بعد از جنگ، وضعی را به‌وجود آورده بود که سازمانهای وزارتخانه‌ها دائماً در حال تغییر و تبدیل بوده و بنا به میل و سلیقهٔ مسؤولین دگرگونی‌هایی پیدا کرده که نتیجهٔ آن وجود دستگاههای عظیم اداری با چندین هزار کارمند است که عدهٔ کثیری از آنها تحت عنوان اجرای قانون و مقررات دولتی به انواع و اقسام، برای مردم تولید مزاحمت کرده و با اشکالتراشی و اخاذی، معاش خود را تأمین می‌کنند زیرا حقوق دولتی آنها حتی جوابگوی هزینهٔ ده روز خانوادهٔ آنها نمی‌باشد. از طرفی به‌علت روشن نبودن قوانین و مقررات و دستورالعمل‌های پیچیده و ضد و نقیض موجباتی فراهم گردیده که اعمال هر گونه نظری را برای پوشش قانونی هر تصمیمی برای مأمورین دولت تسهیل کرده و کاغذبازی و اهمال کاری و سنگ اندازی در راه پیشرفت هر کاری را باعث شده است و کاملاً واضح بود که با وجود چنین شرایطی، اجرای هر برنامه اساسی دربارهٔ توسعهٔ اقتصادی و عمرانی با اشکالات فراوان مواجه خواهد بود و صرفنظر از اعلام آرمانهای قابل تحسین توسط دولت و داشتن حسن نیت مسؤولین رده اول و دوم مملکت و کوشش شبانه‌روزی آنها، چون ماشین اجرائی کشور دچار نقائص غیر قابل چشم‌پوشی است، لذا طبیعی است که برنامه‌های اعلام شدهٔ دولتها در ضمن عمل دچار شکست شوند.

بنابراین هرچه بیشتر در این باره بحث و بررسی می‌شد و دنبال چاره‌جویی بودند، مشکلات اجرائی بیشتر نمایان می‌گردید و بررسی سوابق نشان می‌داد که طی چند سال گذشته حتی از دوران دولت آقای دکتر مصدق بارها با اجرای برنامه‌هایی از قبیل گذراندن قوانین جدید استخدام دولتی، تشویق کارکنان دولت به بازنشستگی و دادن امتیازات خاص ازجمله قبول پنج سال خدمت انجام نداده به‌منظور رسیدن به حد نصاب قانونی برای بازنشستگی و اقداماتی شبیه به آن، نه‌تنها تعداد کارکنان دولت کمتر نشده بلکه با استفاده از نقاط ضعف قانون مانند استخدامهای قراردادی و روزمزدی، حتی از طریق شهرداریها، روز به‌روز تعداد کارکنان و حقوق بگیران دولتی افزایش یافته است. لذا این مسأله به‌صورت بزرگترین معضل دولت درآمده و مسؤولین دائماً به دنبال یافتن راه حلی برای رفع این مشکل بودند.

در اوایل بهار سال ۱۳۳۴ (۱۹۵۵) تیمسار سپهبد زاهدی از مقام خود استعفا داد و به‌جای ایشان آقای حسین علاء زمام امور را به‌دست گرفت.

آقای حسین علاء در هنگام تصدی وزارت دربار با وارن تماس نزدیک داشتند و از برنامه‌های اصل چهار به‌خوبی آگاه بودند بنابراین روابط بین دولت و اصل چهار بر مبنای موافقتنامه‌های امضا شده بدون کوچکترین تغییر، کماکان ادامه یافت و موضوع تغییر دولت اثری در برنامه‌های اصل چهار نگذاشت و روابط و تماسهای کارشناسان آمریکایی و ایرانی اصل چهار نیز در مورد کمکهای فنی و مالی مانند گذشته دنبال شد فقط با این تفاوت که در این زمان به‌علت حل شدن مسألهٔ نفت و پیدا شدن درآمدهای نفتی، گشایشی در کارهای دولتی پیدا شده و امید آن بود که برنامه‌های اساسی برای عمران و توسعهٔ اقتصادی به مرحله اجرا گذاشته شود.

ادامه دارد

شیوع کُرونا بهانه‌ای برای عدم پیگیری مسببان قتل‌عام مردم در «آبان ۹۸»

● علی مطهری اخیراً در صحن علنی مجلس رحمانی فضلی وزیر کشور را «مقصر اصلی» حوادث آبان‌ماه دانست و گفت لاریجانی اجازه نداد او استیضاح شود.

● رحمانی فضلی در جلسه‌ای در جمع استانداران گفته تصمیم افزایش قیمت بنزین در سطوح بالای نظام بوده و وزارت کشور و استانداران فقط مجری بودند.

● مصطفی کواکبیان: مدت‌هاست بحث تحقیق و تفحص از حوادث پس از افزایش قیمت بنزین و حوادث آبان ماه در کمیسیون امور داخلی مجلس و شوراها مطرح است، اما اصلا جلسه‌ای تشکیل نمی‌دهند.

● قاسم میرزایی نیکو عضو کمیسیون شوراها: در مورد مسائل آبان قرار شد کمیته ویژه‌ای برای بررسی دقیق‌تر تشکیل شود اما به دلیل همزمانی با انتخابات اسفندماه، بررسی بودجه، تعطیلی مجلس و شرایط ناشی از کرونا، به تعویق افتاد.

● کمیته‌های نمایشی در بررسی جنایات مختلف هرگز به جایی نرسیده و ریش و قیچی همواره در دست مرتکبان بوده است.

بر اساس آخرین آمار نهادهای حقوق بشری در جریان سه الی چهار روز تظاهرات سراسری آبان‌ماه در ایران بیش از ۳۰۸ نفر کشته شدند که به نظر می‌رسد تعداد قربانیان بیشتر از این تعداد باشد؛ رویترز به استناد گفته‌هایی از درون حکومت این رقم را تا ۱۵۰۰ تن اعلام کرده است

صندوق بین‌المللی پول (IMF) در گزارشی که چهارشنبه ۲۷ فروردین (۱۵ آوریل) منتشر شد در مورد ناآرامی‌های اجتماعی در پی شیوع کُرونا هشدار داده است.

شمار زیادی از تحلیلگران بروز بحران‌های شدید اجتماعی ناشی از شوک اقتصادی پساکُرونا را بدیهی می‌دانند. به نظر می‌رسد در ایران نیز حکومت مذهبی نگران آغاز اعتراضات اجتماعی است که با افزایش شدید قیمت موادغذایی و هزینه حمل و نقل و اجاره مسکن از یکسو و تاثیرات منفی کُرونا بر درآمدها و افزایش بیکاری از سوی دیگر شرایط را وخیم‌تر کرده است.

بر همین اساس اسحاق جهانگیری معاون اول حسن روحانی به صراحت می‌گوید یکی از مهمترین سیاست‌های دولت «افزایش تاب‌آوری مردم» در برابر فشارهای ناشی از تحریم‌های آمریکا بود و امروز باید بتوانیم این تاب‌آوری را در برابر فشارهای ناشی از شیوع بیماری کرونا نیز افزایش دهیم! اما اینکه برنامه‌های ناقص و ناکافی دولت برای مهار یا دست‌کم کاهش بحران کارآمد باشد جای بسی تردید است.

گرچه شیوع کُرونا برای جمهوری اسلامی فرصتی تا شد تا افکار عمومی از جنایات آبان‌ماه ۹۸ و همچنین سرنگون کردن هواپیمای اوکراینی توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به سوی دیگری معطوف شود اما درون رژیم بحران به قوت خود باقیست و هر یک از مسئولان که به نوعی در قتل‌عام مردم دخالت داشته‌اند دست به هر ترفندی می‌زنند تا دستان خود را پاک از خون شهروندان بی‌گناه نشان دهند.

عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور جمهوری اسلامی روز پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت ۹۹ در یک نشست با استانداران گفت «در سال ۹۸ شرایط برای ما بسیار سخت بود در فضای تحریم دچار مشکلات اساسی بودیم... موضوع آبان وقتی اتفاق افتاد حادثه بسیار بزرگی بود... [اما] همه مراحل تصمیم‌گیری برای افزایش قیمت بنزین در حوزه نظام و حاکمیت اتفاق افتاد».

رحمانی فضلی در ادامه گفت «دشمنان با تحریکات از آن شرایط سوء استفاده کردند... در دی‌ماه [نیز] بعد از سقوط آن هواپیما از اعتراضات بعد از آن حداقل چهار شب با مشکلات امنیتی در جاهای مختلف روبرو شدیم».

او در این نشست بارها تاکید کرد همه تصمیمات در حوزه‌های مختلف [و طبیعتا سرکوب و کشتار مردم] در سطوح بالای نظام گرفته می‌شود و وزارت کشور و استانداران صرفاً مجری دستورات هستند.

آنچه رحمانی فضلی در این جلسه گفت به نوعی واکنش به نطق علی مطهری نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی است که در جلسه علنی سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت به اعتراضات سراسری آبان‌ماه ۱۳۹۸ اشاره کرد و گفت: «وزیر کشور مقصر اصلی در حوادث آبان‌ماه بود که منجر به کشته شدن تعدادی از هموطنان‌مان شد».

مطهری در ادامه گفته بود «بنده و تعدادی از نمایندگان مجلس درخواست استیضاح وزیر کشور را داشتیم و این موضوع را هم تا آخر پیگیری کردیم، حتی این موضوع از حدنصاب هم نیفتاد... از لاریجانی انتقاد می‌کنم، هرچند که داماد ما است، اما او [لاریجانی] اجازه نداد استیضاح وزیر کشور دنبال شود و در نهایت هم به ما گفتند که هم‌اکنون شرایط مناسب نیست و بعد از انتخابات این استیضاح را دنبال کنید، الان هم می‌گویند موضوع کروناست؛ هنوز هم دیر نیست و می‌توان هفته دیگر این استیضاح در دستور کار مجلس قرار گیرد».

مصطفی کواکبیان دیگر نماینده مجلس شورای اسلامی نیز در تذکری گفت «مدت‌هاست بحث تحقیق و تفحص از حوادث پس از افزایش قیمت بنزین و حوادث آبان‌ماه در کمیسیون امور داخلی مجلس و شوراها مطرح است، اما اصلاً جلسه‌ای تشکیل نمی‌دهند». وی در بخش دیگری از اظهاراتش درخواست کرد این موضوع تا پایان مجلس دهم تعیین تکلیف شود؛ امری که بعید به نظر می‌رسد.

اعتراضات سراسری آبان ۱۳۹۸ پس از آن آغاز شد که حکومت شبانه نرخ بنزین را افزایش داد. این اعتراضات نیز مانند دیگر موارد در سال‌های گذشته، به سرعت به تظاهرات علیه حکومت تبدیل شد و در جریان آن بر اساس گزارش سازمان عفو بین‌الملل دست‌کم ۳۰۴ نفر، از جمله حداقل ۲۳ کودک، کشته شدند. خبرگزاری رویترز اما به‌نقل از منابع امنیتی و درون حکومت جمهوری اسلامی شمار کشته‌شدگان را ۱۵۰۰ نفر اعلام کرد. بر اساس گزارش‌ها همچنین دست‌کم هفت هزار نفر در جریان این اعتراضات بازداشت و زندانی شدند. عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور ۲ اردیبهشت در گردهمایی سراسری فرماندهان، معاونان، رئیسان و مدیران نیروی انتظامی به اعتراضات آبان ۹۸ اشاره کرده و از سرکوب آن دفاع کرده بود.

حسن روحانی پس از قتل‌عام مردم در اعتراضات همه‌ی مسئولیت را از دوش خود برداشت. او ادعا کرد «من هم صبح روز جمعه دیدم قیمت بنزین تغییر کرده برای اینکه موضوع را به شورای امنیت کشور واگذار کرده بودم. به آنها هم گفته بودم به من لازم نیست بگویید خودتان بروید برنامه‌ریزی کنید منتها همه چیز در جلسه سران سه قوه تصویب شده است».

خامنه‌ای هم اعلام کرد که تصمیم افزایش قیمت بنزین توسط سران سه قوه گرفته شد و او فقط آن را تأیید کرده است!

این ادعاهای خامنه‌ای و روحانی با آنچه رحمانی فضلی می‌گوید که تصمیمات در همه حوزه‌ها که طبیعتا شامل تصمیم مهمی مانند افزایش قیمت بنزین هم می‌شود، در «سطوح بالای نظام» گرفته می‌شود، در تناقض قرار دارد.

کُرونا و انتخابات مانع فعالیت کمیته ویژه آبان

قاسم میرزایی نیکو عضو کمیسیون شوراهای مجلس به خبرگزاری ایرنا می‌گوید: «بعد از مسائل آبان، وزرا و مسئولان مربوطه در کمیسیون شوراها حاضر شدند و گزارش‌های مرتبط را ارائه کردند. اتفاقاً دو کمیسیون شوراها و امنیت ملی نیز جلسه مشترکی برگزار کردند و نماینده ارگان‌های مربوطه، از جمله وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی، دادستانی و اطلاعات سپاه و... نیز در آن حضور داشتند و گزارش‌های مختلفی از ابعاد ماجرا ارائه کردند».

وی در ادامه توضیح داد «همان زمان جمع‌بندی صورت گرفت و گزارشی تهیه شد و در اختیار هیئت رئیسه قرار گرفت. البته قرار شد کمیته ویژه‌ای برای بررسی دقیق‌تر موضوع در کمیسیون شوراها تشکیل شود که به دلیل همزمانی با انتخابات اسفندماه، بررسی بودجه، تعطیلی مجلس و شرایط ناشی از کرونا، به تعویق افتاد. در این شرایط هم نمی‌توان به نمایندگان فشار آورد تا به مأموریت بروند».

این عضو کمیسیون شوراها در ادامه تأکید کرد: «به نظر من به حد کافی موضوع و ابعاد مختلف آن بررسی شده است. در گزارش هم قصور دستگاه‌های مسئول و اینکه آیا کوتاهی صورت گرفته یا نه، مشخص شده است».

اما تجربه نشان می‌دهد نتیجه بررسی این کمیته‌های نمایشی چیزی جز حفظ منافع حکومت و پایمال شدن حقوق جانباختگان و بازماندگان آنها نیست. با این حال رسانه‌ای شدن موضوع کشتار آبان ۹۸ بیانگر آشفتگی درون نظام در مورد قبول مسئولیت جنایات است. سعید مرتضوی بر اساس گزارش همین کمیته‌ها و رای دادگاه به عنوان متهم اصلی جنایات کهریزک شناخته شد اما راه نیز به اندازه کافی برای آزاد کردن او باز بود.

در واپسین روزهای فعالیت مجلس دهم بعید است پیگیری‌های کمیته تفحص حوادث آبان به جایی برسد. مجلس یازهم نیز در دست همانهایی قرار دارد که گوش به فرمان رهبرشان هستند و در کارنامه‌شان به قول حسن روحانی در تبلیغات انتخاباتی‌اش در سال ۹۶، سابقه‌ی «لوله‌کردن» دانشجویان و معترضان را دارند. ریش و قیچی همواره در دست مرتکبان بوده است.

چرا خروج از سوریه برای جمهوری اسلامی دشوار است؟

● یک مقام بلندپایه اسرائیلی به المانیتور گفته فعالیت نیروهای ایرانی و شبه‌نظامیان شیعه در خط مقدم سوریه متوقف شده و حضور این نیروها کاهش چشمگیری یافته است.

● شنیده‌ها حاکیست ایران و آمریکا برای مبادله‌ی تعدادی از زندانیان به توافق رسیده‌اند و از طریق سوئیس و پاکستان در حال مذاکره‌اند.

● شماری از کارشناسان معتقدند اینها مقدمه‌ای برای مذاکراتی فراتر بین تهران و واشنگتن است.

● حتی اگر درون جمهوری اسلامی جریاناتی به فکر مذاکره با آمریکا باشند و بر لزوم عقب‌نشینی از سوریه و عراق اصرار کنند و حتی اینها اگر بتوانند خامنه‌ای را مجاب کنند، راضی کردن سرداران سپاه پاسداران برای عقب‌نشینی کار راحتی نیست.

مراسم تشییع جنازه پاشاپور از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در سوریه کشته شد

مقامات امنیتی اسرائیل می‌گویند برای نخستین بار از شروع جنگ سوریه از سال ۲۰۱۱ و تلاش رژیم ایران برای تبدیل کردن سوریه به پایگاهی جهت فعالیت‌های تروریستی و میدانی برای جابجایی تسلیحات نظامی شواهد نشان می‌دهد که نیروهای وابسته به حکومت ایران در حال عقب‌نشینی از سوریه هستند.

یک مقام بلندپایه اسرائیلی به المانیتور گفته است که فعالیت نیروهای ایرانی و شبه‌نظامیان شیعه در خط مقدم سوریه متوقف شده و حضور این نیروها کاهش چشمگیری یافته است.

شماری از مقامات نظامی اسرائیل می‌گویند حملات پی در پی جنگنده‌های اسرائیل به مواضع سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نظامی‌های سوری در خاک سوریه این پیام را به تهران و همچنین رژیم بشار اسد داده که نظامیان وابسته به رژیم ایران نمی‌توانند در خاک سوریه حضور دائمی داشته باشند و باید عقب‌نشینی کنند. منابع اطلاعاتی می‌گویند ولادیمیر پوتین نیز برای خارج کردن نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران به دولت بشار اسد فشار می‌آورد.

نیروهای ایرانی و شبه‌نظامیان مورد حمایت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مدام زیر آتش اسرائیل قرار دارند و المانیتور به نقل از منابع نظامی اسرائیل می‌نویسد تهران ظاهرا متوجه شده حضور نظامی در سوریه واقعاً ارزش این میزان تلفات را ندارد.

از سوی دیگر کارزار «فشار حداکثری ایالات متحده» به شدت اقتصاد بحران‌زده ایران را تحت تاثیر قرار داده است. بحران ناشی از شیوع ویروس کُرونا و کاهش قیمت نفت نیز باعث تشدید فشارها شده است.

همچنین به نظر می‌رسد اسماعیل قاآنی جانشین قاسم سلیمانی نتوانسته است جای خالی او را برای نیروهای «مقاومت» پُر کند و خلاء ناشی از فرماندهی واحد سبب شکاف در جبهه شبه‌نظامیان وفادار به حکومت ایران شده است. شاید از مهمترین پیامدهای حذف سلیمانی بتوان به جدایی چهار گردان اصلی حشدالشعبی از این سازمان و پیوستن آنها به نیروهای مسلح عراق اشاره کرد.

برخی تحلیلگران معتقدند عقب‌نشینی ایران از سوریه می‌تواند مقدمه‌ای برای مذاکره با آمریکا باشد. یکی از ۱۲ شرط مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا برای آغاز مذاکره با تهران بر سر توافق اتمی جدید، خروج نیروهای نظامی جمهوری اسلامی از سوریه و توقف دخالت‌های سیاسی و پایان دادن به ارسال نیرو و تسلیحات به این کشور بود.

از دیگر شروط آمریکا، آزادی شهروندان آمریکایی و دوتابعیتی‌هایی بود که نهادهای امنیتی رژیم ایران به اتهام جاسوسی یا اقدام علیه امنیت ملی آنها را به گروگان گرفته‌اند.

روزنامه نیویورک تایمز ۶ مه (۱۷ اردیبهشت) در گزارشی نوشت ایران و آمریکا در حال مذاکره برای تبادل زندانیان هستند.

این روزنامه نوشت ابوالفضل مهرآبادی معاون دفتر حافظ منافع ایران در سفارت پاکستان در واشنگتن گفته است که مذاکرات بر سر مبادله مایکل وایت با یک ایرانی که تا کنون هویت وی فاش نشده جریان دارد. پاکستان حافظ منافع جمهوری اسلامی ایران در آمریکاست.

مایکل وایت یک نظامی پیشین آمریکاست که برای ملاقات با دوست دخترش که اهل مشهد است به ایران آمد اما دو سال پیش بازداشت شد. با شیوع کُرونا در ایران و آزادی شماری از زندانیان او نیز موقتاً آزاد و به سفارت سوئیس که حافظ منافع آمریکا در ایران است تحویل داده شد.

مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا روز چهارشنبه ۶ مه در جمع خبرنگاران گفت سوئیس به عنوان حافظ منافع ایالات متحده در ایران از تهران خواسته است تا با تمدید مرخصی پزشکی مایکل وایت موافقت کند.

خبرگزاری رویترز نیز گزارش داد وزیر خارجه آمریکا از سوئیس بابت درخواست مرخصی برای دیگر شهروندان آمریکایی که در ایران زندانی هستند تشکر کرد.

این گزارش‌ها نشان می‌دهد که گفتگوهایی از طریق پاکستان و سوئیس بین تهران و واشنگتن بر سر مبادله زندانیان در جریان است و محتوای این گفتگوها می‌تواند از اینهم فراتر باشد. مراد طاهباز و سیامک نمازی دیگر شهروندان ایرانی- آمریکایی هستند که در بازداشت بسر می‌برند.

سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت عباس موسوی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در سخنانی گفت آماده تبادل زندانیان هستیم. آذرماه ۱۳۹۸ نیز ژیائو وانگ و مسعود سلیمانی در زوریخ سوئیس مبادله شدند. بهمن‌ماه ۱۳۹۸ نیز احمد خلیلی شهروند ایرانی که به جرم دور زدن تحریم‌های ایران در آلمان بازداشت شده بود به ایران بازگردانده شد.

جمهوری اسلامی مجبور به عقب‌نشینی شده؟

پرسش این است که آیا اینها شواهدی برای عقب‌نشینی جمهوری اسلامی در برابر فشارهای آمریکاست؟ و اگر چنین است، آیا این عقب‌نشینی تاکتیکی است یا مقدمه‌ای برای مذاکره با آمریکا بر سر مسائل اساسی‌تر است؟

علی خامنه‌ای دی‌ماه ۹۷ گفته بود: «ایران و سوریه عمق راهبردی یکدیگر هستند و هویت و قدرت جریان مقاومت وابسته به این ارتباط مستمر و راهبردی است، بر این اساس دشمنان نخواهند توانست نقشه‌های خود را عملیاتی کنند».

علی خامنه‌ای آبان ۱۳۹۸ در سخنانی گفت «مذاکره با آمریکا صد درصد اشتباه است چون یقیناً و قطعاً هیچ امتیازی نخواهند داد!»

او همچنین گفت «طرف مقابل، نشستن مقامات ایرانی پشت میز مذاکره را به معنای به زانو درآوردن جمهوری اسلامی می‌داند که به جهانیان بگوید فشار حداکثری و تحریم‌ها سرانجام نتیجه داد و ایرانی‌ها [جمهوری اسلامی] به زانو درآمدند».

خامنه‌ای تاکید کرد «آنها فعلاً می‌گویند در منطقه فعال نباشید، به جبهه مقاومت کمک نکنید، در برخی کشورها حضور نداشته باشید و توان دفاعی و تولید موشک خود را متوقف کنید و بعد از این خواسته‌ها خواهند گفت از قوانین و حدود دینی دست بردارید و بر موضوع حجاب اسلامی نیز تأکید نکنید، بنابراین خواسته‌های آمریکا هیچگاه تمامی ندارد».

خامنه‌ای همچنین در خرداد ۹۸ در واکنش به گروهی از جریانات سیاسی که در داخل ایران پیشنهاد مذاکره با آمریکا را مطرح کردند گفت «مقاومت قدرتمندترین سلاح یک ملت است و دشمن در صدد است با وسوسه، تردیدافکنی و القاء بی‌فایده و ناممکن بودن مقاومت، این سلاح را از دست ملت ایران خارج کند».

او در آذر ۹۸ نیز در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تأکید کرد «یک عرصه‌ی دیگر که بسیار مهم است که سپاه در آن فعال است، نگاه گسترده به جغرافیای مقاومت در منطقه است؛ مجموعه‌ی مقاومت در این منطقه توانایی خودش را در مواجهه‌ی با استکبار، در مواجهه‌ی با آمریکا، در مواجهه‌ی با جبهه‌ی متّحد کفر و ظلم نشان داده؛ شما نقش سپاه را حالا در این مجموعه‌ی عظیم مشاهده کنید».

آنچه علی خامنه‌ای می‌گوید استراتژی جمهوری اسلامی برای اخاذی از غربی‌هاست. شبه‌نظامیان وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که زیر عنوان «جبهه مقاومت» برای تهران در آب نمک خوابانده شده‌اند، هر زمان که منافع رژیم اقتضا کند به صورت نیابتی بدون اینکه مسئولیتی برای تهران داشته باشد می‌توانند به منافع آمریکا و متحدانش در منطقه ضربه بزنند و اهرم فشاری برای عقب نگه داشتن آمریکا و برگی مؤثر در مذاکرات باشند. چنانکه در جریان مذاکرات اتمی در سال ۲۰۱۵ موشک‌ها و فعالیت‌های اتمی رژیم به عنوان برگی برنده جهت بده و بستان و معامله با دولت باراک اوباما به کار گرفته شد. درواقع جمهوری اسلامی از شبه‌نظامیان خود برای پیشبرد سیاست خارجی استفاده می‌کند. اما این همه ماجرا نیست. در آن زمان جمهوری اسلامی به خاطر فعالیت‌های موشکی و اتمی مخفیانه زیر شدیدترین فشارهای اقتصادی و تحریم‌ها قرار داشته و راهی بجز مذاکره برای تهران باقی نمانده بود.

اینهمه در حالیست که حضور نظامی در سوریه و موشک‌پرانی فقط خواست علی خامنه‌ای و سپاه نیست! اینکه برای پیشبرد سیاست خارجی هم دیپلماسی لازم است و هم حضور نظامی در منطقه و داشتن موشک‌های بالستیک، از تئوری‌های بنیادین محمدجواد ظریف است که در کتاب «دوران گذار روابط بین‌الملل در جهان پساغربی» آن را تشریح می‌کند.

فراتر از اینها، حتی اگر درون جمهوری اسلامی جریاناتی به فکر مذاکره با آمریکا باشند و بر لزوم عقب‌نشینی از سوریه و عراق اصرار کنند و حتی اینها اگر بتوانند خامنه‌ای را مجاب کنند، راضی کردن سرداران سپاه پاسداران برای عقب‌نشینی کار راحتی نیست.

ادامه در صفحه ۱۷

زنان شاخص

ناهید دایی جواد

(۱۳۲۱ - ۱۳۹۶)

ناهید دایی جواد، خواننده موسیقی سنتی اهل ایران بود. ترانه «غروب کوهستان» او از شهرت بالایی برخوردار است. ناهید دایی جواد در شهر اصفهان به دنیا آمد وی مدرک لیسانس خویش در رشته ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان گرفت است و در سال ۱۳۵۵ با کیوان قدرخواه، شاعر و وکیل دادگستری ازدواج نمود. ناهید دایی جواد در سال ۱۳۴۲ به استخدام آموزش و پرورش استان اصفهان درآمد و از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۷۴ که بازنشسته شد در دبیرستان‌های شهر اصفهان به تدریس ادبیات و زبان فارسی و عربی مشغول بود. وی نه سال پیش از انقلاب از رادیو استعفا داد و از سال ۱۳۷۴ تا هنگام درگذشت، مشغول تدریس آواز ایرانی در آموزشگاه‌ها بود.ناهید دایی جواد در سال ۱۳۸۱ سه کنسرت در تهران در تالارهای وحدت، اندیشه، فرهنگ با مشارکت کیان علی‌نژاد اجرا نموده‌است و پس از آن به همراه «گروه ایراندخت» تور کنسرتی را در شرق ایالات متحده داشته‌است. آخرین اجرای وی در خارج از کشور در بزرگداشت پیرنیا در لندن بوده‌است که به همراه گلپایگانی با همدیگر برنامه اجرا نمودند. کنسرت‌های داخلی وی همچنان ادامه داشت. وی حدود بیش از نود و دو آهنگ که در رادیو اصفهان ضبط گردید با هنرمندانی چون: کسائی، جهانبخش پازوکی، سراج، شاهین، سلطانی، ساغری، مجاهد همکاری داشته است.

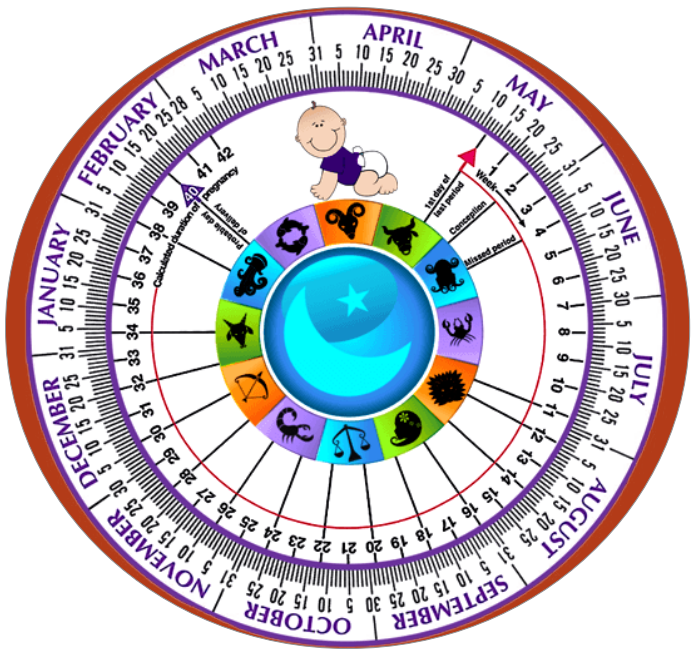

ماشین حساب بارداری!

محققان هلندی یک ماشین حساب باروری تهیه کرده اند که احتمال داشتن یک خانواده رویایی براساس سن یک زن را پیش بینی می کند. آن ها پیش بینی می کنند افرادی که خواهان دو فرزند هستند باید از ۲۷ سالگی بچه دار شدن را شروع کنند تا میزان موفقیت ۹۰ درصدی داشته باشند.

میانگین سن شروع یک خانواده در دنیا در طول چهار دهه گذشته افزایش یافته و در نتیجه به دلیل اینکه دنبال شغل هستند سن مادر شدن بالا رفته است که در حال حاضر این سن ۳۰ سالگی است که در سال ۲۰۰۴ ۲۷ سالگی بوده و در سال ۱۹۷۰ تنها ۲۴ سالگی بوده است.

با این وجود زنانی که در دهه سی سالگی خود هستند و بچه می خواهند لازم نیست که بترسند.برخی ها ممکن است فکر کنند، اوه خدای من، من باید زود شروع کنم،» اما برای بسیاری از زنان این درست نیست.

«برای زنانی که در لبه سنی هستند، می تواند باعث شود که آن ها چیزهای مختلفی را امتحان کنند تا به آنها کمک کند اما ما نمی خواهیم مردم را وادار به تغییر زندگی خود کنیم از طرفی کارشناسان دیگر می گویند که این زنان اگر می خواهند بچه دار شوند باید فوری دست به کار شوند و خانواده خود را تشکیل دهند، زمان بسیار کمی برای «اقدام» دارند.الگوی کاری زنان در طول سالها پیرامون مردان تغییر یافته است و این کار واقعاً برای آن ها مناسب نیست. زنان زمان بسیار کمی دارند که اگر میخواهند به دانشگاه بروند، شغلی پیدا کنند و قبل از شروع یک خانواده ثبات مالی داشته باشند.

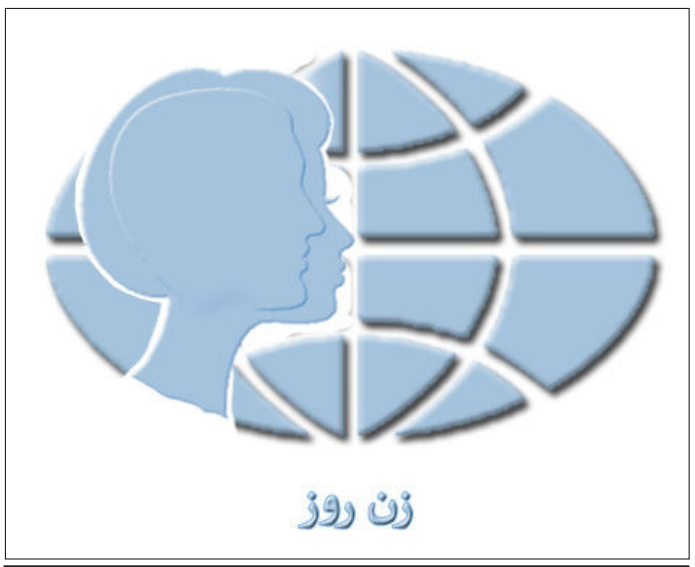

سیمین بهبهانی

گر چه با آینه خویی سر کار تو نبود
با من این سنگدلی نیز قرار تو نبود
غرق خون شد دل من، جام صفت، گر چه لبم
آشنا با دو لب باده گسار تو نبود ...
... سبزه گمشده در سایه جنگل بودم
بر من ای مهر دل افروز! گذار تو نبود
موج مهرت به سر ما قدم لطف نسود
همچو گرداب، به جز خویش، مدار تو نبود
عیب دامان ترم بود که آتش نگرفت
ورنه، ای عشق! گناهی ز شرار تو نبود
ای که خورشید شدی، روی نهادی به گریز
جز سوی مشرق برگشت، فرار تو نبود
زلف آغشته به آژیده سیمین کردم
تا نگویی سحری باش با شب تار تو نبود

کاهش ابتلا به آلزایمر با رژیم غذایی مدیترانه‌ای

رژیم غذایی مدیترانه‌ای احتمال ابتلا به آلزایمر را کاهش می‌دهد

یک مطالعه جدید بین رژیم غذایی مدیترانه ای و کاهش احتمال ابتلا به آلزایمر ارتباطاتی یافته است.

این تحقیق ، که در مجله آلزایمر و دمانس منتشر شده است ، نشان می دهد ، در سطح جمعیتی ، پیروی از رژیم غذایی مدیترانه ای می تواند خطر نقص شناختی و کاهش شناختی آهسته را کاهش دهد.

این تحقیقات به ویژه با آن دسته سیاستهای بهداشتی که ممکن است به کاهش خطر ابتلا به انواع زوال عقل ، مانند بیماری آلزایمر کمک کند مرتبط است.

آلزایمر و دمانس

طبق مراکز کنترل و پیشگیری از بیماری ها (CDC) ، زوال عقل یک اصطلاح کلی است که به کاهش شناختی قابل توجه در سنین پیری اشاره دارد. بیماری های مختلف می تواند باعث زوال عقل شود که شایع ترین نوع آن بیماری آلزایمر است.

با اینکه که اندکی کاهش سطح شناختی با افزایش سن طبیعی است اما کاهش چشمگیر میزان شناخت مانند آنچه که در دمانس رخ می‌دهد یک بخش عادی از روند پیری نیست.

طبق اعلام موسسه ملی افزایش سن ، بیماری آلزایمر نوعی زوال عقل مورودژنراتیو است. در این حالت رسوبات غیر طبیعی پروتئین ها در مغز فرد ایجاد می شود و باعث می شود سلول های عصبی ارتباط خود را از دست داده و از بین بروند.

فرد مبتلا به آلزایمر خفیف ممکن است از دست دادن حافظه و تغییر در شخصیت یا رفتار را تجربه کند. با پیشرفت این بیماری ، آنها ممکن است در جابجایی دچار مشکل شوند و دچار سردرگمی قابل توجهی شوند – به عنوان مثال عدم توانایی در شناخت اعضای خانواده یا دوستان نزدیک از مشکلات شایع است.

آلزایمر شدید ممکن است یک فرد را ناتوان از برقراری ارتباط و کاملاً وابسته به افراد دیگر برای مراقبت از خود کند.

از آنجایی که در حال حاضر هیچ درمان معالجه ای برای آلزایمر وجود ندارد آن دسته از مداخلاتی که می توانند تأخیر شناختی را به تأخیر بیاندازند یا کند کنند ممکن است برای کاهش میزان عمومی و شدت بیماری آلزایمر در یک جمعیت بسیار با ارزش باشد.

رژیم مدیترانه‌ای

پژوهشگران این مطالعه جدید می خواستند نقش احتمالی رژیم غذایی در مبارزه با زوال عقل در یک جمعیت را کشف کنند. به ویژه ، آنها می خواستند ببینند رژیم غذایی مدیترانه ای چه تاثیری بر شناخت نسبی می تواند داشته باشد.

طبق مقاله ای در سال ۲۰۱۷ در مجله Nutrition Today ، تحقیقات نشان داده است که رژیم غذایی مدیترانه ای دارای انواع مزایای سلامتی از جمله کاهش خطر بیماری های قلبی عروقی ، دیابت ، سرطان پستان و روده ، بیماری التهابی روده و بیماری های عصبی است.ارتباط رژیم مدیترانه ای و کاهش خطر ابتلا به آلزایمر آخرین موضوع سلامتی بود که باید به ان رسیدگی می‌شد و پژوهشگران به مطالعه روی آن مشغول شدند.

تقریبا ۹،۰۰۰ شرکت‌کننده

برای انجام تحقیق ، نویسندگان داده‌هایی را از دو مطالعه بزرگ تهیه کردند که به بررسی رابطه مکمل های غذایی و دژنراسیون ماکولا وابسته به سن پرداخته بودند ، شرایطی که روی بینایی تأثیر می گذارد.

برای این دو مطالعه ، دانشمندان تقریباً ۹۰۰۰ شرکت کننده را استخدام کردند. مطالعه اول شرکت کنندگان خود را بین سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۸ استخدام کرد ، و مطالعه دوم بین سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸. پس از اعمال معیارهای خروج از مطالعه ، تعداد شرکت کنندگان باقی مانده ۷۷۵۶ نفر بود. دانشمندان عملکرد شناختی شرکت‌کنندگان را در مطالعه اول بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ ارزیابی کردند. مطالعه دوم شامل ارزیابی‌ها در ابتدای مطالعه و سپس در سالهای دوم، چهارم و دهم بود.

نویسندگان از آزمونهای استاندارد برای تعیین عملکرد شناختی و پرسشنامه برای تعیین میزان پیروی شرکت کنندگان در یک سال قبل از رژیم مدیترانه‌ای استفاده کردند.

کاهش خطر اختلال شناختی

نویسندگان دریافتند که پایبندی جدی‌تر به رژیم غذایی مدیترانه‌ای منجر به کاهش خطر اختلال شناختی و نتیجه عددی بالاتر در امتیازات عملکرد شناختی می‌شود.به طور خاص، نویسندگان دریافتند که مصرف ماهی با کاهش خطر اختلال شناختی و نیز کاهش تدریجی‌تر شناخت عمومی مرتبط است. تفاوت در شناخت نسبتاً اندک بود ، به این معنی که در سطح فردی، بعید به نظر می‌رسد که قابل توجه باشند. با این حال، نتایج می‌تواند تفاوت بیشتری را در سطح جمعیت ایجاد کند.همانطور که نویسندگان اشاره کرده‌اند، این مطالعه محدودیتهایی داشته است. در حالی که آنها برخی از عوامل مؤثر بر نتایج مانند سطح تحصیلات نسبی هر یک از شرکت کنندگان ،را در نظر گرفته‌اند، برخی از عوامل مخدوش‌کننده دیگر را محاسبه نکرده‌اند.به عنوان مثال، می توان گفت که افرادی که رژیم غذایی مدیترانه‌ای را دنبال می‌کنند بطور کلی فعال‌تر هستند، که می‌تواند به طور قابل‌توجهی خطر بیماری‌های مختلف بهداشتی را کاهش دهد.با این وجود ، این تحقیق به وجود شواهد در حال رشدی کمک می‌کند که نشان می‌دهند رژیم غذایی مدیترانه‌ای می‌تواند تفاوت قابل توجهی در سلامت عمومی یک جمعیت ایجاد کند.

Pexels

دلیل افزایش وزن در دوران یائسگی

مطالعه و سپس افزایش وزن در دوران یائسگی عارضه بسیار شایع و متداولی است. در کل عوامل زیادی در افزایش وزن نقش دارند که برخی از آنها عبارتند از:هورمون ها ، افزایش سن ، شیوه زندگی ، ژنتیک .با این حال، روند یائسگی بسیار منحصر به فرد است. بنابراین از فردی به فرد دیگر تفاوت دارد.

افزایش وزن در دوران یائسگی

چرخه زندگی زنان در دوران باروری چهار دوره در زندگی زنان وجود دارد که در آنها بدن دچار تغییرات هورمونی می شود. این دوره ها عبارتند از:

۱-قبل از یائسگی : پیش از یائسگی اصطلاحی است که به دوران باروری زنان در زندگی‌شان اشاره می کند. این دوره از بلوغ یعنی از اولین دوره قاعدگی شروع می شود و با آخرین دوره قاعدگی پایان می یابد. این مرحله تقریباً ۳۰ الی ۴۰ سال طول می کشد.

۲-پیش از یائسگی : پیش از یائسگی به معنای واقعی کلمه به دوره ای از زندگی اشاره دارد که نزدیک به یائسگی است. در این مدت، سطح استروژن نامناسب می شود و سطح پروژسترون کاهش می یابد. این دوره در زنان مختلف متفاوت است و ممکن است از اواسط دهه ۳۰ تا اوایل دهه ۵۰ آغاز شود. اما معمولاً در دهه ۴۰ زندگی رخ می دهد و ۴ تا ۱۱ سال به طول می انجامد.

علائم پیش از یائسگی عبارتند از: گرگرفتگی و عدم تحمل گرما ، اختلالات خواب ، تغییر در چرخه قاعدگی ، سردرد ، تغییرات خلقی مانند تحریک پذیری ، افسردگی ، اضطراب ، افزایش وزن .

۳- یائسگی : یائسگی به طور رسمی زمانی اتفاق می افتد که یک زن به مدت ۱۲ ماه متوالی قاعدگی را تجربه نکند. متوسط سن یائسگی ۵۱ سال است. تا آن زمان، دوره پیش از یائسگی نامیده می شود. بسیاری از خانم ها بدترین علائم خود را در طول این دروه تجربه می کنند. اما علائم برخی از آنها نیز در سال اول یا دو سال بعد از یائسگی شدت می یابد.

۴- پس از یائسگی : این مرحله بلافاصله پس از گذشت ۱۲ ماه از آخرین پریود شروع می شود. یائسگی و پس از یائسگی دو اصطلاح رایج و بسیار نزدیک به هم هستند و گاهی نیز به جای یکدیگر استفاده می شوند. با این وجود برخی از تغییرات هورمونی و جسمی ممکن است بعد از یائسگی نیز ادامه یابند.

چگونگی تغییر هورمونی در بدن بر متابولیسم تأثیر می گذارد؟

در طول دوره پیش از یائسگی، سطح پروژسترون به آرامی و به طور پیوسته کاهش می یابد. در حالی که سطح استروژن از روزی به روز دیگر متفاوت است و حتی ممکن است در یک روز نوسانات زیادی را تجربه کند.

در اوایل این دوره، تخمدان ها اغلب مقدار بسیار زیادی استروژن تولید می کنند. این به دلیل اختلال در سیگنال های بازخورد بین تخمدان ها، هیپوتالاموس و غده هیپوفیز است. بعد از این دوره، یعنی وقتی که چرخه قاعدگی نامنظم تر می شود، تخمدان ها استروژن بسیار کمی تولید می کنند. تولید این هورمون در تخمدان در این مرحله حتی کمتر از دوران یائسگی است.برخی از مطالعات نشان داده اند که سطح بالای استروژن ممکن است باعث افزایش چربی شود. این به این دلیل است که سطح بالای استروژن با افزایش وزن و تجمع بیشتر چربی در بدن در سال های باروری مرتبط است. از دوران بلوغ تا پیش از یائسگی، زنان تمایل دارند چربی را بیشتر در باسن و ران خود به عنوان چربی زیر جلدی ذخیره کنند. اگرچه آب کردن این چربی ها کار بسیار سختی است، اما این نوع چربی خطر ابتلا به بیماری را افزایش نمی دهد.

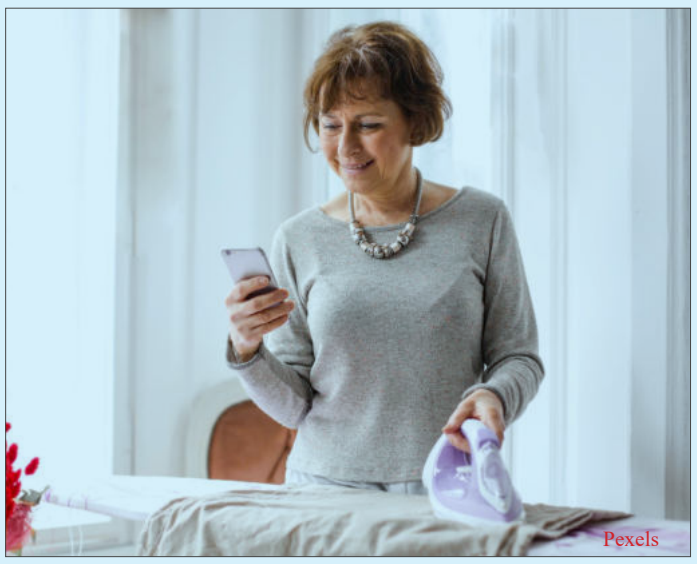
Pexels

با این حال در دوران یائسگی، سطح پایین استروژن باعث ذخیره چربی در ناحیه شکم و به صورت چربی احشایی می شود. این نوع چربی با مقاومت به انسولین، دیابت نوع ۲، بیماری های قلبی و سایر مشکلات مرتبط است.

تغییر وزن در طول دوره پیش از یائسگی

تخمین زده می شود که زنان در طول دوره پیش از قاعدگی حدود ۲ تا ۵ پوند (۱ الی ۲ کیلوگرم) وزن به دست آورند. با این حال، برخی از آنها وزن بیشتری اضافه می کنند. به نظر می رسد این مشکل به ویژه در مورد خانم هایی که اضافه وزن دارند یا چاق هستند؛ بیشتر صدق است.

صرف نظر از تغییرات هورمونی، افزایش وزن ممکن است به عنوان بخشی از پیری نیز رخ دهد. محققان به بررسی وزن و تغییرات هورمون ها در زنان بین ۴۲ تا ۵۰ سال در طی یک دوره ۳ ساله پرداختند. بین کسانی که چرخه طبیعی داشتند و کسانی که یائسگی شده بودند؛ اختلاف اندکی وجود دارد.

یک مطالعه بزرگ، زنان میانسال را در طول دوره قبل از یائسگی تحت نظر گرفت. در طول مطالعه، زنان چربی شکمی به دست آوردند و توده عضلانی خود را از دست دادند.

یکی دیگر از عواملی که در افزایش وزن پیش از یائسگی موثر است، افزایش اشتها و کالری دریافتی در پاسخ به تغییرات هورمونی میباشد. در یک مطالعه، سطح هورمون گرسنگی (گرلین) در بدن زنانی که در دوره قبل از یائسگی قرار داشتند نسبت به زنانی که یائسه شده بودند؛ به طور قابل توجهی بیشتر بود.

پایین آمدن سطح استروژن در اواخر یائسگی ممکن است عملکرد لپتین و نوروپپتید Y (هورمونی که احساس سیری و اشتها را کنترل می کند) ضعیف کند. بنابراین، زنان در اواخر این دوره که میزان استروژن پایینی در بدن دارند ممکن است به سمت مصرف کالری بیشتر هدایت شوند.

اثرات پروژسترون بر روی وزن در دوران گذر از یائسگی به همان اندازه مورد مطالعه قرار نگرفته است. با این حال برخی محققان معتقدند که ترکیب استروژن کم و پروژسترون می تواند خطر چاقی را افزایش دهد. ممکن است با ترک این دوره و ورود به دوره یائسگی، تغییرات هورمونی و افزایش وزن ادامه یابد. یک مطالعه که بیش از ۱۹۰۰ زن در آن شرکت کرده بودند نشان داد زنانی که زودتر از میانگین سنی یعنی ۵۱ سالگی وارد یائسگی می شوند؛ چربی کمتری در بدن دارند.

علاوه بر این، چندین عامل دیگر وجود دارد که ممکن است در افزایش وزن در دوران یائسگی نقش داشته باشند.

مرد روز

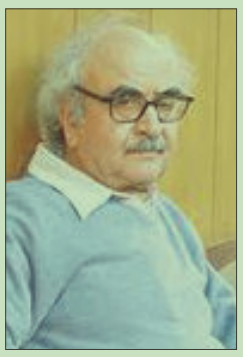

شفیعی کدکنی

هر کوی و برزنی را می جویند
هر مرد و هر زنی را می بویند
بشنو
این زوزه ی سگان شکاری ست
در جست و جویش کنون
و خاک خاک تشنه
و قطره های خون
آن گرگ تیر خورده ی آزاد
در شهر شهرها
امشب کجا پناهی خواهد یافت
یا در خروش خشم گلوله
کی سوی بیشه راهی خواهد یافت

Pexels

زبان جغرافیایی و علل سفیدی زبان

زبان جغرافیایی بیماری است که نقش هایی شبیه به نقشه روی زبان ایجاد می کند. افراد مبتلا به این بیماری دارای لکه ها و تکه های نرم قرمز رنگی روی زبانشان هستند که با خط های سفید رنگی احاطه شده‌اند. مناطق قرمز رنگ، برآمدگی های ظریفی (پاپیلا) را که به طور طبیعی روی سطح زبان وجود دارند را از بین می برند. این یک بیماری بی خطر و غیر واگیر است. با این حال اگر روی زبان خود احساس ناراحتی و درد می کنید، می توانید از مسکن استفاده کرده و از مصرف مواد غذایی که تحریک کننده درد هستند اجتناب نمایید.

دلایل سفیدشدن زبان : ● دهان خشک وقتی ایجاد می شود که با دهان باز می خوابید یا از طریق دهان نفس می کشید. ● کم آب شدن بدن ● لیکن پلان دهانی یک بیماری التهابی مزمن است و می تواند ظهور لکه های سفید، جوش های نوک تیز یا پلاک را داخل دهان تحریک کند. ● مصرف بیش از حد الکل، سیگار کشیدن یا مصرف تنباکو می تواند جداره دهان را آزرده کند که این به گسترش ضایعات پیش سرطانی ضخیم و مقاوم به درمان روی لثه ها، سقف دهان، داخل گونه ها و حتی زبان منجر شود. ● زبان جغرافیایی می تواند از موارد چیزی که به آن زبان جغرافیایی گفته می شود باشد. ● تب ● واکنش به داروهای خاص ● بی توجهی به مسواک و نخ دندان کردن منظم دندان ها می تواند به تجمع باکتری ها، مواد غذایی و دیگر انواع رسوبات در حفره دهان منجر شود. ● بیماری های حادی مثل برفک دهانی (کاندیدیازیس) یا سیفلیس که می تواند به صورت زبان جغرافیایی آشکار شده و نیازمند توجه فوری پزشکی شود.

مردان شاخص

حسن کسائی

(۱۳۰۷ - ۱۳۹۱)

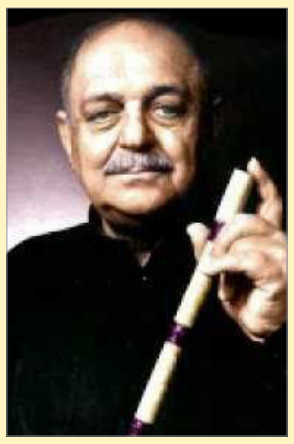

حسن کسائی موسیقیدان و نوازنده نی و سه‌تار اهل ایران بود. حسن کسائی از کودکی علاقه زیادی به موسیقی داشت،

وی در محضر ابوالحسن صبا به نواختن ردیف‌ها پرداخت. کسائی، در سن ۲۰ سالگی نخستین اجرای تکنوازی نی خود را در دستگاه همایون در تئاتر اصفهان به صحنه برد و یک سال بعد قطعه معروف سلام را در دستگاه چهارگاه ساخت که از معروف‌ترین قطعات موسیقی ایرانی به‌شمار می‌رود.این قطعه بعدها توسط حسین علیزاده در آلبوم صبحگاهی با سازبندی و ارکستراسیونی حجیم بازسازی شد.

کسائی، در سال ۱۳۲۹ برای اولین‌بار نی را به ارکستر برد و با ارکستر رادیو ارتش اصفهان همکاری خود را شروع کرد. در سال‌های بعد با ارکسترهای متعدد رادیو به سرپرستی هنرمندانی چون ابوالحسن صبا، حسین یاحقی، حبیب‌الله بدیعی، محمد میرنقیبی، همایون خرم و دیگران به فعالیت خود در این زمینه ادامه داد. در سال ۱۳۳۵ به دعوت داوود پیرنیا به برنامه گل‌ها راه یافت و تا سال ۱۳۵۷ که در گلچین هفته شرکت نمود، با این سلسله برنامه، همکاری داشت..حسن کسائی در اصفهان سال‌ها مکتب‌دار موسیقی اصفهان در رشته‌های نی، سه‌تار و آواز بوده‌است. اگرچه بیشتر آثار حسن کسایی بداهه‌نوازی است تا موسیقی پیش ساخته، ولی امروز بخش زیادی از ضربی‌ها و حتی آوازی‌های نوازندگان نی، بهره گرفته از نوازندگی‌های اوست.

اثرات منفی قند بر مغز

مغز بیشتر از هر ارگان دیگری در بدن انسان انرژی مصرف می‌کند و گلوکز، سوخت اصلی آن است. اما اگر مغز در با مقدار زیادی از شکر مواجه شود، چه اتفاقی می‌افتد؟ در این مطلب اثرات منفی شکر بر مغز را بررسی می‌کنیم.

در مغز، قند اضافی، مهارت‌های شناختی و کنترل را مختل می‌کند. اغلب افراد با قند خون کم، تمایل زیادی به خوردن قند ایجاد می‌شود. قند و شکر یک اثر مخدر بر مرکز پاداش مغز دارد. دانشمندان فرض می‌کنند که غذاهای شیرین – همراه با غذاهای شور و چرب – می‌توانند اثرات اعتیاد آوری را در مغز انسان ایجاد کرده و باعث از بین رفتن خویشتن داری، پرخوری و افزایش وزن در آینده شوند.

در انسان‌های اولیه، این محرک باعث می‌شد تا آن‌ها به دنبال یافتن غذاهای پرکالری باشند تا در مواقع کمبود غذا، به بقا کمک کند. اما امروزه این محرک، زمینه‌ی چاقی و دیابت همگانی را فراهم کرده است. ویژگی‌های نوروبیوشیمیایی و رفتاری سومصرف مواد و پرخوری، تا حدودی مشابه هستند. موضوع اعتیاد هم اکنون در بین دانشمندان محبوبیت پیدا کرده است و اثرات منفی شکر بر مغز را مورد مطالعه قرار می‌دهند.

پاسخ پاداشی

در انسان‌ها، مواد غذایی قندی یا high-glycemic بخشی از مغز را فعال می‌کند که در ارتباط با پاداش است. این مواد، احساس گرسنگی بیشتری نسبت به سایر مواد غذایی ایجاد می‌کنند.غذاهایی که گلوکز زیادی وارد جریان خون می‌کنند، محرک اعتیاد بیشتر هستند.

این مطالعات که در American Journal of Clinical Nutrition چاپ شده است، از شاخص گلایسمی GI استفاده کرده است. بدین معنی که موادغذایی در بدن چه مقدار قند تولید می‌کنند. آنها نشان دادند که خوردن ماده‌ای با قند بالا، نواحی از مغز را تحریک می‌کنند که در رفتار خوردن، پاداش و اشتیاق نقش دارند.

اعتیاد به شکر

مطالعات بیشتر بر روی فعالیت مغز شواهدی را برای اثبات این فرضیه که پرخوری، مرکز پاداش مغز را تغییر داده و اعتیاد به غذا به وجود می‌آید، فراهم می‌کند. باور بر این است که همین روند در اعتیاد به موادمخدر نیز وجود دارد.

با گذر زمان، مقدار ماده‌ی مصرفی برای فعال کردن مرکز پاداش افزایش می‌یابد. مطالعات حاکی از آن است که پرخوری، پاسخ پاداش را کاهش داده و اعتیاد به مواد غذایی مضر و پرچربی و قندی را بدتر می‌کند.

تحقیقات نشان داده است که شیرینی‌ها بیشتر از کوکائین اعتیادآور هستند. این موضوع حتی در حیوانات آزمایش شده است؛ لذت خوردن شیرینی‌ها می‌تواند از لذت کوکائین فراتر رود.

اثرات منفی شکر بر حافظه

در هر جای بدن، وجود شکر اضافی خطرناک است. به طوری که افزایش ناچیز قند خون می‌تواند اثرات منفی بر مغز داشته و عملکرد شناختی، حافظه و تمرکز را مختل کند. برخی از پزشکان معتقدند که مصرف زیاد قند و شکر باعث بروز التهاب در مغز شده و اختلالات حافظه به وجود می‌آورد. مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۶ در Behavioral Brain Research چاپ شد، اعلام می‌کند در موش‌های آزمایشگاهی که با رژیم پر قند تغذیه می‌شدند، مارکرهای التهابی در هیپوکمپ مغز حضور داشتند.

خوشبختانه آسیب حاصل از این التهاب، دائمی نیست. با تجویز رژیمی با شاخص گلایسمی پایین و قند کم، می‌توان این آسیب را جبران کرد. علاوه بر این، کاهش مصرف شکر و خوردن مکمل‌های امگا-۳ و کورکومین، عملکرد حافظه و مغز را بهبود می‌بخشد.

اثرات منفی شکر بر خلق و خو

در جوان‌های سالم، توانایی بروز احساسات، با افزایش قند خون در معرض خطر قرار می‌گیرد. با توجه به مطالعات گذشته، افرادی که به دیابت نوع ۲ مبتلا هستند، طی هایپرگلایسمیا، احساس ناراحتی و افسردگی بیشتری می‌کنند.

یکی از بزرگترین مطالعات برای یافتن ارتباط بین قند با افسردگی – تجزیه و تحلیل رژیم غذایی و خلق و خوی ۲۳.۲۴۵ نفر که در مطالعه Whitehall II ثبت نام کرده‌اند – نشان داد که هر چقدر میزان مصرف در افرادی که دیابت ندارند، مصرف شکر زیاد با کاهش نمرات آزمون‌های عملکردی همراه است. به نظر می‌رسد این اثرات، ناشی از مجموعه‌ی علائم هایپرگلایسمی، فشارخون بالا، مقاومت به انسولین و کلسترول بالا باشد.

وقتی گلوکز زیادی به مغز برسد، تولید فاکتور نوروتروفیک مشتق از مغز یا BDNF کاهش می‌یابد. این فاکتور در تشکیل حافظه و یادگیری نقش دارد. سطح پایین BDNF با بیماری‌های عصبی نظیر فراموشی و آلزایمر، همراه است.

همانطور که مطالعات نشان می‌دهد، هرگونه قند و شکر اضافی در رژیم غذایی برای بدن مضر است. به جای مصرف قندهای مصنوعی و شکر، بهتر است میوه‌ها را جایگزین کرد. خوردن میوه‌ی تازه نیاز به قند را تامین کرده و همچنین فیبر، آنتی اکسیدان و مواد فیتوشیمیایی را وارد بدن می‌کند. مواد فیتوشیمیایی، اثرات منفی شکر را کم کرده و مانع بالارفتن قند خون می‌گردد.

Pexels

قند بالا رود، شیوع افسردگی نیز حدود ۲۳ درصد بالاتر می‌رود.

اثرات منفی شکر بر ظرفیت عروق

قند خون بالا، سلامت عروق را تهدید می‌کند. آسیب عروق خونی علت عمده‌ی بروز عوارض عروقی دیابت است که زمینه را برای مشکلات بعدی نظیر رتینوپاتی و آسیب عروق خونی چشم فراهم می‌کند.

مصرف مداوم گلوکز، ظرفیت روانی، حافظه، اعمال حرکتی و شناختی را کم می‌کند؛ همان گونه که سطح بالای HbA1c با کوچک شدن مغز در ارتباط است.

۵ خاصیت علمی و اثبات شده آب اسفناج

اسفناج یک منبع غذایی فوق العاده است. زیرا سرشار از ویتامین ها، مواد معدنی و آنتی اکسیدان های مختلف می باشد. علاوه بر این استفاده از آن در انواع خورش ها و سالادها محدودیتی ندارد. از طرفی مصرف آب اسفناج تازه روشی محبوبی برای لذت بردن از خواص این سبزی عالی است.

در حقیقت آب اسفناج با مجموعه ای از خواص ارتباط دارد. ما در ادامه به ۵ مورد از بهترین خواص آب اسفناج که توسط تحقیقات علمی معتبر در جهان اثبات شده اند، اشاره می کنیم.

خواص آب اسفناج سرشار از آنتی اکسیدان ها است

Pexels

نوشیدن آب اسفناج یک راه عالی برای مصرف آنتی اکسیدان های مفید و مهم برای بدن است. آنتی اکسیدان ها مولکول های ناپایداری به نام رادیکال های آزاد را خنثی می کنند. بنابراین قادرند از بدن در برابر استرس اکسیداتیو و بیماری های مزمن محافظت کنند. به طور خاص اسفناج منبع خوبی برای تامین آنتی اکسیدان هایی مانند لوتئین، بتا کاروتن، اسید کوماریک، ویولاکسانتین و اسید فرولیک است.

طبق نتایج یک مطالعه کوچک ۱۶ روزه که بر روی ۸ نفر انجام شد؛ نوشیدن ۸ اونس (۲۴۰ میلی لیتر) آب اسفناج در روز از آسیب اکسیداتیو وارده به DNAهای بدن جلوگیری می کند. مطالعات حیوانی نیز یافته های مشابه ای را نشان داده و اذعان داشته اند که اسفناج برای جلوگیری از استرس اکسیداتیو مفید است.

ممکن است سلامت چشم را بهبود بخشد

آب اسفناج حاوی لوتئین و زاکزانتین است. این دو ماده دو ترکیب آنتی اکسیدانی مفید برای قدرت بینایی ما هستند. برخی تحقیقات حاکی از این هستند که این ترکیبات در برابر دژنراسیون ماکولا وابسته به سن از چشم ها محافظت می کنند. دژنراسیون ماکولا بیماری شایعی است که می تواند باعث از بین رفتن تدریجی قدرت بینایی شود.

مروری بر شش مطالعه نشان داد که افزایش مصرف زیگزانتین و لوتئین، خطر ابتلا به آب مروارید را کاهش می دهد. آب مروارید نیز یک بیماری چشمی است که در آن لنز چشم تار می شود. از این گذشته آب اسفناج حاوی ویتامین A است که برای سلامت چشم های بسیار مهم و مفید می باشد. کمبود این ویتامین می تواند باعث خشکی چشم و شب کوری شود. اگرچه مقدار دقیق این ویتامین، بستگی به مقدار اسفناجی دارد که آبگیری می کنید، اما هر ۴ فنجان (۱۲۰ گرم) اسفناج خام به طور کلی حدود ۱ فنجان (۲۴۰ میلی لیتر) آب تولید می کند. این مقدار آب اسفناج تقریبا ۶۳ درصد از نیاز روزانه بدن به ویتامین A را تأمین می کند.

آب اسفناج ممکن است رشد سلول های سرطانی را کاهش دهد

اگرچه به تحقیقات انسانی بیشتری برای تایید این فرضیه نیاز است، اما مطالعات نشان داده اند که برخی از ترکیبات موجود در اسفناج ممکن است به کاهش رشد سلول های سرطانی کمک کنند.

در یک مطالعه ۲ هفته ای که بر روی موش ها انجام شد؛ مصرف آب اسفناج میزان تومورهای سرطانی روده بزرگ را ۵۶ درصد کاهش داد. یک مطالعه حیوانی دیگر نیز نشان داد که مونوگالاکتوزیل دیسیلیل گلیسرول (MGDG) که یکی از ترکیب موجود در اسفناج است، اثرات پرتودرمانی را برای از بین بردن سلول های سرطانی لوزالمعده افزایش می دهد.

علاوه بر این مطالعات انسانی حاکی از آن هستند که خوردن سبزیجات برگدار و سبز خطر ابتلا به سرطان ریه، پروستات، پستان و کولورکتال را کاهش می دهد. با این وجود این مطالعات بیشتر به جای مصرف آب اسفناج، به طور خاص بر روی مصرف سبزیجات برگدار و سبز متمرکز بوده اند. بنابراین برای تایید این نظریه، به مطالعات اضافی نیاز داریم.

دیده شده است که فشار خون را کاهش می دهد

آب اسفناج حاوی نیترات های طبیعی است. نیترات نوعی ترکیب طبیعی است که می تواند به گشاد شدن رگ های خونی کمک کند. گشاد شدن رگ های خونی نیز به نوبه خود می تواند فشار خون را کاهش داده و جریان خون را تقویت کند. یک مطالعه ۷ روزه که بر روی ۲۷ نفر انجام شد نشان داد که خوردن سوپ اسفناج به صورت روزانه باعث کاهش فشار خون و سفتی شریانی در مقایسه با گروه کنترل می شود.

در یک مطالعه کوچک دیگر نیز که در آن ۳۰ نفر از اسفناج غنی از نیترات استفاده کرده بودند مشخص شد که فشار خون سیستولیک شرکت کنندگان بعد از مصرف این ماده کمتر می شود و وضعیت اکسید نیتریک بدنشان بهبود پیدا می کند.

یک فنجان (۲۴۰ میلی لیتر) آب اسفناج همچنین بیش از ۱۴٪ از نیاز روزانه بدن به پتاسیم را تامین می کند. پتاسیم ماده معدنی است که با کنترل میزان سدیم دفع شده از طریق ادرار، در تنظیم فشار خون نقش دارد.

ممکن است باعث تقویت مو و بهبود سلامت پوست شود

آب اسفناج منبع بسیار خوبی برای تامین ویتامین A مورد نیاز بدن است. تقریباً ۶۳٪ از نیاز روزانه بدن به این ویتامین در هر ۱ لیوان (۲۴۰ میلی لیتر) آب اسفناج وجود دارد. این ویتامین به تنظیم سلول های پوستی کمک کرده و مخاطی را که برای محافظت از بدن در برابر عفونت ها لازم است را تولید می کند.

یک فنجان (۲۴۰ میلی لیتر) آب اسفناج همچنین حاوی حدود ۳۸٪ از نیاز روزانه بدن به ویتامین C است. ویتامین سی یک ویتامین محلول در آب است که به عنوان یک آنتی اکسیدان در بدن عمل می کند.

مطالعات نشان داده اند که ویتامین C از پوست در برابر استرس اکسیداتیو، التهاب و آسیب پوست محافظت می کند. همه این نشانه ها می توانند علائم پیری را تسریع کنند. علاوه بر این ویتامین C، به سنتز کلاژن کمک می کند. کلاژن پروتئینی است که بافت های همبند را تشکیل داده و باعث بهبود زخم و خاصیت کشسانی پوست می شود.

از این گذشته ویتامین C باعث افزایش جذب آهن و حتی جلوگیری از ریزش مو مرتبط با کمبود آهن می شود.

عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی:

برای تعیین قهرمان لیگ فوتبال مانند فرانسه یا هلند عمل کنیم

● حسن روحانی: بازگشایی ورزشگاه‌ها با آرامش و پلکانی خواهد بود.

نایب رئیس فراکسیون ورزش مجلس شورای اسلامی می‌گوید، این روزها در مورد برگزاری یا عدم برگزاری رقابت‌های لیگ برتر فوتبال باشگاه‌های ایران اظهار نظرهای مختلفی می‌شود. از نظر من فدراسیون فوتبال و وزارت ورزش در این‌باره چند انتخاب دارند.

علی اصغر یوسف نژاد گفته: یکی از این گزینه‌ها انجام مسابقات بدون حضور تماشاچی در هفته‌های آینده است. اما درخواست سیزده باشگاه حاضر در لیگ برتر فوتبال کشور، لغو کامل بازی‌هاست. بنابراین فدراسیون فوتبال باید از مسئولان باشگاه‌ها دعوت کنند در جلسه‌ای حضور پیدا کنند و نظرات آنها را بشنود سپس تصمیم بگیرد.

یوسف نژاد که عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی هم هست پیشنهاد کرده؛ یک گزینه این است که مانند فرانسه پیش از خاتمه مسابقات لیگ آن کشور، قهرمان لیگ تعیین گردد. در ایران هم می‌توانیم همانگونه عمل کنیم. تیم پرسپولیس قهرمان معرفی شود و تیم‌های سپاهان، استقلال و تراکتورسازی نیز اجازه شرکت در لیگ قهرمانان آسیا را پیدا کنند. در چنین صورتی، تیم‌های پیکان و شاهین بوشهر به لیگ دسته اول سقوط خواهند کرد و تیم‌های مس کرمان و مس رفسنجان به لیگ برتر می‌پیوندند.

به گفته یوسف نژاد، روش دیگر تقلید از کشور هلند است. در لیگ هلند که نه قهرمان لیگ معرفی شده و نه تیمی به دسته پایین‌تر سقوط کرده و در صورت دنباله‌روی از این روش، چهار تیم اول جدول رده‌بندی مسابقات هم در لیگ آسیا می‌توانند بازی کنند.

در همین حال باشگاه پرسپولیس با صدور بیانیه‌ای اعلام کرده: پرسپولیس به همراه هواداران خود که بخش بزرگی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد، کماکان معتقد به ادامه بازی‌های باقیمانده لیگ نوزدهم با رعایت نکات بهداشتی در هر زمان، به هر شکلی و با هر شرایطی که قابل انجام باشد است. ضمن آنکه با رها کردن بازی‌ها به صورت نیمه‌کاره کاملا مخالف است.

همزمان با آغاز بحث‌های مربوط به نحوه اجرای مسابقات باقیمانده لیگ فوتبال ایران، حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی روز یکشنبه اعلام کرد: اماکن ورزشی بدون تجمع می‌توانند بازگشایی شوند. سخنان روحانی درواقع بدین معناست که مسابقه‌ها و تمرینات باید بدون تماشاچی انجام گیرد.

وی افزود: شروع دوباره فعالیت‌های ورزشی در ورزشگاه‌ها خیلی با آرامش و پلکانی خواهد بود. او یادآور شد که فراموش نکنیم که کرونا همچنان هست حتی ممکن است روزی به اوج برسد.

مژده آنگلا مرکل به دوستداران فوتبال:

آغاز بوندس لیگا در روزهای آینده

● آنگلا مرکل که خود فیزیکدان است و از روز اول شیوع کُرونا بی‌درنگ دانشمندان و ویروس‌شناسان و نهادهای علمی مانند «انستیتو کُخ» را به مشاوره فرا خواند، به خاطر مدیریت بحران کُرونا در این کشور به «صدای خرَد» معروف شده است. مرکَل از بازگشایی دانشگاه‌ها برای ترم تابستانی نیز خبر داد و تصمیم‌گیری‌های مشخص در کاهش محدودیت‌های موجود را بر اساس شرایط و در چارچوب تصمیمات کلان دولت، بر عهده‌ی مسئولان هر کدام از ایالت‌های این کشور گذاشت.

● بوندس لیگا، اولین لیگ برتر اروپاست که بعد از همه‌گیر شدن بیماری کُرونا فعالیت خود را از سر می‌گیرد.

آنگلا مرکل در کنفرانس خبری روز ۶ مه ۲۰۲۰ که طی آن کاهش محدودیت‌ها را در این کشور اعلام کرد

صدراعظم آلمان روز چهارشنبه به مردم آن کشور گفت: در کنترل ویروس کرونا موفق بوده‌ایم و به را به مشاوره فرا خواند، به خاطر مدیریت بحران کرونا در این کشور به «صدای خرَد» معروف شده است. مرکل از بازگشایی دانشگاه‌ها برای ترم تابستانی نیز خبر داد و تصمیم‌گیری‌های مشخص در کاهش محدودیت‌های موجود را بر اساس شرایط و در چارچوب تصمیمات کلان دولت، بر عهده‌ی مسئولان هر کدام از ایالت‌های این کشور گذاشت.

صدراعظم آلمان همچنین تأکید کرده که شانزده ایالت این کشور در توافقی که با دولت فدرال داشته‌اند، در مورد زمان و نحوه شروع فعالیت‌ها محدودیت‌ها که موجب کاهش ابتلا و تعداد مرگ و میر در آن کشور شده تشکر کرد و از آنها خواست همچنان به توصیه‌های بهداشتی برای پیشگیری از شیوع این ویروس هولناک عمل کنند.

و اما رقابت‌های فوتبال باشگاه‌های آلمان که از جالب‌ترین مسابقات لیگ‌های اروپاست در پنجاه روز گذشته تعطیل بوده اما حالا دولت اجازه داده این بازی‌ها در مرحله نخست از ده روز دیگر و بدون تماشاگر آغاز شود.

شرط انجام لیگ هم این است همین دلیل فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، کسب و کار و حتی بوندس لیگا، مسابقات فوتبال باشگاه‌ها به زودی شروع خواهد شد.

تیم‌های مختلف آلمان تمرین‌های خود را آغاز کرده‌اند؛ تیم بایرن مونیخ؛ ۵ مه ۲۰۲۰

آلمان که در مقابله با کووید۱۹ از بریتانیا، ایتالیا، اسپانیا و فرانسه بهتر عمل کرده و با توجه به جمعیت ۸۵ میلیونی آن، تعداد مرگ و میر کمتری دارد، این روزها کاهش محدودیت‌های کُرونا را شروع کرده است.

آنگلا مرکل که خود فیزیکدان است و از روز اول شیوع کُرونا بی‌درنگ دانشمندان و ویروس‌شناسان و نهادهای علمی مانند «انستیتو کُخ» در بخش‌های مختلف تصمیم خواهند گرفت.مرکل اما یادآور شده که ایالت‌های این کشور در صورت بازگشت ویروس کُرونا می‌توانند از «ترمز اضطراری» که به معنای بازگرداندن محدودیت‌هاست استفاده کنند. یکی از تصمیمات کلان دولت این است که اگر شمار مبتلایان از پنجاه تن در صدهزار نفر بیشتر شود، می‌بایست محدودیت‌ها در ایالت مربوطه دوباره اجرا شود.

وی در سخنرانی خود که روز چهارشنبه ۶ آوریل ایراد کرد، از شهروندان آلمان برای رعایت که بازیکنان تیم‌ها پیش از شروع مسابقات، حداقل چهارده روز در اردوی قرنطینه تمرین کرده باشند. تصمیم نهایی در مورد تاریخ دقیق شروع رقابت‌های بوندس لیگا در روزهای آخر این هفته گرفته می‌شود.

به این ترتیب، بوندس لیگا، اولین لیگ برتر اروپاست که بعد از همه‌گیر شدن بیماری کُرونا فعالیت خود را از سر می‌گیرد.

از بین ۱۷۲۴ آزمایش کُرونا که از بازیکنان لیگ برتر و دسته اول فوتبال آلمان گرفته شده، ده نفر حامل این ویروس بوده‌اند.

رایزنی برای ساخت تبلت توسط وزارت ارتباطات برای دانش‌آموزان فاقد موبایل و سیم‌کارت!

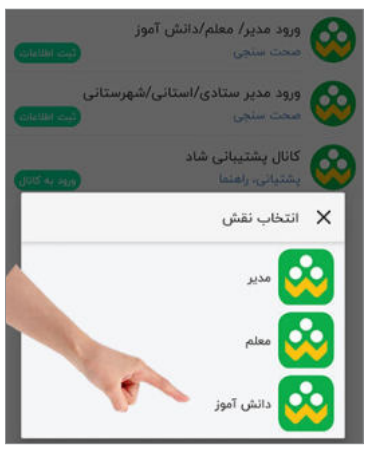

● قائم مقام وزارت آموزش و پرورش: «در جایی که امکان اتصال اینترنت را نداریم از امکانات شبکه‌های استانی و محلی بهره می‌بریم و هرجا منطقه سفید است امکان برگزاری حضوری کلاس با رعایت پروتکل‌های بهداشتی در مناطق روستایی در حال انجام است.»

● الهیار درباره چگونگی آموزش به دانش آموزانی که به گوشی هوشمند و اینترنت دسترسی ندارند، اظهار داشت: «کماکان امکان استفاده از روش‌های مختلف آموزش چون آموزش تلویزیونی، ارسال درسنامه و... برای کسانی که امکان دسترسی به شبکه شاد را ندارند، وجود دارد.»

وزارت آموزش و پرورش می‌گوید مشغول رایزنی با وزارت ارتباطات و فناوری است تا برای دانش‌آموزان محروم از درس که گوشی موبایل ندارند، تبلت بسازند! وزارتخانه آموزش و پرورش این پیشنهاد را برای اجرا در سال تحصیلی آینده و در شرایط تداوم ویروس کُرونا داده است.

اپلیکیشن مدرسه شاد با همکاری همراه اول و دانشگاه «صنعتی شریف» راه‌اندازی شده است

وعده‌های راه و بیراه وزارت ارتباطات و فناوری از جمله اهدای اینترنت رایگان برای دانش‌آموزان و دانشجویان در حالی هنوز تحقق پیدا نکرده که وزارت آموزش و پرورش می‌گوید برای ساخت تبلت‌های دانش‌آموزی با این وزارتخانه مشغول رایزنی است.

علی الهیار ترکمن قائم مقام وزیر آموزش و پرورش با اشاره به «مشکل نداشتن گوشی هوشمند» برای تحصیل از راه دور یا همان «مدارس شاد»، تأکید کرد که «باید در درازمدت حل شود.»

وی درباره طرح پیشنهادی به وزارت ارتباطات اظهار داشت: «با وزارت ارتباطات صحبت‌هایی برای ساخت و واگذاری تبلت‌های دانش آموزی انجام شده است تا اگر سال آینده هم به علت کُرونا این وضعیت ادامه یابد از تبلت‌های دانش آموزی استفاده شود. تلاش می‌کنیم این امکان را حتی برای شرایط پس از کرونا داشته باشیم.»

معاون برنامه‌ریزی و توسعه منابع وزارت آموزش و پرورش گفته است: «اگر مسائل اجرایی را مدیریت کنیم پیش‌بینی می‌کنیم بالای ۸۵ درصد دانش آموزان بتوانند از شبکه شاد استفاده کنند.»

نکته قابل توجه اینجاست که بسیاری از دانش‌آموزان با مشکل نداشتن سیم‌کارت برای شرکت در کلاس‌های درس مواجهند و هنوز وزارت ارتباطات و فناوری وعده اهدای سیم‌کارت رایگان به آنان را اجرا نکرده است.

الهیار ترکمن معاون برنامه‌ریزی و توسعه منابع وزارت آموزش و پرورش اما می‌گوید «وزارت ارتباطات مشکلی برای طراحی و ارائه سیمکارت دانش آموزی ندارد اما برای ما بیشتر وسیله و ابزار مهم است.»

به گفته‌ی وی، «اگر از بابت ابزار خیالمان راحت باشد و بدانیم همه دانش‌آموزان ما به تبلت و گوشی هوشمند دسترسی پیدا کرده‌اند احتمالش هست که شبکه شاد از طریق سیمکارت دانش آموزی قابلیت ورود و استفاده داشته باشد.»

آنگونه که الهیار ترکمن درباره وضعیت دانش‌آموزان در مناطق سفید بیان داشت: «در جایی که امکان اتصال اینترنت را نداریم از امکانات شبکه‌های استانی و محلی بهره می‌بریم و هرجا منطقه سفید است امکان برگزاری حضوری کلاس با رعایت پروتکل‌های بهداشتی در مناطق روستایی در حال انجام است.»

الهیار درباره چگونگی آموزش به دانش آموزانی که به گوشی هوشمند و اینترنت دسترسی ندارند، اظهار کرد: «کماکان امکان استفاده از روش‌های مختلف آموزش چون آموزش تلویزیونی، ارسال درسنامه و... برای کسانی که امکان دسترسی به شبکه شاد را ندارند، وجود دارد.»

به گفته‌ی وی، هنوز زمان ثبت‌نام مدارس غیردولتی نیز مشخص نشده و «در سازمان مدارس غیردولتی مطرح و در دست پیگیری است. اگر شروع سال تحصیلی با مصوبه ستاد کرونا همانند روال قبل باشد، پیش ثبت نام نیز باید در روال خودش انجام شود. اما هر تغییری صورت بگیرد آنها که مسئولیت مدارس غیردولتی را دارند باید متناسب با خدمات ارائه شده، پولی را دریافت کنند.»

با تصمیم فیفا تعداد تعویض‌های هر بازی فوتبال به پنج می‌رسد

● فیفا به دنبال آن است تا برای حفظ سلامت بازیکنان فوتبال تعداد تعویض‌ها در هر بازی را پس از دوران کُرونا بیشتر کند.

کریستیانو رونالدو در یوونتوس

فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) قصد دارد پس از پایان بحران کُرونا و آغاز مجدد مسابقات فوتبال، تعداد تعویض‌های هر تیم در وقت قانونی را از سه تعویض به پنج تعویض افزایش دهد و یک تعویض نیز در وقت اضافه وجود داشته باشد.

گفته می‌شود این طرح موقت است و هدف از اجرای آن حفظ سلامت بازیکنان است تا آنها به دلیل انجام مسابقات زیاد در یک دوره زمانی کوتاه دچار آسیب نشوند و همچنین تیم‌ها نیز بتوانند از بازیکنان بیشتری استفاده کنند و بازیکنان حرفه‌ای ذخیره نیز فقط روی نیمکت ننشینند.

هنوز این طرح تصویب نشده اما صورت تصویب آن هر تیم می‌تواند در طول مسابقه سه تعویض انجام دهند و دو تعویض دیگر باید در بین دو نیمه باشد تا مسابقه متوقف نشود.این طرح پیشنهادی در صورت به تصویب رسیدن، علاوه بر رقابت‌های امسال، شامل مسابقات فصل آینده یعنی مسابقات ۲۰۲۰-۲۰۲۱ را نیز خواهد شد.

این طرح به سود تیم‌هایی خواهد بود که بازیکنان ذخیره بهتری دارند که این امتیاز مستقیم به بودجه باشگاه‌ها وابسته است. تیم‌هایی که نیمکت‌نشینان آنها از نظر فنی و آمادگی جسمانی با بازیکنان اصلی فاصله دارند روزهای سخت‌تری پس از کُرونا خواهند داشت.

رویترز: ایران به شدت در حال ذخیره‌سازی میلیون‌ها تُن گندم، ذرت و سویا است

● عدم توانایی دولت ایران برای تامین نیازهای اولیه کشور در شرایط تشدید تحریم‌های آمریکا برای حکومت ایران یک خطر جدی به شمار می‌رود.
● سال ۲۰۱۹ توقف دست‌کم ۲۰ کشتی با بیش از یک میلیون تن غلات خارج از بنادر ایران نشان داد که ناتوانی تهران در تهیه کالاهای اساسی مردم تا چه اندازه برای برای حسن روحانی و حکومت مذهبی ایران مخاطرات سیاسی دارد.
● نایجل کوشنر مسئول دفتر حقوقی بریتانیایی «دبلیو. لگال»: «مسیرهای پرداخت هزینه‌ی کالاهای بشردوستانه از جمله مواد غذایی از سوئیس، اتحادیه اروپا و کشورهایی که دارایی‌های ایران را مسدود کرده‌اند- مانند کره جنوبی
● افزایش یافته و این روند می‌تواند ادامه داشته باشد.»

در ایران سرپرست معاونت امور زراعت وزارت جهاد کشاورزی از اقداماتی برای مقابله با تاثیرات ویروس کُرونا بر تولید محصولات زراعی خبر داد

شماری از مقامات ایران و تجار به خبرگزاری رویترز گفته‌اند ایران به شدت تلاش می‌کند میلیون‌ها تُن گندم، ذرت و دانه سویا برای ذخیره خریداری کند. این در حالیست که حسن روحانی رئیس‌جمهوری اسلامی ایران می‌گوید این کشور با وجود بحران کُرونا با خطر کمبود مواد غذایی روبرو نیست.

روحانی فروردین ۹۹ در سخنرانی خود در مجلس که از تلویزیون پخش می‌شد اطمینان داد با توجه به اینکه ویروس در بخش کشاورزی شیوع پیدا نکرده مردم ایران تا پایان سال ۱۳۹۹ (مارس ۲۰۲۱) با کمبود مواد غذایی روبرو نخواهند شد.

اما تلاش‌های شدید ایران برای خرید غلات که تا کنون گزارش نشده بود نشان از نگرانی مقامات این کشور از احتمال کمبود مواد غذایی تحت تاثیر دشوار شدن واردات از طریق فروشندگان بین‌المللی به دلیل شیوع ویروس کُرونا دارد.

به نوشته‌ی رویترز، ایران بجای اعلام مناقصه‌های خرید بین‌المللی برای خرید مواد غذایی در بازار جهانی بطور مستقیم با تولیدکنندگان کوچک‌تر قرارداد می‌بندد.

دفتر حسن روحانی و دفتر سخنگوی دولت از پاسخ به رویترز در این زمینه خودداری کرده‌اند.

یک مقام ارشد وزارت کشاورزی که به دلیل حساسیت این موضوع حاضر نشد نامش در گزارش فاش شود به خبرگزاری رویترز گفته است ایران تا پایان سال خورشیدی به واردات حداقل ۴ میلیون تُن گندم، ۵/۱ میلیون تُن جو، ۷۰۰ هزار تُن شکر خام و ۴ تا ۵ میلیون تُن ذرت نیاز دارد.

این منبع افزود این ارقام به دلیل شیوع کُرونا ممکن است تغییر کند و افزایش یابد و در صورت دشوارتر شدن وضعیت، واردات کالاهای اساسی غذایی را با مشکل روبرو کند زیرا در بحران کُرونا رقابت برای خرید اقلام اساسی در سطح بین‌المللی تشدید شده است.

غذا، دارو و سایر منابع بشردوستانه از جمله خوراک دام شامل تحریم‌های ایالات متحده نمی‌شود اما مقامات جمهوری اسلامی ایران می‌گویند با وجود تحریم‌ها بسیاری بانک‌های خارجی از معامله با شرکت‌ها و تجار ایرانی حتی در زمینه مواد غذایی خودداری می‌کنند.

رویترز نوشته تأثیر موانع مالی ناشی از تحریم‌ها بر قدرت خرید مواد غذایی توسط ایران در اواخر سال ۲۰۱۹ به وضوح خود را نشان داد وقتی‌که دست‌کم ۲۰ کشتی با بیش از یک میلیون تُن غلات به دلیل مشکل در پرداخت مبلغ خرید محموله‌ها، در خارج از بنادر ایران متوقف بودند.

این مورد به خوبی نشان داد عدم توانایی دولت ایران برای تامین نیازهای اولیه کشور در شرایط تشدید تحریم‌های آمریکا برای حکومت یک خطر جدی به شمار می‌رود.

این مورد همچنین نشان داد که ناتوانی تهران در تهیه کالاهای اساسی مردم تا چه اندازه برای برای حسن روحانی و حکومت مذهبی این کشور مخاطرات سیاسی دارد آنهم در شرایطی که فشارها علیه برنامه‌های اتمی و موشکی ایران از سوی دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا با شدت تمام ادامه دارد.

جمهوری اسلامی ایران پیش از این با چند موج اعتراضات سیاسی علیه سوء مدیریت اقتصادی، فساد گسترده و بیکاری روبرو بود.

رویترز نوشته، جمهوری اسلامی تحت فشار اقتصادی قرار دارد زیرا از بازارهای بین‌المللی سرمایه، عقب مانده است و با سقوط قیمت نفت با مشکلات مالی بیشتری روبروست.

موسسه «مالی بین‌المللی» در گزارش ماه ژانویه خود پیش‌بینی کرد که رکود اقتصادی ایران تشدید خواهد شد و ذخایر ارز خارجی این کشور تا ماه مارس تا حدود ۷۰ میلیارد دلار کاهش می‌یابد که کاهشی ۴۰ میلیارد دلاری در دو سال متوالی است.

یک منبع مطلع در زمینه تجارت مواد غذایی در خاورمیانه به رویترز می‌گوید «شرکت‌های بزرگ دیگر حاضر به معامله با ایران نیستند و این کشور روش جدیدی را در پیش گرفته است. شرکت‌های بزرگ به دلیل تاخیر در پرداخت مبلغ معاملات و معطلی طولانی در بنادر تمایلی به معامله با ایران ندارند». از این رو ایران به دنبال معامله با شرکت‌های کوچک خصوصی است.

این منبع افزوده اکنون مقامات ایران وعده داده‌اند به محض عبور محموله از کانال سوئز ۹۰ درصد مبلغ معامله را پرداخت خواهند کرد. این برخلاف گذشته است که معمولا بانک‌های ترکیه این معاملات را تضمین می‌کردند و اکنون بانک‌های روسیه، چین و کره جنوبی در این کار مشارکت دارند.

نایجل کوشنر مسئول دفتر حقوقی بریتانیایی «دبلیو. لگال» که موکلین آن در زمینه تجارت غلات با ایران فعال‌اند می‌گوید «مسیرهای پرداخت هزینه‌ی کالاهای بشردوستانه از جمله مواد غذایی از سوئیس، اتحادیه اروپا و کشورهایی که دارایی‌های ایران را مسدود کرده‌اند- مانند کره جنوبی- افزایش یافته و این روند می‌تواند ادامه داشته باشد.»

تجار اروپایی غلات نیز می‌گویند مقامات دولت ایران به آنها گفته‌اند پول فروش نفت که به شکل یورو به بانک‌های آسیایی واریز می‌شود اکنون به سوئیس منتقل شده و از این محل می‌توانند پول معاملات غلات را بپردازند.

مدیران شرکت‌های بزرگ اروپایی می‌گویند اگر پرداخت پول معاملات از سوئیس عملی شود آنها فروش انبوه به ایران را از سر خواهند گرفت.

ایران از بزرگترین مصرف‌کنندگان نان در جهان است و سالانه به حدود ۱۶ میلیون تُن گندم نیاز دارد. تخمین زده می‌شود که تولید داخلی گندم در سال جاری خورشیدی حدود ۱۴ میلیون تُن خواهد بود و دولت قرار است حدود ۵/۱۰ میلیون تُن از تولیدات داخلی را خریداری کند.

ولی منتقدان می‌گویند به دلیل سوء مدیریت و تعیین قیمت کمتر برای گندم داخلی، هر سال میزان خرید دولت کاهش یافته و در نتیجه ایران مجبور است بخش عمده از نیاز گندم خود را از خارج تامین کند.

رویترز به نقل از منابع آگاه نوشته است، بسیاری از کشاورزان گندم خود را به دامداران می‌فروشند تا از آن به عنوان خوراک دام استفاده کنند. قیمتی که دامداران پرداخت می‌کنند تقریبا دو برابر مبلغی است که دولت برای گندم به کشاورزان پرداخت می‌کند.

اینهمه در حالیست که علی خامنه‌ای در یک سخنرانی عنوان کرد ایران به خودکفایی در زمینه کشاورزی به‌خصوص تولید محصولات اساسی، همچون گندم، دانه‌های روغنی، گیاهان دارویی و آبزیان نیاز دارد.

موج دیگری از گرانی‌ها در ایران؛ از مواد غذایی تا حمل و نقل و اتومبیل!

● تفاوت قیمت برخی محصولات کشاورزی از مزرعه تا فروشگاه‌های پایتخت به ۶۰۰ درصد نیز می‌رسد.
● بر اساس لایحه بودجه هزینه تاکسی ۲۵ درصد و هزینه بلیت مترو و اتوبوس هم بین ۱۵ تا ۲۵ درصد افزایش خواهد یافت.

قیمت‌ها در ایران بار دیگر با افزایش روبرو شده است. قیمت مواد غذایی که هر ساله با شروع ماه رمضان افزایش می‌یافت، امسال نیز همراه با مصیبت کُرونا دچار جهش شده‌اند. قیمت اتومبیل نیز همچنان در مدار صعود قرار دارد و پراید به بیش از ۹۰ میلیون تومان رسیده است. افزایش هزینه حمل و نقل نیز بر قیمت اکثر کالاها و خدمات تأثیر گذاشته و موجب گسترده شدن موج گرانی شده است.

یکی از اقلامی که افزایش قیمت آن طی روزهای گذشته قابل توجه بوده میوه و سبزیجات است. گزارش‌ها حاکی از افزایش ۳۰ درصدی قیمت میوه و تره‌بار است بطوری که هندوانه که یکی از ارزان‌ترین میوه‌های این فصل است به بیش از چهار هزار تومان برای هر کیلو رسیده است.

روزنامه جهان‌صنعت در گزارشی درباره گرانی میوه می‌نویسد: «قیمت در بازار میوه دلیل خاصی ندارد و سهم زیادی از این افزایش در نبودن ساختار مناسب در بازار میوه، عدم نظارت بر زیاده‌خواهی برخی، وجود دلال‌ها و واسطه‌گری‌های چندلایه و از بین رفتن انصاف در برخی از فروشندگان است.»

این گزارش همچنین افزوده که قیمت‌ها در شهر تهران چند نرخی است و در مناطق مختلف قیمت‌ها متفاوت است: «در برخی مناطق از جمله منطقه ۱۹ تهران، قیمت‌ها در هفته‌های گذشته به شدت افزایش یافته است. این در حالی است که تفاوت بسیار زیادی بین قیمت‌های میدان مرکزی میوه و تره‌بار به عنوان گلوگاه و ورودی میوه سایر استان‌ها و تهران تا مراکز عرضه وجود دارد.»

اسدالله کارگر رئیس اتحادیه بارفروشان تهران دلیل افزایش بیش از اندازه قیمت در مغازه‌های سطح شهر تهران را گرانی در میدان مرکزی میوه و تره‌بار دانسته و گفته است: «قیمتی که دست مغازه‌داران می‌رسد، گران است وگرنه مغازه‌دار مجاز است تنها ۳۰ درصد گران‌تر از فاکتوری که خریداری کرده بفروشد.»روزنامه جهان صنعت در این گزارش نوشته که «تفاوت قیمت‌ها از سر مزرعه تا رسیدن به دست مصرف‌کننده بعضی مواقع بیش از ۳۰۰ درصد است. به عنوان مثال یک کشاورز پیازکار جنوب اعلام می‌کند که این محصول را سر مزرعه کیلویی ۵۰۰ تومان از آنها خریداری می‌کنند، در حالی که قیمت این محصول در بازار تهران ۲۵۰۰ تا سه هزار تومان است و این یعنی افزایش ۵۰۰ تا ۶۰۰ درصدی.»

همچنین قیمت دیگر مواد خوراکی نیز طی روزهای گذشته افزایش یافته چنانکه حبوبات ۳۰ درصد گرانتر و نان نیز در بسیاری از شهرها با افزایش قیمت روبروشده‌است.همچنین‌قیمت‌اتومبیل که از نیمه اسفند با وجود شیوع کرونا افزایش یافته بود در روزهای گذشته با موج تازه گرانی روبرو شده است. برای مثال قیمت اتومبیل پراید به عنوان یکی از ارزان‌ترین اتومبیل‌های کشور که در اسفندماه به ۷۰ میلیون تومان رسیده بود در روزهای گذشته ۹۰میلیون تومان رسید.از سوی دیگر هزینه تاکسی و هزینه باربری در هفته‌های گذشته افزایش یافته. رئیس کمیسیون حمل و نقل شورای شهر تهران گفته است: «بر اساس لایحه بودجه سال جاری حداکثر ۲۵ درصد به نرخ کرایه تاکسی‌ها اضافه خواهد شد. نرخ خدمات تاکسی‌ها در شب و شرایط خاص با نرخ خدمات در روزهای عادی اندکی متفاوت است اما نه به اندازه ی ۲۰ تا ۸۰ درصد. نرخ بلیت مترو و اتوبوس هم بین ۱۵ تا ۲۵ درصد افزایش خواهد یافت.»همچنین با توجه به زیان ۸هزار میلیارد تومانی بخش حمل و نقل زمینی کشور، روند افزایش هزینه حمل و نقل جاده‌ای نیز آغاز شده است.افزایش هزینه حمل و نقل، هزینه‌ی تولید کالا و خدمات را افزایش داده و در نتیجه موج دیگری از افزایش هزینه‌ها را به دنبال خواهد داشت.

«جهش تولید» با پراید ۹۰ میلیون تومانی؛ احتمال بازگشت «ارّابه مرگ» به چرخه تولید!

● قیمت «فروش فوری» این اتومبیل در وبسایت‌های فروش آنلاین ارزان‌تر از ۸۴ میلیون تومان نیست.
● افزایش قیمت پراید در سال «جهش تولید» موجب شده که مدیران شرکت اتومبیل‌سازی سایپا بازگشت پراید به چرخه تولید را احتمالی قوی ارزیابی کنند!

قیمت اتومبیل در ایران طی هفته‌های گذشته با وجود شیوع کُرونا و رکود بازار، به شدت افزایش یافته است. در این میان پراید ۱۳۲ و ۱۱۱ که تولید آن از چهارم اردیبهشت متوقف شده به ۹۰ میلیون تومان رسیده است.

اتومبیل پراید که ناامن‌ترین اتومبیل شناخته می‌شود، با فناوری بسیاری قدیمی، سهم بالایی در تصادف‌های جاده‌ای و مرگ و میر بر اثر تصادف دارد. گروه اتومبیل‌سازی سایپا در طول سال‌های گذشته بارها از توقف تولید محصولات خانواده پراید صحبت کرده اما هر بار به دلایلی این کار عملی نشد.

در آخرین برنامه‌ریزی این شرکت، چهارم اردیبهشت‌ماه جاری دو مدل پراید ۱۳۲ و ۱۱۱ از چرخه تولید خارج شد و گفته شد که پراید ۱۳۱ به عنوان آخرین مدل این خانواده تیرماه امسال از سبد محصولات سایپا خارج شده و پرونده تولید آن در ایران برای همیشه بسته می‌شود.

این در حالیست که همزمان با تند شدن شیب افزایش قیمت اتومبیل در کشور، قیمت پراید نیز در دو جهش، یکی در اسفندماه گذشته از حدود ۵۰ میلیون تومان به ۷۰ میلیون تومان رسید و در جهش بعدی طی روزهای گذشته به ۹۰ میلیون تومان رسیده است.

جالب اینکه قیمت «فروش فوری» این اتومبیل در وبسایت‌های فروش آنلاین ارزان‌تر از ۸۴ میلیون تومان نیست.

مقامات دولتی و اتومبیل‌سازان مدعی هستند که افسار بازار این روزها نه در دست تولیدکنندگان بلکه در دست کسانی است که اتومبیل‌ها را در پارکینگ‌های خود نگه داشته‌اند و هر گاه که امکانی بیابند با افزایش قیمت در بازار حاضر به فروش می‌شوند.

رضا رحمانی وزیر صنعت، معدن و تجارت نیز روز پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۹ با صدور دستور ویژه به رئیس سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، از مسئولان این سازمان خواست تا با توجه به وجود برخی قیمت‌های نامتعارف و فاصله‌دار نسبت به قیمت واقعی خودرو در بازار نسبت به قیمت کارخانه، با همه متخلفان این موضوع با جدیت تمام و قاطعانه برخورد و مراتب را مستمرا به مردم اطلاع‌رسانی کنند.

این در حالیست که وزارت صنعت، معدن و تجارت مسئول مستقیم افزایش قیمت اتومبیل در ایران است و باید پاسخگوی این سوداگری لگام‌گسیخته در بازار اتومبیل باشد. به ویژه آنکه موضوع افزایش قیمت تنها مربوط به پراید نمی‌شود و محصولات شرکت «ایران خودرو» به ویژه خانواده پژو نیز با افزایش قیمت مواجه شده بطوری که قیمت پژو ۲۰۶ تیپ ۲ مدل ۹۹ هم اکنون به ۱۴۵ میلیون تومان و تیپ ۵ آن نیز به قیمت ۱۷۰ میلیون تومان رسیده است.

افزایش قیمت فقط مربوط به ۲ اتومبیل‌ساز بزرگ «ایران خودرو» و سایپا نبوده و در دیگر محصولات داخلی و یا مونتاژ داخل نیز به چشم می‌خورد بطوری که هم‌اکنون قیمت مزدا ۳ که در آخرین روزهای اسفند ۹۸ حدود ۵۰۰ میلیون تومان بود امروز به ۶۳۰ میلیون تومان افزایش یافته است.

در آنسو به نظر می‌رسد افزایش قیمت پراید در سال «جهش تولید» موجب شده که مدیران شرکت اتومبیل‌سازی سایپا بازگشت پراید به چرخه تولید را احتمالی قوی ارزیابی کنند!

حسین کاظمی معاون بازاریابی و فروش سایپا گفته است: «جوّسازی و نقش‌آفرینی واسطه‌های بازار پس از توقف تولید دو مدل پراید باعث شد قیمت این خودرو در بازار آزاد به شکل غیرمنطقی افزایش پیدا کند. این در حالی است که در همه کشورها وقتی تولید یک محصول به دلیل فناوری قدیمی متوقف می‌شود، میزان استفاده و درنتیجه قیمت آن کاهش چشمگیر پیدا می‌کند. برخی از منتقدان تولید پراید، تغییر رویکرد داده و بیان می‌کنند که با خروج پراید، به‌عنوان ارزان‌ترین خودرو کشور، بخشی از جامعه توان خرید خودرو را از دست می‌دهد.»

حسین کاظمی افزوده است که «در روزهای اخیر پیشنهادهایی به سایپا برای عرضه دوباره این خودرو به منظور تنظیم بازار ارائه شده، تولید دو مدل پراید ۱۳۲ و ۱۱۱ متوقف شده، اما خط تولیدپراید ۱۳۱ برای انجام تعهدات قبلی همچنان فعال است و با افزایش ظرفیت آن و برای کاهش قیمت‌ها می‌توان عرضه پراید را از سر گرفت. تولید مجدد خودرو پراید مستلزم دریافت مجوزهای لازم از نهادهای ذیربط از جمله سازمان ملی استاندارد، سازمان محیط‌زیست و پلیس راهور است که در صورت صدور این مجوزها و اعلام وزارت صنعت، معدن و تجارت برای تنظیم بازار، سایپا آمادگی عرضه دوباره پراید را دارد.»

با اینهمه معاون نظارت بر اجرای استاندارد سازمان ملی استاندارد ایران روز پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۹ گفته که «بر اساس تصمیم شورای عالی استاندارد، تولید پراید باید متوقف شود و گروه خودروسازی سایپا نمی‌تواند تولید این خودرو را، هر چند به دلیل کاهش قیمت این خودرو در بازار آزاد، از سر بگیرد.»

با اینهمه نکته قابل توجه اینست که در روزهایی که سفره مردم روز به روز کوچکتر و قدرت خریدشان کمتر می‌شود، داشتن اتومبیل نیز به یکی از شاخص‌های زندگی لوکس تبدیل خواهد شد و بخش زیادی از مردم قادر به خرید اتومبیل نخواهند بود. این روند، شکاف طبقاتی در کشور را عمیق‌تر و احساس نارضایتی را به ویژه در میان جوانان افزایش خواهد داد.

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۱۶۸)

(کیهان لندن شماره ۱۳۴۹)

احمد احـرار

بازنشر

مسأله دیگری که در ابتدای مجلس پنجم رخ نمود و از شدت گرفتن کشمکش‌های سیاسی خبر می‌داد، اختلاف بر سر ادای سوگند بود.

یحیی دولت‌آبادی، داستان را بدین گونه حکایت می‌کند:

«قصهٔ مهمتری پیش می‌آید که مدتی مجلس را به خود مشغول می‌دارد درصورتی که در چهار مجلس پیش سابقه نداشته است. برحسب قانون نمایندگان مجلس شورای ملی بعد از گذشتن اعتبارنامهٔ آنها باید به قرآن سوگند یاد کنند که به قانون اساسی خیانت ننمایند.

در مجلس‌های پیش رسم این کار با تشریفاتی که دارد به‌طور عادی و بدون هیچ نظر مخالفی صورت می‌گرفته است اما در این مجلس، برای ادای این تکلیف محذوراتی در کار است، گرچه سبب اشکال برای همهٔ نمایندگان یکسان نمی‌باشد. در آغاز تأسیس اساس حکومت ملی که محمدعلی شاه قاجار بعد از مرگ پدرش با مشروطه مخالف شد و برای امضا کردن قانون اساسی حاضر نمی‌شد و کار به معارضه و مجادله کشید، در موقع صلح به این شرط راضی شد قانون مزبور را امضا کند که به‌موجب یک ماده، بقای سلطنت در خانوادهٔ او تثبیت گردد و این ماده متأسفانه جزو قانون اساسی شد.

بعد از خلع محمدعلی شاه که ملیّون قدرتی بسزا داشتند و می‌توانستند زمام کار ریاست عالی مملکت را به‌دست سزاوارترین اشخاص علماً و اخلاقاً بسپارند، تنها و تنها به رعایت قانون اساسی طفلی را که به‌گفتهٔ روزنامه‌نویسان خارج در آن عهد گریه می‌کرد و مادرش را می‌خواست سلطنت دادند.

سلطان احمدشاه تا صغیر بود نایب‌السلطنه‌های او که به‌موجب قانون اساسی به آن مقام رسیده بودند قانون را احترام می‌کردند. بعد از آن که خود متصدی امور سلطنت شد به‌ظاهر دم از قانون‌خواهی می‌زد بی آن که در واقع اهمیتی به آن بدهد چون که خود را بر مرکب آرزوها سوار می‌دید و معارضی در کار نبود. وقتی که حریفی مانند سردار سپه به‌میدان آمد از ترس تجاوز کردن او به حدود سلطنت او، خود اول طرفدار لزوم رعایت حدود قانون اساسی گشت درصورتی که بواسطهٔ سست‌عنصری و طمعکاری که دارد، تجددخواهان مملکت به او و بساطش علاقه ندارند و قطع دارند با وجود او و وجود رجال کم‌جرأت محافظه‌کار که اطراف او هستند، دولت یک قدم هم رو به اصلاحات اساسی برنخواهد داشت و از این رو نمایندگان حقیقی ملت نمی‌خواهند به قانونی قسم بخورند که لازمه‌اش باقی بودن بر آن چیزی است که تاکنون بوده است و تصور می‌کنند مملکت باستانی آنها با عظمت تاریخی که دارد بیش از این نباید از قافلهٔ ترقی و تعالی ملل عقب بماند و اصلاحات اساسی را به‌دست هرکس بشود و بیگانه در آن دخالت نداشته باشد مغتنم می‌شمارند. دستهٔ دیگری هم هستند که این نظر اساسی را ندارند بلکه فقط چون می‌دانند سردار سپه هوای سلطنت در سر دارد و مانع او تنها یک ماده از قانون اساسی است محض اظهار تقرب به او از سوگند یادکردن بر حفظ قانون خودداری دارند. نگارنده نیز جزو اشخاصی است که در ادای این رسم تعلل دارد بی آن که نظر خصوصی به کسی یا به کار کسی داشته باشم زیرا سلطنت‌طلب نیستم و آرزو دارم روزی بیاید که ملت ما بتواند برای ریاست عالی خود از روی امتیاز فضلی و قابلیت ذاتی کسی را انتخاب نماید و تمام استعداد و قابلیت‌ها را برای رسیدن به آن مقام منیع تشویق کند و هم ملاحظه دارم مبادا در میان این کشمکش‌ها قانون اساسی پایمال شود.

به وطن‌دوستی سردار سپه اگر اطمینان باشد به اشخاصی که اطراف او را گرفته‌اند اعتمادی نیست. از طرف دیگر ملاحظه می‌شود برای خراب کردن بنیان‌های بدبختی که به‌دست پادشاهان عیاش بی‌علاقه به مملکت و رجال خودخواه بی‌لیاقت و روحانی‌نمایان طمّاع از خدا بی‌خبر برپا شده ملت را به روز سیاه خواری و ذلت نشانیده سرتاسر مملکت را به‌صورت ویرانه‌ای درآورده است یک بازوی قوی و یک ارادهٔ محکم لازم است که از یک طرف بدبخت‌کنندگان ملت را در هر کسوت بوده باشند به‌جای خود نشانیده آنها را به حساب و کتاب بخواند و از طرف دیگر معارف را وسعت داده مردان لایق برای امور کشوری و لشکری به‌اقتضای احتیاجات کنونی مملکت آماده سازد.

خلاصه در این اندیشه‌ها امرار وقت کرده نمی‌داند به چه صورت می‌تواند خود را از میان دو محذور درآورد. نه با قانون اساسی می‌شود بازی کرد چه، این شرط امانت و انصاف نیست و نه می‌شود دست روی دست گذارده همه را از قضا و قدر انتظار داشت و تنها به‌عنوان تجددخواهی و آزادی‌طلبی خشنود بود. در این صورت، اکنون که سردار سپه زمام قوای مملکت را در دست دارد و از درهم شکستن نفوذهای شخصی و جمعی خان‌خانان و پیشوایی مقدس روحانی باک ندارد باید او را تشویق و تقویت نمود تا بر مشکلات فائق آمده بتواند مانع‌های ترقی و تعالی ملک و مملکت را برطرف سازد.

روزی سردار سپه مرا طلبیده می‌گوید هیأت علمیه مجلس تازه رام شده و کارها دارد به جریان می‌افتد. فقط آنها از تعلل کردن یک عده از نمایندگان که ازجمله شما هستید در کار سوگند خوردن دلتنگ می‌باشند و تقاضا کرده‌اند از شما و از دیگر رفقای قسم‌نخورده بخواهم در ادای این رسم تعجیل نمایند که غائله برطرف شود.

جواب می‌دهم چون نمایندگی را پذیرفته‌ام ناچار باید وظایف و تشریفات آن را به‌جا بیاورم اما به شخص شما می‌گویم که اگر رفتم به کرسی خطابهٔ مجلس و قسم یاد کردم از حدود قانون اساسی تجاوز نکنم دیگر به کاری که مخالف این قانون باشد اقدام نخواهم کرد. سردار سپه با بشرهٔ برافروخته می‌گوید این چه حرفی است؟ امروز این اقتضا را دارد، رفتار می‌کنید، فردا هم هرچه اقتضا کرد همان را خواهید نمود. دیگران هم همین کار را می‌کنند.

فردای آن روز قسم یادنکردگان بعضی با یک توریه (= پرده‌پوشی) و بعضی به‌طور صراحت قسم یاد می‌کنند و این غائله هم رفع شده مجلس رسمیت می‌یابد و به‌کار می‌پردازد».

از طرف دیگر، در همان حال که مجلس پنجم عرصهٔ کشمکش طرفداران مدرس و هواخواهان سردار سپه بود، در خارج مجلس غوغای جمهوری‌خواهی برخاست و طرفداران جمهوری و مشروطه را به‌جان هم انداخت.

این غوغا، از رویدادی در کشور همسایه تأثیر می‌گرفت. درست در همان روز که احمدشاه عازم فرنگ شد و سردار سپه در مقام ریاست وزراء او را تا مرز بدرقه کرد (یازدهم بهمن ماه ۱۳۰۲) سلطان عبدالحمید پادشاه عثمانی از سلطنت کناره گرفت و نام کشور عثمانی به ترکیه تغییر کرد و ژنرال مصطفی کمال پاشا (آتاتورک) رئیس جمهوری شد.

از عجایب این که محمدحسن میرزا ولیعهد، بی‌تأمل تلگرافی مخابره کرد و به آتاتورک تبریک گفت.

عباس خلیلی در خاطرات سیاسی خود می‌نویسد «یکی از عجایب اتفاقات که حاکی از سوء سیاست و عدم لیاقت درباریان آن زمان بود این است که ولیعهد وقت، محمدحسن میرزا را وادار کردند که یک تلگراف تبریک به شخص آتاتورک مصطفی کمال مخابره کند و تبریک ریاست جمهوری را بگوید که خود آن اقدام یک نحو استحقاق عمل اعلان جمهوری در ایران بود. مثل این که وادار کرده بودند که ولیعهد گور سلطنت را به‌دست خود حفر کند که بعد از آن سخت پشیمان شده بود و در حین ملاقات نویسنده (خلیلی) عمل خود را تقبیح می‌کرد.

مصطفی کمال (آتاتورک)

اینک آن تلگراف نقل می‌شود: جناب غازی مصطفی کمال پاشا رئیس جمهوری ترکیه ـ به‌مناسبت اعلان جمهوری ترک و انتخاب آن جناب به‌ریاست جمهوری، در غیاب اعلیحضرت اقدس شهریاری تبریکات صمیمانهٔ خود را تقدیم آن جناب نموده شوکت دولت ترکیه را مسألت می‌نمایم ـ محمدحسن قاجار، ولیعهد ایران».

زمزمهٔ جمهوریخواهی در اوایل اسفندماه صورت جدی‌تری به‌خود گرفت و نظامیان که راه را برای حذف سلطنت و تصرف تمام قدرت هموار می‌دیدند فعالانه به تقویت آن پرداختند.

در همان حال که مجلس گرم رسیدگی به اعتبارنامه‌ها بود، طرفداران سردار سپه جمعی از محصلین مدارس سیاسی و حقوق و طب دارالفنون را به منزل رئیس دولت بردند و مخالفان سردار سپه در واکنش به این حرکت، جمعی دیگر از محصلین را در مخالفت با جمهوری بسیج کردند.

در بازار تهران نیز بین طرفداران و مخالفان جمهوری زد و خورد درگرفت و رئیس شهربانی، فوجی پاسبان پیاده و سواره را برای برقراری نظم اعزام کرد.

بهار می‌نویسد: «این واکنش‌ها پی‌درپی به‌وقوع می‌پیوست اما قوت و عظمتی نداشت و خطرناک نبود. اکثریت مجلس معتقد بود که با قدرتی که دارد به‌محض آمادگی و حاضر آمدن نصف به‌علاوهٔ یک نمایندگان، پیشنهاد تغییر رژیم را از مجلس خواهد گذراند». اما سیلی خوردن مدرس از احیاءالسلطنه بهرامی، فضای بحرانی را به فضای طوفانی تبدیل کرد.

تأملات بهنگام؛ در باب آن مرد مستطاب، نویسنده‌ی «کتاب مستطاب...»

آنچه موجب وحدت زلف پریشان آثار نجفَ دریابندری است، شخصیت مؤلف آنهاست. دریابندریَ انسانی یک بُعدی نبود که عمرش را صرف یکی دو کار و رشته‌ی مرتبط با هم کند و مثل بسیاری از به‌اصطلاح «ا سا تید » بی خا صیت دانشگاه، با تَتَبُّع در یک موضوع خاص، عمرش را به بطالت بگذراند و سر آخر هم از دنیا و مافیها طلبکار باشد. او برخلاف چنین جماعتی، در عین ذوق‌ورزی و تنوع‌طلبی، هر کاری که به دست می‌گرفت را چنان به انجام می‌رساند که تا کمال مطلوب، فاصله‌ای کوتاه داشت.

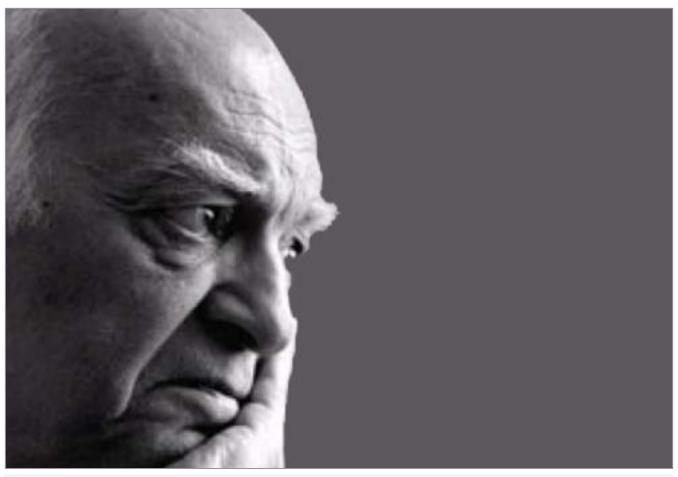

نجف دریابندری؛ انتشار «کتاب مستطاب...» در نیمه‌ی دوم دهه ۱۳۷۰ خورشیدی، به انحصار و یکه‌تازی طولانی کتاب رزا منتظمی پایان داد و همزمان، «معقولات» را وارد دنیای آشپزی فارسی‌زبانان کرد

یوسف مصدقی- یکشنبه گذشته، در نیمه راه اردیبهشت ۱۳۹۹ خورشیدی، نجف دریابندری، پس از چند سال سکوتِ ناشی از بیماری، به قول ابوالفضلَ بیهقی، «کارش به آخر آمد» و به طایفه «شدگان» پیوست. در این چند روزی که از مرگ او می‌گذرد، رفقا و ارادتمندان آن مرحوم مبرور، از ایشان ذکر خیر بسیار کردند و جملات باسمه‌ای و حرف‌های تکراری فراوانی در مناقب این مترجمِ مقاله‌نویسِ ویراستارِ طنازِ نقاشِ آشپز، در رسانه‌های جمعی و فضای مجازی پراکندند.

البته هیچ آدمیزاد عاقلی نباید مخالف نَقل مکرر فضائل فرهیختگان درگذشته باشد؛ چه این تکرار مکررات، نه‌تنها موجب آفت نیست، بلکه در کوتاه‌مدت، سبب اشاعه نام آن فقید سعید، بر زبان عوام و خواص جامعه می‌شود. و صد البته، اینگونه اشاعه، به هیچ وجه کمکی به شناخت شخصیت تازه‌درگذشته نمی‌کند و تنها چند روزی بهانه‌ای می‌شود برای وراجی‌ها و خودنمایی‌های همان و عوام خواصِ فوق‌الذکر. زشت‌تر آنکه، چندی پس از این ماجرا، با انتشار خبر مرگ آدم مشهور دیگری، نام متوفای جدید، به سرعت و به همان صورت، جای اسم مرحوم سابق را می‌گیرد و این رویه نامیمون ادامه می‌یابد. حال اگر نخواهیم به جرگه‌ی ورّاجان و خودنمایان بپیوندیم، بهتر است بجای تکرار مکررات، نگاهی به آثار شخصیت درگذشته بیاندازیم و بر مبنای آنها، فهم خود را از پدیدآورنده‌ی آن آثار، ارزیابی کنیم.

در مورد نجف دریابندی، این کاری است سهل و ممتنع. سهل است از این رو که تقریبا هر آنچه او نوشته یا ترجمه کرده، به فارسی روان و همه‌فهمی نوشته شده‌اند که «در عین حال»* فاخر و با صلابت هستند. ممتنع است، «از این لحاظ»* که تنوعی غریب دارند و سطح و عمق آنها به هیچ روی برابر نیستند. «به عبارت دیگر»*، اینهمه کتاب خواندنی که از فلسفه‌ی غربی تا فوت و فن آشپزی را در بر می‌گیرند، نه‌تنها تصویر یکدستی از بانی آنها به خوانندگان محترم ارائه نمی‌کنند بلکه ممکن است موجب این تصور شوند که مؤلف آنها، آدمی شلخته و دمدمی بوده که به هر چیزی نوکی زده و بدون ژرف‌اندیشی، سراغ عرصه‌ای دیگر رفته است. صاحب این صفحه‌کلید- که آنقدر بخت‌یار بوده که قریب به اتفاق آثار نجف دریابندری را خوانده (برخی را چند بار)- نه‌تنها او را متفننی سطحی ارزیابی نمی‌کند بلکه ایشان را در مجموع آدمی ژرف‌اندیش می‌داند که در طول عمر پربارش، هیچ کاری را سرسری نگرفت.

چون نیک بنگریم، آنچه موجب وحدتِ زلف پریشان آثار اوست، شخصیت مؤلف آنهاست. دریابندری انسانی یک بُعدی نبود که عمرش را صرف یکی دو کار و رشته‌ی مرتبط با هم کند و مثل بسیاری از به‌اصطلاح «اساتید» بی‌خاصیت دانشگاه، با تَتَبُّع در یک موضوع خاص، عمرش را به بطالت بگذراند و سر آخر هم از دنیا و مافیها طلبکار باشد. او برخلاف چنین جماعتی، در عین ذوق‌ورزی و تنوع‌طلبی، هر کاری که به دست می‌گرفت را چنان به انجام می‌رساند که تا کمال مطلوب، فاصله‌ای کوتاه داشت.

این کمال‌طلبی اما، نه او را به مرض وسواس دچار کرد و نه از او موجودی تلخ و منزوی ساخت. آدمی شاد و سرزنده بود که در عین سخت‌کوشی در کار و جدی گرفتنِ زندگی، در زیستن سختگیر نبود و همزمان، سرزندگی و طنازی‌اش را به تألیفات و ترجمه‌هایش سرایت می‌داد.

بارزترین صفت نجف دریابندری، خودآموختگی او بود. توان بالای او برای خودآموزی، به او آزادی عملی مثال‌زدنی بخشیده و باعث شده بود خارج از نظام بی‌انعطاف دانشگاهی، فاصله‌ی میان زندگی روزمره و فرآیند آموزش را از میان بردارد و این دو را بهم پیوند بزند.

«کتاب مستطاب آشپزی از سیر تا پیاز» نتیجه‌ی عالی و مثال‌زدنی چنین زیستنی است. شکل‌گیری تدریجی این کتاب مستطاب، حاصل سال‌ها زیستنِ توأم با خودآموزیِ دریابندری با همسرش فهیمه راستکار- آن صداپیشه‌ی کم‌نظیر- بود. اینکه زن و شوهری اهل ذوق و فرهنگ، میان همه‌ی کارهایشان، به تدریج گنجینه‌ای از دستورات غذایی را- همراه با زمینه، تاریخچه، مکتب، فلسفه، اقتصاد، فرهنگ و آدابِ دنیای بی‌انتهای آشپزی- فراهم آورند، جز از راه چنین زیستنِ خودآموزانه‌ای حاصل نمی‌شود.

تا پیش از انتشار «کتاب مستطاب...»، کتاب «هنر آشپزیِ» بانو رُزا منتظمی، یکه‌تاز عرصه‌ی آموزش آشپزی در زبان فارسی بود و تیراژش (چه رسمی و چه چاپ‌های مختلف بی‌مجوز) به قرآن و دیوان حافظ پهلو می‌زد. این کتاب برای چند دهه جزء اسباب و جهیزیه‌ی بیشتر نوعروسان طبقه‌ی متوسط ایران بود و نقشی انکارناپذیر در تدوین فرهنگ غذایی نوین در خانواده‌های ایرانی داشت.

کتاب بانو منتظمی اما چیزی جز مجموعه‌ی پر و پیمان و رنگارنگ از دستورات غذایی متنوع نبود که البته به برکت انقلاب نکبت‌بار بهمن ۵۷، مشمول ممیزی هم شده بود و یک‌شبه انواع اغذیه و اشربه‌ی حرام مندرج در آن یا حذف شده بودند و یا با بدیل حلال و شرعی‌شان، جایگزین شده بودند. از این رو، «هنر آشپزیِ» منتظمی، کتابی «خواندنی» نبود بلکه مثل اکثر قریب به اتفاق کتاب‌های آشپزی، مجموعه‌ای درجه یک از دستورالعمل‌های کارآمدی بود که نوآموزان این عرصه را به وقت ضرورت، مدد می‌رساند.

انتشار «کتاب مستطاب...» در نیمه‌ی دوم دهه ۱۳۷۰ خورشیدی، به انحصار و یکه‌تازی طولانی کتاب رزا منتظمی پایان داد و همزمان، «معقولات» را وارد دنیای آشپزی فارسی‌زبانان کرد. همانطور که پیش از این اشاره شد، «کتاب مستطاب...»، یک کتاب آشپزی صرف نیست بلکه مجموعه‌ای خواندنَی و طنازانه از باریک‌اندیشی‌های نویسنده و همکارش، در عالَم اغذیه است که میان تنوعی مثال‌زدنی از دستورات غذایی، آورده شده‌اند.

همچنانکه نجف دریابندری در پیش‌گفتار خواندنی «کتاب مستطاب...» ذکر کرده، مؤلف این کتاب، آشپزی را همزمان با نقاشی، در میانه‌ی دهه ۱۳۳۰ خورشیدی در اتاق شماره ۱۲ زندان شماره ۳ مجتمع زندان‌های قصرِ قجر، آغاز کرده بود. ممارست او در آشپزی اما پس از آزادی از زندان، ادامه یافت و منجر به فراهم آمدنِ یادداشت‌هایی شد که بنیان «کتاب مستطاب...» بر آنها قرار گرفته است. فکر نوشتن این کتاب هم در عالم مستی (یا به قول خودش در پیش‌گفتار: «... بطور ناهشیار یا نیمه‌هشیار»)، به سرش افتاد و محمد زهرایی مدیر «نشر کارنامه» پی آن را گرفت و طرح‌اش را چنان وسعت داد که از آن، دو جلد «کتاب مستطاب...» حاصل شد.

از موضوعات نغزی که در پیش‌گفتار «کتاب مستطاب...» به آن پرداخته شده، تکیه‌ی دریابندری بر «آموزشِ قریحه» است. او هوشمندانه بر این نکته دست می‌گذارد که استعداد صرف از هیچکس هنرمند نمی‌سازد. آنچه قریحه‌ی آشپزی را بدل به هنر آشپزی می‌کند، آموزش حواس بویایی، بینایی و چشایی آدم صاحب قریحه است. انسان با استعدادی که حواسش را آموزش ندهد، هیچ قوه‌اش به فعل در نمی‌آید چه رسد به اینکه در عرصه‌ای به مقام «هنرمندی» برسد. همچنانکه اگر کسی بینایی‌اش را آموزش ندهد و دیدن را یاد نگیرد، از تشخیص عکس ۴×۶ خودش هم ناتوان است.

صاحب این صفحه‌کلید- که خود آشپزی قابل است و بخش بزرگی از این قابلیت را از برکت خواندن معقولات «کتاب مستطاب...» دارد- بر این باور است که برای خواندن بسیاری از بخش‌های «کتاب مستطاب...» نیازی به ذوق و همت آشپزی نیست. لذت و بهره‌ای که خواندن حواشی و مقدمات این کتاب به خواننده‌اش می‌دهد، فرای پخت و پز است. راستش را بخواهید هنوز هم بسیار اتفاق می‌افتد که نگارنده برای مرور دستور یک غذا به «کتاب مستطاب...» مراجعه کند و بجای آن، برای مدتی طولانی، مشغول دوباره‌خوانی بخش‌هایی از حواشی نغز این کتاب شود.

نوآوری‌ها و باریک‌اندیش‌های دریابندری در «کتاب مستطاب...» فراوان است؛ برای نمونه، توضیح اصطلاح «بُن‌بریز کردن» در تهیه خورش‌های ایرانی- که با آن به زیبایی ترکیب پیاز داغ، زردچوبه و فلفل را توصیفَ می‌کند و این ترکیب را ویژگی ذاتی خورش ایران می‌داند- یا شرح مفصلی که از آداب سفره‌ی ایرانی عهد قاجار- و رقابتی که بر سر تقدم و تأخر قلیان کشیدن میان اعیان آن دوره در می‌گرفت و یک‌بار موجب ترک دودِ مستوفی‌الممالک شد- می‌دَهد، همَگی به یاد ماندنی هستند.

از «کتاب مستطاب...» که بگذریم، نگاهی به فهرست مطول و پر و پیمان آثار دریابندری، نکته‌ای دیگر را هم بر ما آشکار می‌کند. شما از هر فرقه و سلیقه که باشید، میان این تألیفات، حتما محبوبی را خواهید یافت که دلشادتان کند.

ادامه در صفحه ۱۷

داستان تلسکوپ‌های فضایی

تلسکوپ فضایی هابل، یکی از مهم‌ترین ابزارهای علمی ساخته دست بشر است. هیچ‌کس در این شک ندارد. نزدیک به ۴۰ سال است که بحث این تلسکوپ در جوامع علمی مطرح بوده و ۱۹ سال است که در مدار زمین قرار گرفته و به گردآوری اطلاعات می‌پردازد. هابل در این ۱۹ سال، تصاویر زیبایی را از نقاط دور و نزدیک عالم تهیه کرده است، از اجرام منظومه شمسی گرفته تا دورترین اجرام عالم که بیش‌از ۱۳ میلیارد سال نوری با ما فاصله دارند و بسیاری از این تصاویر در کیفیت و جذابیت بی‌نظیرند. اما از آن مهم‌تر، اطلاعاتی است که این رصدخانه فضایی در قالب‌هایی غیر از تصویر گردآوری می‌کند.

هابل در خارج جو زمین قرار گرفته، جایی‌که هیچ مانعی برای دریافت نورهای منتشرشده از اجرام کیهانی وجود ندارد و می‌توان با بررسی تمام آنها، اطلاعات کاملی از ساختار، ترکیب شیمیایی، دما، اندازه، سرعت و جهت حرکت، میدان مغناطیسی و دیگر ویژگی‌های فیزیکی و شیمیایی بدست آورد. همان‌طور که می‌دانید، جو زمین پوشش حفاظتی مناسبی را برای ادامه حیات روی زمین فراهم کرده و مانع از رسیدن پرتوهای پرانرژی و زیان‌باری چون گاما، ایکس و فرابنفش به سطح زمین می‌شود. اما این پوشش حفاظتی برای اخترشناسان و دانشمندانی که به اجرام ورای جو علاقمندند، مزاحمت ایجاد می‌کند.

چرا تلسکوپ فضایی؟

سال‌ها پیش، اخترشناسان ابزارهای علمی خود را به بالن می‌بستند و آن‌را رها می‌کردند تا به ارتفاع‌های بالای جو صعود کنند و به‌دور از مزاحمت، آسمان را در نور فرابنفش و ایکس و گاما بکاوند. این ابزارها عمر کوتاهی داشت و نمی‌شد از آنها برای مطالعات طولانی‌مدت سود جست.

از سوی دیگر، بشر توانست با استفاده از فناوری‌های جدید، تلسکوپ‌های بزرگ‌تر و مجهزتری بسازد و اجرام کم‌نورتر و دورتری را در آسمان مشاهده کند. اما پس‌از آن که تلسکوپ ۵متری پالومار افتتاح شد، مشکل رصدی دیگری خود را نمایان کرد. اغتشاش لایه‌های متعدد و مرتفع جو زمین سبب می‌شد در تلسکوپ‌های بزرگ‌تر از ۵متر، نتوان تصویری شفاف از اجرام آسمانی بدست آورد و این، دست‌یابی به تفکیک بالاتر و تهیه تصاویر پرکیفیت را با مشکل روبرو می‌کرد.

علاوه بر این، احداث رصدخانه‌های بزرگ هزینه هنگفتی به‌همراه داشت و برای بهترین استفاده از این سرمایه‌گذاری هنگفت، رصدخانه‌ها می‌بایست در بهترین نقاط رصدی زمین احداث می‌شدند. اما پیشرفت صنعتی و گسترش شهرها، مشکلات دیگری را با خود به همراه آورد. توسعه نیروگاه‌های تولید برق و استفاده گسترده از انرژی الکتریکی بخصوص برای روشنایی، زمینه‌ساز ظهور آلودگی نوری شد، طوری‌که حتی از فاصله‌های چند ده کیلومتری شهرهای بزرگ، هاله نوری که بر فراز شهر قرار داشت، تاریکی آسمان را تحت‌الشعاع قرار می‌داد.

همچنین، شرایط آب‌وهوایی زمین نیز مانع از آن می‌شد که بتوان هر زمانی به رصد پرداخت. معمولا نیمی از ۲۴ ساعت شبانه‌روز را نمی‌توان به‌واسطه روشنایی روز، رصد کرد و نیم دیگر نیز به‌شرطی برای رصد مناسب است که ماه در آسمان نباشد و هوا ابری نباشد و باد شدیدی نوزد. بنابراین زمان زیادی برای استفاده از تلسکوپ‌های بزرگ باقی نمی‌ماند و همین زمان اندک نیز باید به ارزشمندترین پروژه‌های رصدی اختصاص یابد.

اما دست‌یابی به فناوری فضایی و توانایی ارسال ابزارهای علمی به خارج از جو، این امکان را فراهم کرد که بتوان بر تمام این مشکلات غلبه کرد. در دهه ۱۹۷۰ / ۱۳۵۰، برخی دانشمندان به فکر استقرار تلسکوپی پیشرفته در خارج از مدار زمین افتادند.

پدر تلسکوپ‌های فضایی

اول بار، لیمان اسپیتزر بود که این پیشنهاد را مطرح کرد و با استقبال جامعه علمی آن روز روبرو شد. چنین تلسکوپی می‌توانست تمام امواج الکترومغناطیسی را دریافت و آن‌ها را تحلیل کند. اما از آن مهم‌تر، عدم وجود مشکلات جوی برای این ابزار بود که دو مزیت مهم به‌همراه داشت؛ نخست دست‌یابی به نهایت کیفیت و شفافیت تصویر و دوم، استفاده از تمام زمان موجود برای رصد اجرام سماوی. در خارج جو زمین، آسمان همیشه تاریک است و تنها در مناطق نزدیک خورشید است که روشن به‌نظر می‌رسد.

پیشنهاد شد با توجه به ظرفیت‌های عالی این تلسکوپ و هدف از ساخت آن که شناخت بهتر عالم است، این تلسکوپ به افتخار ادین هابل نامگذاری شود و بدین ترتیب، داستان چهل ساله تلسکوپ فضایی هابل رقم خورد.

طراحی این تلسکوپ در دهه ۱۹۷۰ و با مشارکت سازمان فضایی ایالات متحده (ناسا)، آژانس فضایی اروپا (اسا) و سازمان فضایی کانادا آغاز شد. قرار شد این تلسکوپ طوری طراحی شود تا هر چند سال یک‌بار، بتوان با استفاده از شاتل‌های فضایی (که آن زمان در دست ساخت بود) به آن سفر کرد، قطعات معیوب احتمالی را تعمیر کرد و تجهیزات علمی آن را با نمونه‌های بهتری که از جدیدترین فناوری‌های بشر بهره می‌برند، جایگزین کرد. این‌چنین، تلسکوپ می‌توانست هم عمری طولانی داشته باشد و هم از آخرین دستاوردهای فناوری بشری برای اکتشافات بهتر استفاده کند.

در نهایت، تلسکوپ هابل با آینه‌ای ۲۴۰ سانتی‌متری و ابزارهای علمی فراوان در سال ۱۳۶۹ سوار بر شاتل فضایی آتلانتیس در مدار زمین قرار گرفت و کار خود را آغاز کرد. هرچند که این تلسکوپ در ۱۹ سال اخیر با فراز و نشیب‌های فراوانی روبرو شد و بیش‌از ۶ میلیارد دلار هزینه برداشت، اما بی‌تردید می‌توان گفت هابل ارزش همه این‌ها را داشت. این تلسکوپ درحالتی که تمام ابزارهایش فعال باشند، هر روز بیش از ۱۰ گیگابایت اطلاعات به زمین مخابره می‌کند که حدود ۳ دی.وی.دی را پر می‌کند.

داخل یا خارج جو؟ مساله این است!

اما با گذشت زمان، رصدخانه‌های زمینی نیز پیشرفت کردند. تلسکوپ‌های جدیدتر از آینه‌های بزرگ‌تر از ۶٫۵ متر استفاده می‌کردند و از آن مهم‌تر، این‌که پژوهشگران توانسته بودند روش‌هایی برای برطرف کردن اثر اغتشاش‌های جوی پیدا کنند. در این روش‌ها که اپتیک سازگار و اپتیک فعال نام گرفته، کارشناسان از آینه‌های انعطاف‌پذیری استفاده می‌کنند تا اثر معکوس اختلالات جوی را روی آینه اعمال کنند و تصویری بدست آورند که گویی از فضای خارج از جو زمین تهیه شده است.

این پیشرفت‌ها که در دهه اخیر بدست آمده، سبب شده است کیفیت تصاویر رصدخانه‌های زمینی با تلسکوپ فضایی هابل برابری کند. از آن‌جا که رصدخانه‌های زمینی به آینه‌های ۸متری و بزرگ‌تر مجهزند، اجرام بسیار کم‌نورتری را می‌توانند ببینند و علاوه بر آن، جزئیات بیشتری را نسبت به هابل به‌تصویر بکشند. اما هابل کماکان از برتری زمان رصد بهره می‌برد. از این‌رو، دانشمندان موسسه علوم تلسکوپ فضایی تصمیم گرفتند مسوولیت دیگری به هابل بسپارند و این ابزار ارزشمند را دیده‌بان رصدخانه‌های زمینی قرار دهند.

هابل که در مقایسه با رصدخانه‌های زمینی به زمان کمتری برای اکتشاف نیاز دارد، هدف‌های جدید را می‌یابد و آنها را برای بررسی‌های دقیق‌تر به رصدخانه‌های زمینی معرفی می‌کند. تلسکوپ‌های دوقلوی کک با آینه‌های ۱۰متری، مجموعه وی.ال.تی در شیلی با چهار تلسکوپ ۸/۵ متری، تلسکوپ‌های جمینی شمالی و جنوبی و چندین رصدخانه بزرگ دیگر که اغلب در هاوایی تمرکز یافته‌اند، بدون هابل نمی‌توانند به دستاوردهایی که تاکنون ارائه کرده‌اند، دست یابند.

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های هابل در نقش دیده‌بانی تلسکوپ‌های زمینی، وقتی است که هابل برای چند روز به گوشه‌ای از آسمان خیره می‌شود و دورترین اجرام عالم را به‌تصویر می‌کشد. هابل تاکنون چهار بار این کار را انجام داده که منجر به تصاویر ژرف شمالی در ۱۹۹۵ و ۱۹۹۷، تصویر ژرف جنوبی و تصویر فراژرف هابل است. در آخرین این تصاویر که زمستان ۱۳۸۲ / ۲۰۰۴ گرفته شد، هابل یک میلیون ثانیه به نقطه‌ای از آسمان در جنوب صورت‌فلکی جبار که ابعاد آن تنها یک‌دهم قطر ماه بدر بود، خیره شد و توانست بیش‌از سیزده‌هزار کهکشان دور و نزدیک را به‌تصویر بکشد. دورترین این اجرام بیش‌از سیزده میلیارد سال‌نوری با زمین فاصله داشتند و جهان را در زمانی نشان می‌دادند که چند صدمیلیون سال بیشتر از عمر جهان نمی‌گذشت.

این تلسکوپ تاکنون چهار بار تعمیر و به‌روزرسانی شده و هربار نیز پرتوان‌تر از قبل به فعالیت خود بازگشته است. اما اگر این پنجمین ماموریت تعمیر تلسکوپ فضایی هابل نیز با موفقیت به پایان برسد، هابل با توانی غیرقابل تصور به عرصه اکتشافات فضایی باز خواهد گشت و حداقل برای پنج سال دیگر به فعالیت خود ادامه خواهد داد.

اما جالب اینجاست که در دوره پنج ساله پیش‌رو، چند تلسکوپ فضایی دیگر نیز هابل را در مدار زمین همراهی می‌کنند. تلسکوپ‌های فضایی چاندرا، نیوتن، اسپیتزر، هرشل و پلانک (که هردو به‌تازگی در مدار زمین قرار گرفته‌اند)، در دیگر طول‌موج‌های طیف الکترومغناطیس هابل را همراهی می‌کنند و می‌توان امید داشت که همکاری این چند رصدخانه فضایی، دستاوردهای شگرفی به‌همراه داشته باشد. لشکر تلسکوپ‌های فضایی به پیش‌قراولی هابل آماده است مرزهای کیهان را نیز درنوردد.

جدول

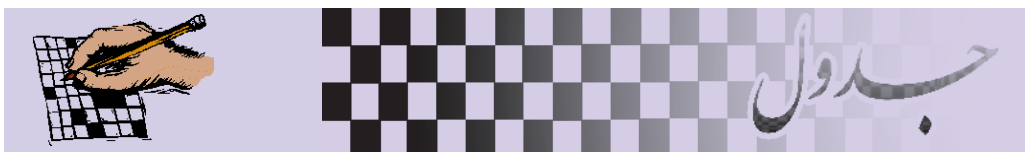

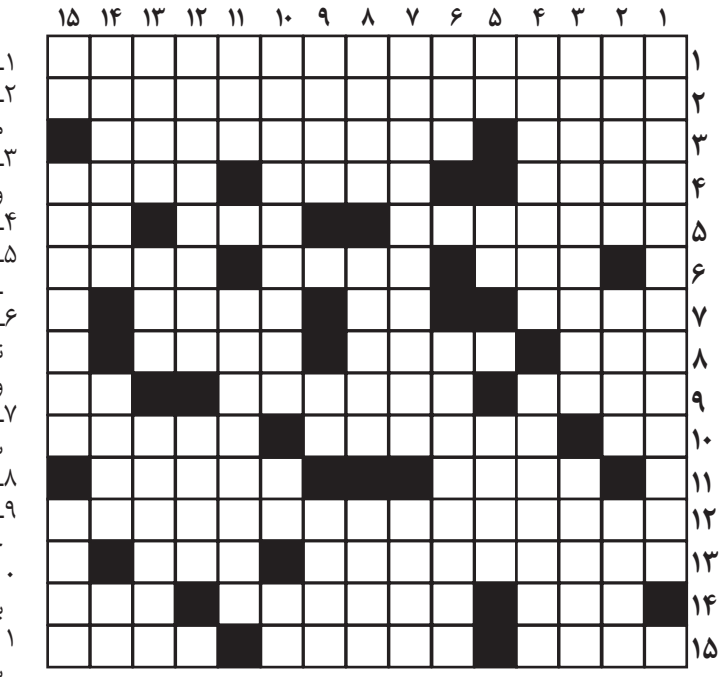

افقی:

۱ـ از رجال صاحب نام و دولتمردان دوران پهلوی
۲ـ سیاستمدار و فیزیکدان آمریکایی و از پیشوایان استقلال این کشور
۳ـ پیغام آور و رسول ـ از هنرپیشگان معروف و فقید هولیود
۴ـ از نخست وزیران پیشین انگلیس ـ مفتول ـ زندگانی
۵ـ سلسله کوهی است ـ دشمن ـ او
۶ـ برجی است ـ جانشین ـ تیرگی
۷ـ از مصالح ساختمانی ـ واحد پول کشوریست ـ اثری از ژان ژاک روسو
۸ـ آواز ـ اوهم حرفه‌ای دارد ـ از شهرهای ایران
۹ـ طرف راست ـ خدای آب در کیش زرتشتی ـ تنها
۱۰ـ جنس مذکر ـ آشی است ـ خانه و کاشانه
۱۱ـ تشویق کننده ـ داد و ستد کالا
۱۲ـ از رهبران موسیقی کلاسیک کشور ما با شهرتی جهانی
۱۳ـ پیشگام شعر نو در ایران ـ نمره
۱۴ـ رنگ ـ از پوشاک ـ می‌گردد
۱۵ـ جدید ـ غیرنظامی ـ در آن زندگی می‌کنیم

عمودی:

۱ـ الغاء کننده بردگی
۲ـ رنگی است ـ دریایی‌است ـ نوعی منزل مسکونی
۳ـ از هنرپیشگان معروف و فقید تاتر و سینمای ایران ـ اسرارآمیز
۴ـ حکم دادگاه ـ از روی ناشیگری
۵ـ از شهرهای ایران ـ تکرار یک حرف ـ زبانی است
۶ـ از شهرهای زیبای اروپا ـ از نویسندگان و داستانسرایان معاصر و فقید ایران
۷ـ از هنرپیشگان معروف و فقید سینمای ایتالیا ـ روحانی مسیحی
۸ـ فقیه‌فتوادهنده ـ کیسه‌بزرگ ـ خوب
۹ـ دریاچه‌ای در روسیه ـ تکرار یک حرف ـ مزدور
۱۰ـ گلی است ـ از ضمایر ـ وسیله‌ای برای نواختن
۱۱ـ از شعب اسلام ـ جاسوسه اعدام شده جنگ اول جهانی
۱۲ـ ماشین‌محرکه‌قطار ـ تابنده‌ودرخشان
۱۳ـ برآم۰ دن خورشید و ماه ـ قسمتی از اندام ـ از خوراک‌های سنتی
۱۴ـ نوازنده و آهنگساز فراموش ناشدنی و فقید ایران ـ ستاره ـ راه بی‌پایان
۱۵ـ از آنطرف عددی است ـ شجاع و دلاور ـ قسمتی از دست و پا

حل جدول شماره قبل

جدول اعداد

(سودوکو)

				۹			۶	
۴	۳	۱			۵			
	۲							
				۵	۳	۷		۴
	۱	۷					۸	
		۹	۶				۲	۱
	۷	۸		۲		۳		
			۷			۸		
			۴			۲	۱	

۴								
۱			۵					
	۳				۲			
		۱						
		۶		۴				
	۱		۳					

عمودی:

۱ـ از آثار منتسکیو
۲ـ رودخانه‌ای در ایران ـ کج ـ حرف تعجب
۳ـ غمگین و اندوهناک ـ نوعی وسیله نقلیه
۴ـ مانند بودن ـ نه به عربی ـ موجودی افسانه‌ای
۵ـ مایه حیات ـ پایتخت کشوری است
۶ـ از شعرای رمانتیک فرانسه ـ حرفه و شگرد
۷ـ رئیس جمهوری یکی از کشورهای آفریقایی
۸ـ ورقه ـ تاقچه ـ پایتخت کشوری است
۹ـ برابر مقررات ـ حیثیت
۱۰ـ از آنطرف تازه است ـ از رؤسای جمهوری پیشین آمریکا
۱۱ـ از شهرهای ایران ـ از کتب مقدس

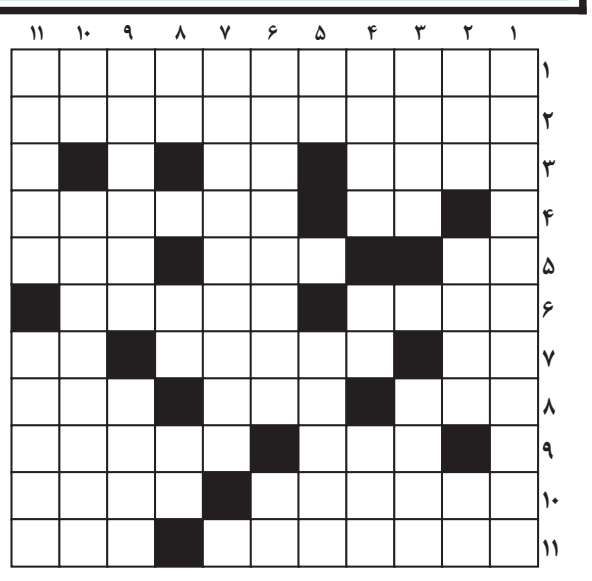

افقی:

۱ـ از شیرینی‌های سنتی
۲ـ ژیمناستیک سنتی
۳ـ محاسب ـ واحد سنتی اندازه‌گیری وزن
۴ـ عددی است ـ پایتخت کشوریست
۵ـ شگرد ـ آزرم ـ حرفی به اول آن بیفزایید معنی «قوه» می‌دهد
۶ـ جانی ـ از شهرهای ایران
۷ـ او ـ رشته‌ها ـ توان
۸ـ میوه‌ایست ـ برتر از گوهر ـ حیوانی است
۹ـ ایفاء ـ نوعی پارچه
۱۰ـ از سازمانهای بین‌المللی ـ انصاف
۱۱ـ ضعف ـ آنسوی

حل جدول شماره قبل

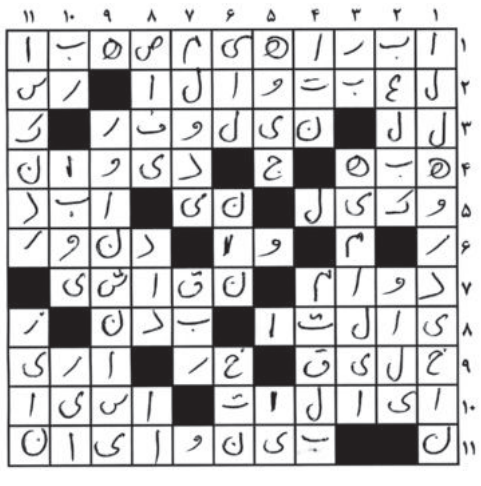

یادداشت‌های آیت‌الله زاده اصفهانی: انقلاب محنت بار(۱)

بازنشر

مذاکرات من با خمینی درباره دولت بختیار

آیت‌الله حاج سید ابوالحسن اصفهانی، تا زمانی که از جهان رفت (نهم ذی‌الحجه ۱۳۶۵/ سیزدهم آبان ۱۳۲۵) رئیس حوزه و اعلم علمای شیعه و مرجع مسلم تقلید شمرده می‌شد. نوهٔ او، دکتر سید موسی اصفهانی علاوه بر تحصیلات حوزوی و کسب اجازهٔ اجتهاد، از دانشگاه سوربن پاریس در رشته فلسفه دکترا گرفت و لباس روحانیت را تا پایان عمر بر تن داشت.

او که از نزدیک شاهد تحرکات آیت‌الله خمینی در عراق و سپس تحولات منجر به روی کار آمدن وی در ایران بود، یادداشت‌هایی ارزنده راجع به این وقایع به زبان عربی از خود باقی گذاشته است. ترجمهٔ فارسی این یادداشتها با عنوان «انقلاب محنت بار» به چاپ رسید که به سرعت نایاب شد و دسترسی بدان آسان نیست.

نسخه‌ای از این کتاب نایاب را یکی از دوستان دراختیار ما گذارده است که با سپاس از ایشان، بخش‌هایی از آن در چند شماره به نظر خوانندگان عزیز و علاقمندان به آشنائی بیشتر با حقایق تاریخی می‌رسد.

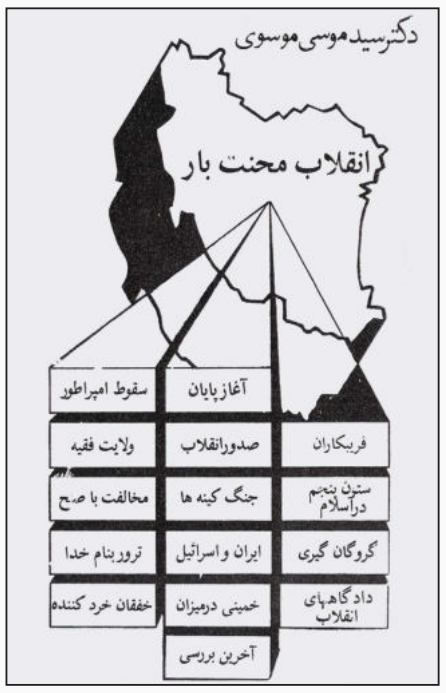

... همان طور که شاه در خاطراتش تعریف کرده است آمریکایی‌ها پس از آن که پی بردند سیاست او بازنده است اقدامی برای نجات وی به عمل نیاوردند بلکه مایل بودند که وی کشور را ترک نماید.

از اعترافات اطرافیان خمینی کاملاً واضح است که آمریکا سیاست خود را دائر بر حمایت از شاه، تنها در چند ماه آخر حکومت وی تغییر داده و شروع به تماس گرفتن با خمینی و همراهانش نمود...

در اینجا ناگزیریم به نقش مهمی که خمینی و اطرافیانش در برابر آمریکائی‌ها ایفا نمودند اشاره کنیم چون آنها وانمود ساخته بودند سیاستی که در صورت پیروزی انقلاب در پیش خواهد گرفت در جهت طرفداری از آمریکا خواهد بود و نباید فراموش کرد که اساس سیاست آمریکا مبتنی بر جلوگیری از کمونیزم و نفوذ آن در خاورمیانه، به ویژه ایران بوده که از موقعیت خاص استراتژیکی برخوردار است. لذا چنانچه یک رژیم مذهبی که با شمشیر اسلام با کمونیزم مبارزه کند جایگزین یک متحد بیمار یعنی شاه شود کاملاً طبیعی جلوه خواهد نمود.

با وجود اینکه از مذاکرات میان آمریکائی‌ها و اطرافیان خمینی اطلاعی در دست نداریم ولی می‌دانیم یک روز پیش از خروج خمینی از نجف، دکتر ابراهیم یزدی تبعه آمریکا به وی ملحق شد و نزدیک بود یک گرفتاری سیاسی برای خمینی به بار آورد زیرا پس از اینکه کویت مانع ورود خمینی به خاک خود شد، دولت عراق اجازه بازگشت وی را به عراق داد منتهی با ورود مجدد یزدی که گذرنامه آمریکائی در دست داشت به همراهی خمینی مخالفت نمود. خمینی اصرار ورزید که یزدی را با خود وارد عراق کند و دولت عراق نیز در عدم موافقت با ورود وی پافشاری نمود به این دلیل که نامبرده آمریکائی است و خاک عراق را ترک گفته و ورود مجدد وی مستلزم کسب اجازه رسمی و مقرراتی بوده که به قطع روابط دیپلماتیک بین عراق و ایالات متحده مربوط می‌شد.

بالاخره خمینی وارد خاک عراق شد و دوست و مشاور خود را در مرز رها نمود و هنگام ورود به بغداد از مقامات عالیه عراق تقاضای دریافت ویزای بیست و چهار ساعته برای یزدی نمود. مقامات عالیه با درخواست خمینی مشروط بر خروج یزدی همراه خمینی موافقت نمودند و یزدی وارد بغداد شد.

ناگفته نماند که یزدی همراه خمینی به پاریس رفته و از نزدیک‌ترین افراد وی به شمار می‌رفت. و در نخستین کابینه‌ای که پس از پیروزی انقلاب به ریاست بازرگان تشکیل گردید، به سمت معاون نخست وزیر در امور انقلاب و پس از آن به عنوان وزیر خارجه منصوب گردید.

وجود یک نفر آمریکائی در قلب رژیم نشان دهنده میزان همکاری صمیمانه بین انقلاب و ایالات متحده بود. اضافه بر آن، مذاکراتی که در پاریس میان خمینی و رمزی کلارک وزیر سابق دادگستری آمریکا صورت گرفت و نیز مذاکرات بین اطرافیان خمینی در تهران با آمریکائی‌ها چنانکه بازرگان ـ بهشتی ـ رفسنجانی و دیگران اعتراف نموده‌اند، همه این تماسها با علم و به دستور شخص خمینی بوده است و دیگر جای شکی برای همکاری فیمابین باقی نمی‌گذارد. علاوه بر یزدی، عباس امیرانتظام وزیر مشاور و سخنگوی دولت و دکتر چمران وزیر دفاع نیز تابعیت آمریکا را داشتند و شایع بود که نامبردگان مأموران سازمان سیا بودند. با وجود اینکه سرمستی از پیروزی موجب ناپدید شدن پلهای ارتباطی بین خمینی و آمریکا از انظار ملت ایران شده بود، بخصوص که خمینی همه روزه در نطقهای خود آمریکا را مسبب تمام بدبختی‌های ملت ایران در یک ربع قرن گذشته معرفی می‌کرد، ولی چشمان بیدار شروع به مراقبت این تناقض در گفتار و کردار نمودند و در بعضی از جراید پرسشهائی پیرامون علت عضویت این آمریکائی‌ها در کابینه بازرگان به عمل آمد. سپس پرسشهائی از بازرگان و شخص خمینی به عمل آمد مبنی بر اینکه حال که انقلاب ایران برضد سیاست آمریکاست چرا قراردادهای نظامی و معاملات چند میلیارد دلاری خرید اسلحه و نیز قراردادهای بازرگانی که میان رژیم شاه و دولت آمریکا منعقد شده بود لغو نمی‌گردد و پاسخ بازرگان آن بود که تعداد این قراردادها متجاوز از نهصد و حجم آنها بالغ بر میلیاردها دلار است و لغو همه آنها مستلزم بررسی کافی است که ماهها بلکه سالها وقت لازم دارد و لغو این قراردادها به طور یکجانبه برای ما مقدور نیست زیرا موجب زیانهای مالی هنگفتی خواهد گردید.

مردم در برابر این پاسخهای پوچ قانع شدند ولی پاسخ قانع‌کننده ای درباره علت وجود وزرای تبعه آمریکا در قلب کابینه خمینی دریافت نکردند.

روابط با آمریکائی‌ها تا هنگام بروز بحران گروگانها به بهترین وجه باقی مانده بود ولی پس از بروز این بحران یک تغییر ناگهانی در ظاهر سیاست رژیم خمینی در برابر آمریکائی‌ها صورت گرفت که ما فصل خاصی را برای این موضوع اختصاص داده‌ایم.

با توجه به اینکه سیاست‌های جهانی هیچگونه خویشاوندی با افراد در کشورهائی که بر آنها حکومت می‌کنند نداشته بلکه همواره مصالح و منافع عالیه آن سیاستها مدّ نظر است، بنابراین قربانی کردن شاه که همه پایگاههای ملی خود را در ایران از دست داده بود در راه خمینی که ادامه دهنده راه شاه در اجرای طرحهای کلی آن سیاستها به شمار می‌رفت، امری بود کاملاً طبیعی و منطقی. روی همین اصل آمریکائی‌ها شاه را قربانی کردند و به یک دوست وفادار و نیرومند تازه‌ای امید بستند. منتهی با ضربه ناگهانی خمینی در ایران مانند ضربه ناگهانی فیدل کاسترو در کوبا مواجه شدند.

دیدار و مذاکره با خمینی در پاریس

کاردانی و توانائی بختیار در حل بحران سیاسی نیز نقش بر آب شد. چون شاپور بختیار وطن پرست که قسمت عمده زندگی خود را در مبارزه و زندانهای شاه گذرانیده بود پس از دست دادن با شاه و تعهد نمودن به حمایت از تاج و تخت آن پایگاه ملی خود را از نظر مردم از دست داد و بحران سیاسی که زمینه‌ساز انقلاب بود از حد و توانائی افراد و اشخاص تجاوز نموده و در توانائی یک نفر هرقدر هم که وطن پرست و مباره بوده باشد نبود که جلوی چنین سیل خروشانی را بگیرد.

هنگامی که دکتر بختیار به نخست وزیری تعیین گردید، من در بغداد بودم و تلفنی با ابوالحسن بنی‌صدر که در پاریس بود تماس گرفته و به او گفتم: میهن پرستی به شما حکم می‌کند که از بختیار حمایت کنید و وظیفه شما و خمینی است که یک راه حل میانه برای پشتیبانی از بختیار جستجو نمائید. زیرا بختیار توانائی آن را ندارد تا راه حلی برای رهائی از سلطنت و جلوگیری از ویرانی کامل کشور بیابد.

هنگامی که در پاریس بودم، همزمان بود با بودن خمینی در آنجا و شاه در مراکش، یکی از بستگان بختیار با من تماس گرفت و از من خواست نقش میانجی را بین بختیار و خمینی ایفا نمایم و به دنبال آن بختیار عموزاده خود عباسقلی بختیار را که وزیر کابینه‌اش نیز بود به پاریس فرستاد و من سعی کردم که نظریات طرفین را به یکدیگر نزدیک کنم و مذاکرات در این باره به مدت سه روز به طول انجامید.

با وجود اینکه دکتر بختیار آماده اعلام جمهوری، مشروط بر اینکه خمینی سه ماه به او مهلت دهد بود، معذالک خمینی او را صادق نمی‌دید و می‌گفت حال که به آستانه پیروزی رسیده ایم لکن چرا سه ماه دیگر صبر کنیم.

در آخرین ملاقات با صراحت از خمینی پرسیدم: اگر بختیار فردا اعلام جمهوری کند روش شما نسبت به او چه خواهد بود؟ آیا او را پشتیبانی خواهید کرد و یا اینکه با او به مخالفت خواهید پرداخت؟

خمینی با تردید گفت: او هرگز این کار را نخواهد کرد.

گفتم: اگر کرد چه...

خمینی سخن خود را تکرار کرد و من نیز سؤال خود را تکرار نموده و گفتم فرض می‌کنیم که او اعلام جمهوری کرد، روش شما چه خواهد بود؟

خمینی سرش را به زیر انداخت و گفت: این کار را نخواهد کرد و سکوت اختیار نمود.

مذاکرات ما به پایان رسید و از نزد او خارج شدم و در همانجا پی بردم که این مرد محال است که به کسی اجازه دهد نقش بارزی در انقلاب ایفا کند و می‌خواهد که تمام نقشها را برای خود احتکار کند. روز بعد به آقای عباسقلی بختیار گفتم که من هیچگونه امیدی به موفقیت این مذاکرات نمی‌بینم و از آقای بنی‌صدر هم خواهم خواست که میانجیگری را شخصاً دنبال کند زیرا که او با هر دو دوست است و همان روز پاریس را به مقصد آمریکا ترک نمودم و پس از ده روز تلفنی با بنی‌صدر تماس گرفته نتیجه مذاکرات را از او سؤال نمودم. وی گفت که ماموریت با شکست مواجه گردید و افزود که دو روز دیگر همراه خمینی پاریس را به قصد تهران ترک خواهد نمود.

گفتم: با یک هواپیما پرواز می کند ؟

گفت: آری، و اضافه کرد چه بسا که هواپیما سقوط کند و همگی راحت شویم.

گفتم: و همه دنیا...

گفت: آری والله.

دولت بختیار توانائی مقابله و رویاروئی با طوفان سهمگینی که او را احاطه کرده بود و هدفش شخص بختیار نبود و بلکه رژیمی که بختیار جزئی از آن شده بود نداشت لذا رژیم سقوط کرد و بختیار نیز همراه آن سقوط نمود و بدین ترتیب شاه دومین امید خود را برای بازگشت از دست داد.

نقش ارتش در انقلاب

سومین امید شاه یعنی ارتش و فرماندهان نظامی وفادار به او بود که در حقیقت سرابی بیش نبود.

علت ناتوانی ارتش در رویاروئی با سیل انقلاب که کلیه ارگانهای دولتی منجمله خود ارتش را فلج نموده بود به شرح زیر خلاصه می‌شود:

نخست اینکه اکثریت فرماندهان ارتش که توسط شاه در مقامهای مهم و حساس ارتش منصوب شده بودند فاقد شرایط لیاقت و شایستگی بوده و تنها شرط لازم برای تعیین آنها وفاداری نسبت به شاه و اطاعت کورکورانه از دستورات او بوده است و با توجه به اینکه ارتش هنگام بروز بحرانهای شدید تابع فرماندهان خود بود، لذا نیروهای مسلح توانائی فیصله دادن به رویاروئی‌های پی در پی با ملت از طریق نظامی نداشتند و علت آن یا سبب بی‌لیاقتی فرماندهان و یا ضعف شاه در اتخاذ تصمیمهای قاطعانه و یا به علت عدم وجود چراغ سبز از طرف آمریکائی‌ها بود که بر کلیه شئون مختلف ارتش از طریق مستشاران نظامی خود مسلط بودند. ضمناً ناگفته نماند که ارتش ایران یک ارتش مسلمان معتقد به اصول و عقاید اسلامی بوده و با وجود وفاداری مطلق خود به شاه، وفاداری آن را نسبت به دین و مذهب نباید نادیده گرفت بخصوص که انقلاب در روزهای آخر خود رنگ مذهبی به خود گرفته و اکثر شخصیت‌های مهم مذهبی که نفوذ شایانی در دل مردم داشتند به انقلاب پیوستند.

علت پیوستگی تعدادی از این روحانیون ترس از مردم کوچه و بازار و افکار عمومی بود و عده‌ای از روحانیون طرفدار شاه و حتی مخالفین خمینی نیز برای عقب نیفتادن از قافله به انقلاب پیوستند.

بنابراین طبیعی است که سربازان و افسران جزء که اکثریت افراد ارتش را تشکیل می‌دادند تحت تاثیر سیل خروشان ملی که به قالب مذهب درآمده بود قرار بگیرند، بخصوص که سربازان از فرزندان مردم بوده و شکی نیست که در صورت طولانی شدن رویاروئی با مردم در خیابانها تحت تأثیر انقلاب واقع خواهند شد.

مقابله ارتش با مردم تقریباً برای مدت شش ماه همه روزه و در تمام نقاط کشور و به صورت جنگ و گریز در آمده بود و این خود باعث تضعیف روحیه شاه و رژیم سابق بوده است.

الله اکبر خمینی رهبر!

خمینی و روحانیون طرفدار وی در داخل و خارج از ایران، احزاب دست چپی از جمله سازمان چریکهای فدائی خلق و حزب توده و... همه این احزاب و دسته‌ها برای سرنگون ساختن شاه با یکدیگر متحد شدند و چون هر یک از این گروهها در صورت پیروزی خود را برای اداره کردن امور کشور شایسته‌تر از سایرین می‌دانستند لذا همگی بر آن شدند رهبری را انتخاب نمایند که قیام را رهبری کند و بنا به گمان آنان چشمداشتی به قدرت نداشته باشد و لذا خمینی را برای این منظور انتخاب نمودند.

خود خمینی نیز نقش ماهرانه‌ای در اغفال ملت و گروههای مبارز ایفاء نمود و چنین وانمود ساخت که اگر همگی زیر پرچم وی درآیند او شایسته‌ترین فرد برای رهبری انقلاب خواهد بود. روی همین اصل تعیین مهندس بازرگان به عنوان اولین نخست وزیر انقلاب و خودداری از شرکت دادن بستگان خود در دولت برای نشان دادن پای‌بندی خود به برنامه‌هائی بود که در آغاز برای ملت اعلام کرده بود.

خمینی تحت حمایت پلیس فرانسه در نوفل لوشاتو در نزدیکی پاریس مستقر شد و همه اظهارات وی بر ضد شاه به وسیله کلیه فرستنده‌های جهانی و مطبوعات مهم پخش می‌گردید. و اطرافیان وی در ایران نوارهای سخنرانی‌های آتشین او را پخش می‌کردند و برنامه فارسی زبان رادیو بی.بی.سی لندن همه گفته‌های خمینی را برای ملت ایران پخش می‌نمود به نحوی که این رادیو به صورت بوقی برای خمینی درآمده بود.

رادیو بریتانیا نقش مهمی را در موفقیت انقلاب ایفاء نمود زیرا نه تنها رادیوی فارسی زبانی بود که ملت ایران چون معتقد بود این رادیو نمایانگر سیاست بریتانیا است، به آن گوش می‌داد بلکه ملت ایران و بخصوص سیاستمداران آن کشور چنین استنباط نمودند که روشی که رادیو بی.بی.سی در حمایت از خمینی و انقلاب در پیش گرفته است نشانگر نظر رسمی دولت بریتانیا می‌باشد و کشورهای بزرگ در مورد کنار گذاشتن شاه با یکدیگر توافق نموده‌اند.

روش آمریکائی‌ها با وجود تناقض‌هائی که در گفته‌های سیاستمداران آن کشور پیرامون پشتیبانی از شاه به چشم می‌خورد ضعیف بود در حالی که بریتانیا به گواهی رادیوی رسمی آن کشور با خمینی و انقلاب همراه بوده است هرچند که بیانیه‌های رسمی سیاستمداران انگلیس مغایر رادیوی آنها بود.

فرانسه نیز کلیه نیروهای خود را برای حمایت و پشتیبانی از خمینی بسیج نمود و همه گونه فرصت تحرک را به وی داد.

روسها هم که بنا به طبیعت و سیاست حزب خود (حزب توده) مخالف سلطنت هستند همکاری دوستانه‌ای با خمینی و انقلاب نمودند.

بنابراین کلیه نیروهای بزرگ امر واقع را که تصفیه شاه باشد پذیرفتند و خمینی به عنوان یک قهرمان ملی به تهران بازگشت و هنگام ورود به فرودگاه مهرآباد میلیون‌ها نفر از وی استقبال به عمل آوردند. نیروی هوائی ایران هواپیمای بوئینگ حامل خمینی در آسمان ایران را سرنگون نساخت و فرمانده آن که نسبت به شاه کاملاً وفادار بود به چنین اقدامی که آخرین امید برای نجات رژیم شاهنشاهی از نظر طرفداران آن رژیم به شمار می‌رفت دست نزد. پاداش خمینی به این فرمانده که توانائی سرنگون ساختن هواپیما و از بین بردن وی و همراهانش از جمله یکصد و پنجاه روزنامه‌نگار از سراسر جهان را داشت، مجازات اعدام بود.

به مجرد ورود خمینی به تهران، وی غیرقانونی بودن دولت بختیار و تعیین مهندس بازرگان را به نخست وزیری اعلام نمود و ایران حالت هرج و مرج و آشوب به خود گرفت و ناگزیر این بحران با پیروزی یکی از طرفین نزاع بایستی پایان می‌پذیرفت. روزها به سرعت می‌گذشتند و در روز چهارده فوریه ۱۹۷۹ دولت بختیار حکومت نظامی و منع عبور و مرور را اعلام نمود و خمینی نیز نافرمانی عمومی را اعلام کرد و در نتیجه مردم به خیابانها ریخته و به طرف پادگانهای نظامی ـ نیروهای هوائی و مقر ساواک و نیز نیروهای چترباز که تحت فرماندهی فرمانده کل گارد شاهنشاهی قرار داشت حمله‌ور شدند و طی برخورد مختصری، مردم کلیه این مراکز را اشغال نموده و سلاحهای آن را به دست آوردند و تعدادی از فرماندهان نظامی را که قصد دفاع از پادگانهای خود را داشتند به قتل رساندند.

بدین ترتیب دو هزار و پانصد سال تاریخ، با سقوط شاهنشاهی و شاه پایان یافت.

ادامه دارد

تلویزیون دولتی ترکیه: احتمالاً ایران در آینده نزدیک در بحران اقتصادی غرق خواهد شد

● ارزش پول رایج به عوامل مختلفی وابسته است. از جمله سیاست‌های پولی، تعادل تجاری و جذب سرمایه‌گذاری.

● در حالی که حکومت ایران در درگیری‌های منطقه از یمن تا سوریه دست دارد و اتحادیه اروپا تلاش می‌کند در معاملات تجاری به جمهوری اسلامی کمک کند احتمالاً تهران در آینده نزدیک در بحران اقتصادی غرق خواهد شد.

● یک روزنامه‌نگار در ایران به «تی‌آرتی» می‌گوید حذف صفر از اسکناس بیشتر تاثیر روانی روی مردم دارد که بجای پرداخت ۰۰۰/۲۵۰ هزار ریال برای خرید یک شانه تخم‌مرغ ۲۵ تومان پرداخت می‌شود.

● دولت ترکیه پس از روبرو شدن با یک بحران اقتصادی در اوایل سال ۲۰۰۰ سیاست بازار آزاد را در پیش گرفت و شرکت‌های دولتی زیان‌ده را به بخش خصوصی واگذار کرد و کنترل دولت بر سرمایه را حذف کرد که باعث جذب راحت‌تر سرمایه گذاری‌های خارجی شد و به این ترتیب با اصلاحات اقتصادی و اجتماعی مقدمات حذف صفر از لیر را فراهم کرد.

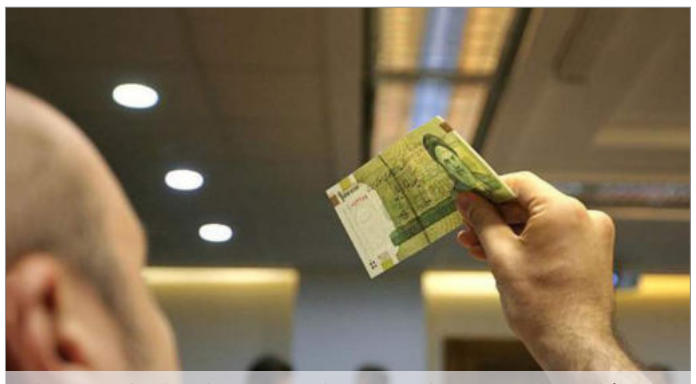

نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۵ اردیبهشت با کلیات لایحه حذف چهار صفر از پول ملّی طی پنج سال موافقت کردند

سرویس جهانی وبسایت رسمی سازمان رادیو و تلویزیون دولتی ترکیه (TRT) در گزارشی تصمیم جمهوری اسلامی ایران برای برداشتن صفرها از روی اسکناس و تغییر نام واحد پول رایج ایران از «ریال» به «تومان» را بدون اصلاحات اقتصادی بی‌نتیجه خوانده است.

در این گزارش آمده تغییر نام پول رایج ایران از ریال به تومان به مشکلات اقتصادی تهران پایان نمی‌دهد. قیمت‌های سر به فلک کشیده و کمبود غذا در ایران اولین نتایج تحریم‌های اعمال شده علیه جمهوری اسلامی است و به این علت قانونگذاران این کشور تصمیم گرفتند نفس تازه‌ای به پول رایج ایران بدمند یا دست‌کم اینطور به نظر می‌رسد که قصد این کار را دارند.

مجلس شورای اسلامی با برداشتن چهار صفر از روی اسکناس‌ها موافقت کرده که کار را برای معاملات مردم راحت می‌کند بدون آنکه وقت خودشان را در حساب کردن قیمت مرغ و تخم مرغ که به ده‌ها هزار ریال رسیده تلف کنند.

در طول دو تا پنج سال آینده تومان جایگزین ریال خواهد شد و یک تومان مساوی با ۱۰ هزار ریال خواهد بود.

یک روزنامه‌نگار در ایران به «تی‌آرتی» می‌گوید این بیشتر تاثیر روانی روی مردم دارد که بجای پرداخت ۰۰۰/۲۵۰ هزار ریال برای خرید یک شانه تخم‌مرغ ۲۵ تومان پرداخت می‌شود.

به نوشته‌ی این رسانه، تورم بالا برای ایرانی‌ها دردسر چندین ساله برای ایرانی‌هاست که به کاهش ارزش ریال منجر شده است. شما مجبورید ۰۰۰/۱۵۰ ریال بپردازید تا در بازار آزاد یک دلار بخرید. این درحالیست که نرخ دولتی دلار ۰۰۰/۴۲ است. خود مردم ایران از سال‌ها پیش شمارش صفرها در معاملات روزانه خود را حذف کرده بودند. درواقع یک مشتری یا تاجر ممکن است ریال را به عنوان پول رایج قبول کند اما قیمت‌ها را به تومان بگوید. هر تومان برابر ۱۰ ریال بوده است.

هرچند ممکن است این برای خارجی‌ها سخت به نظر برسد اما این سیستم به مردم ایران کمک می‌کند از حساب کردن رقم‌های میلیونی و میلیاردی در معاملات روزانه راحت شوند.

این روزنامه‌نگار به تی‌آرتی می‌گوید: «به هر حال مردم برای پرداخت هزینه‌های روزانه خود بطور عمومی از کارت‌های بانکی استفاده می‌کردند و به عبارتی آنچه ما به آن چک مسافرتی می‌گوییم».

این وبسایت می‌نویسد، شیوع کُرونا دست به دست کردن اسکناس بین مردم را کمتر کرده است. از سال ۲۰۱۶ دولت ایران به دنبال تغییر نام ریال بود اما تغییر نام ریال که ناشی از تحریم‌ها و سقوط قیمت نفت است تاثیر ویژه‌ای روی تورم ۴۰ درصدی نخواهد گذاشت. ایران بیشتر درآمدهای خود را از از صادرات نفت و گاز به دست می‌آورد.

ارزش پول رایج به عوامل مختلفی وابسته است. از جمله سیاست‌های پولی، تعادل تجاری و جذب سرمایه‌گذاری. در حالی که حکومت ایران در درگیری‌های منطقه از یمن تا سوریه دست دارد و اتحادیه اروپا تلاش می‌کند که در معاملات تجاری به جمهوری اسلامی ایران کمک کند احتمالاً تهران در آینده نزدیک در بحران اقتصادی غرق خواهد شد.

حذف صفر از اقتصاد ایران در شرایطی که بیکاری رو به افزایش است و معیشت خانوارها در تهیه کالاهای وارداتی نظیر دارو با مشکل روبروست یکجور لاپوشانی است. برای دولت‌ها دست به دست شدن اسکناس‌هایی با تعداد زیادی صفر وجهه خوبی ندارد.

در طول چند دهه اخیر چندین کشور برای جنگیدن با تورم افسارگسیخته نام پول رایج خود را تغییر دادند که بدون نتیجه بوده البته استثنائاتی هم وجود داشته است.

زیمبابوه یک مثال کلاسیک است از دولتی که صفرهای پول خود را برداشت بدون اینکه مسائل اقتصادی تاثیرگذار و اساسی را در نظر بگیرد. در سال ۲۰۰۹ این کشور پس از یک تورم وحشتناک ۷۹ میلیارد درصدی ۱۲ صفر را از دلار زیمبابوه‌ای برداشت. آن زمان شرایط اقتصادی این کشور به نحوی بود که قیمت کالاها ار ۲۴ ساعت دو برابر می‌شد. آن زمان که هنوز واحد پولی زیمبابوه تغییر نکرده بود ۱۰۰ تریلیون دلار زیمبابوه‌ای برای خریدن یک نان به اندازه کف دست کافی نبود.

مشکلات اقتصادی پایتخت زیمبابوه ادامه پیدا کرد و نرخ تورم به ۶۷۰ درصد رسید.

آرژانتین، برزیل و نیجریه از جمله کشورهایی بودند که وقتی با تورم افسارگسیخته مواجه شدند به فکر تغییر نامِ پول رایج خود افتادند.

«تی‌آرَ تی» در ادامه نوشته پس از سال‌ها درگیری با تورم بالا ترکیه در سال ۲۰۰۵ صفرهای لیر را برداشت اما این حرکت با اصلاحات اقتصادی و اجتماعی بسیار قوی همراه بود. پس از روبرو شدن با یک بحران اقتصادی در اوایل سال ۲۰۰۰ آنکارا سیاست بازار آزاد را در پیش گرفت و شرکت‌های دولتی زیان‌ده را به بخش خصوصی واگذار و کنترل دولت بر سرمایه را حذف کرد که باعث جذب راحت‌تر سرمایه‌گذاری‌های خارجی شد. ترکیه با اصلاحات در سیستم بانکی و بهبود روابط با همسایگان اروپایی خود تورم را به پایین‌ترین حد خود در ۳۰ سال اخیر رساند.

اینها کار را برای نخست وزیر وقت رجب طیب اردوغان آسان کرد و او پس از این اقدامات صفرها را از لیر برداشت. اردوغان آن زمان گفت «ما بسیار خوشحالیم که ترکیه را از چنین شرمی نجات دادیم: اسکناس‌هایی که با صفرهای بسیار در اقتصاد ترکیه دست به دست می‌شد. ما خوشحالیم که حیثیت لیر ترکیه را حفظ کردیم».

*منبع: تی‌آرِتی
*نویسنده: سعد حسن
*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

تراز منفی تجارت ایران با چند شریک مهم آسیایی

● جمهوری اسلامی در حالی امیدوار بود که با وجود تحریم بتواند با تقویت روابط با مهمترین شرکای تجاری خود در آسیا، فشار تحریم‌ها را کاهش دهد که شیوع کُرونا برنامه را به باد داد.

● سیاست‌های اقتصادی ناکارآمد جمهوری اسلامی طی ده‌های گذشته، تحریم‌های اقتصادی و شیوع کُرونا همگی بعنوان عوامل موثر بر رکود اقتصادی ایران یکی پس از دیگری نقش‌آفرینی کرده‌اند.

بر اساس آمار و ارقام گمرک ایران وضعیت تجارت خارجی کشور در سال ۱۳۹۸ در مقایسه با سال ۱۳۹۷ نامساعد بوده و حجم تجارت خارجی آن کاهش یافته است.

در این میان میزان تجارت ایران با کشورهای آسیایی که اصلی‌ترین شرکای تجاری ایران طی سال‌های گذشته بوده‌اند نیز در سه ماهه ابتدایی سال ۲۰۲۰ کاهش یافته است. همچنین بالاتر بودن میزان صادرات این کشورها به ایران در مقابل واردات از ایران نشان از منفی شدن تراز تجاری ایران با مهمترین شرکایش در آسیا دارد.بر اساس آمارهای گمرک ایران میزان صادرات کالایی در سال ۹۸ نسبت به سال ۹۷ افت ارزشی ۷.۴ درصدی و از طرف دیگر رشد وزنی ۱۳.۶ درصدی داشته است. در این مدت واردات با رشد ارزشی ۱.۳ درصدی و رشد وزنی ۹.۳ درصدی همراه بوده است.

در سال ۱۳۹۸، تجارت کالایی بدون نفت خام ایران معادل ۸۵.۱ میلیارد دلار بوده که از این میزان ۴۱.۴ میلیارد دلار آن به صادرات کالایی (غیر از نفت خام) و ۴۳.۷ میلیارد دلار آن‌هم به واردات اختصاص داشته است.

تراز تجاری ایران در سال ۱۳۹۸ با کسری حدود ۲.۴ میلیارد دلاری همراه بوده و منفی شده است؛ این در حالی است که در سال ۱۳۹۷ تجارت کشور مثبت ۱.۵ میلیارد دلاری را تجربه کرده بود.

این در حالیست که با کاهش صادرات ایران و از دست رفتن برخی از مقاصد صادراتی پیشین آن، وابستگی ایران به کشورهایی مانند چین، عراق و ترکیه بیشتر شده و عمده تمرکز تجاری آن بر این کشورها، منعطف شده است.

با این همه تراز تجاری کشورهای آسیایی از جمله ترکیه و چین طی سه ماهه نخست سال ۲۰۲۰ که برابر هفته دوم دی‌ماه ۹۸ تا هفته دوم فروردین‌ماه است نشان می‌دهد که تجارت جمهوری اسلامی با این کشورها نیز روندی نزولی را طی کرده و منفی شده است.

بر اساس آمارهای منتشر شده از سوی کشور ترکیه، واردات این کشور از ایران در سه ماهه ابتدایی سال نسبت به دور مشابه پارسال با افتی بیش از شش برابری به ۲۸۲ میلیون دلار کاهش یافته است.

بر اساس این آمار واردات ترکیه از ایران در ماه مارس ۳۳ میلیون دلار بوده است که نسبت به مارس پارسال ۱۹ برابر کاهش را نشان می‌دهد. همچنین صادرات ترکیه به ایران نیز در این مدت تقریبا نصف شده و به ۴۵۱ میلیون دلار کاهش یافته است.

صادرات ترکیه به ایران در حالی کاهش چشمگیری داشته که مقامات جمهوری اسلامی با وجود بسته بودن مرزها به دلیل شیوع کُرونا همچنان مسیر ورود کامیون‌ها و تریلی‌های ترکیه به ایران را باز گذاشته بودند. البته ترکیه مانند همه کشورهای درگیر با کُرونا از ورود ماشین‌های باربری ایرانی به کشورش جلوگیری می‌کرد!

بر اساس آمارهای رسمی گمرک چین، واردات این کشور از ایران طی سه ماهه ابتدایی سال جاری میلادی ۵۲.۷ درصد کاهش داشته و به ۱.۸ میلیارد دلار رسیده است.

قابل توجه آنکه صادرات چین به ایران با وجود درگیری هر دو کشور با ویروس کُرونا همچنان روندی صعوی را طی کرده و با ۱۶ درصد افزایش به ۲ میلیارد و ۱۳۰ میلیون دلار رسیده است!

آمارهای وزارت اقتصاد هند هم نشان می‌دهد که در ماه ژانویه تنها ۳۳ میلیون دلار واردات از ایران داشته که نسبت به ژانویه پارسال ۲۱ برابر کاهش داشته و صادراتش به ایران نیز با افتی نزدیک ۳۰ درصدی به ۲۳۴ میلیون دلار رسیده است.

آمارهای گمرک کشورهای ژاپن و کره جنوبی که از دیگر شرکای مهم آسیایی جمهوری اسلامی به شمار می‌روند نیز با روندی مشابه، تزار تجاری‌شان با ایران منفی شده است.

ژاپن در سه ماهه ابتدایی سال تنها ۱۴ میلیون دلار واردات از ایران داشته که نسبت به دور مشابه پارسال ۲۷ برابر کاهش یافته و کره جنوبی نیز در همین مدت ۴۷ میلیون دلار صادرات به ایران داشته که نسبت به مدت مشابه سال گذشته شش برابر افت داشته و واردات کرده جنوبی از ایران نیز تنها ۲.۷ میلیون دلار بوده است.

نکته قابل توجه در این آمارها اینست که میزان صادرات این کشورها از ایران نسبت به واردات از ایران به بیشتر و حتی در مواردی مانند چین میزان صادرات با افزایشی چشمگیر نیز روبرو بوده است که نشان از منفی شدن تراز تجاری ایران با این کشورها دارد.

جمهوری اسلامی در حالی امیدوار بود با وجود تحریم‌ها بتواند با تقویت روابط با مهمترین شرکای تجاری خود در آسیا، فشار تحریم‌ها را کاهش دهد که شیوع کُرونا برنامه‌های آن را به باد داد.

این روند نشان می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی ناکارآمد جمهوری اسلامی طی دهه‌های گذشته، تحریم‌های اقتصادی و شیوع کُرونا همگی به عنوان عوامل موثر و تشدیدکننده بر رکود اقتصادی ایران یکی پس از دیگری نقش تعیین‌کننده بازی کرده‌اند.

صدور حدود ۱۱ میلیون کد بورسی طی هفته‌های گذشته؛ هشدار پلیس امنیت اقتصادی به مردم!

● کسانی که این روزها وارد بازار بورس می‌شوند نه تنها هیچ آشنایی و تخصصی در این‌باره ندارند بلکه بسیاری از آنها با فروش دارایی اندک خود نظیر اتومبیل و طلای خانگی وارد این بازار شده‌اند.

● عده‌ای در نظام نگرانند که با ریزش ناگهانی بازار بورس و کاهش چند ده درصدی سرمایه مردم به دلیل منفی شدن شاخص‌ها، موجی از اعتراضات با مالباختگان جدید که این بار فریب دولت را در از دست دادن نقدینگی خود خورده‌اند، ایجاد شود.

با تبلیغات گسترده‌ای که حسن روحانی و دولتمردانش برای تشویق مردم به ورود به بازار بورس راه انداخته‌اند، بر اساس آمارها طی هفته‌های گذشته حدود ۱۱ میلیون کد بورسی صادر شده است. پس از توصیه‌ها و ابراز نگرانی کارشناسان اقتصادی، اکنون پلیس امنیت اقتصادی نیز به مردم درباره ورود به این بازار و فعالیت در آن هشدار داده است.

در شرایطی که با شیوع ویروس کُرونا بازارهای بین‌المللی سهام به شدت آسیب دیده‌اند و به گزارش بلومبرگ این بازارها تا کنون حدود ۱۶ تریلیون دلار زیان کرده‌اند، بورس ایران با رشد ۹۰ درصدی روبرو شده است!

این روند پس از آن رخ داد که دولت با عرضه سهام شرکت‌های سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا)، شرکت‌های دولتی و همچنین سهام عدالت و سهام بانک‌ها مردم را به سوی بازار بورس کشانده است.

در آنسوی ماجرا، مردمی قرار دارند که در روزهای رکود شدید ناشی از کُرونا و آغاز موج اخراج به دلیل همین بحران، نگران تأمین هزینه زندگی خود هستند و به امید کسب سود، نقدینگی خود را وارد بورس کرده‌اند.

با توجه به آمارهایی که از سازمان بورس اعلام شده، طی هفته‌های گذشته و تا دهم اردیبهشت جاری بیش از ۱۰ میلیون و ۸۰۰ هزار کدبورسی صادر شده که به معنای ورود دست کم همین تعداد معامله‌گر به بازار بورس است.

این روند در حالی اوج گرفته که بیشتر کسانی که این روزها وارد بازار بورس می‌شوند نه تنها هیچ آشنایی و تخصصی در این‌باره ندارند بلکه بسیاری از آنها با فروش دارایی اندک خود نظیر اتومبیل و طلای خانگی وارد این بازار شده‌اند.

اکنون حسن قالیباف‌اصل رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام کرده است که در حال حاضر روزانه ۱۵۰۰ میلیارد تومان پول جدید وارد بورس می‌شود: «افرادی که در بورس خرید و فروش می‌کنند، با پول‌های ریز و خرد وارد می‌شوند و ارزش این معاملات در برخی روزها بالای ۱۸ هزار میلیارد تومان شده است، این پول یک بخش به سهامداران نهادهای بزرگ می‌رسد و گاهی هم اشخاص این سهام را می‌خرند، همچنین سازمان خصوصی‌سازی و دولت به تأمین مالی می‌پردازد، اما بطور متوسط هر روز ۱۵۰۰ میلیارد تومان پول جدید وارد بورس می‌شود.»

سرازیر شدن نقدینگی بالا و افزایش تقاضا در این بازار موجب شده که نمودارهای ارزش سهم شرکت‌های مختلف در بورس به سرعت در حال افزایش باشد. این افزایش حبابی ارزش سهام که در روندی غیرعادی و صرفا به دلیل تقاضای بالا در بازار صورت گرفته هیچ تأثیری بر ارزش واقعی این شرکت‌ها که برخی حتی زیان‌ده بوده‌اند، ندارد.

این موضوع سبب شده کارشناسان زیادی به مردمی که به بازار بورس هجوم آورده‌اند هشدار دهند که مراقب به اصطلاح ترکیدن حباب بورس و ریزش ارزش سهام خود باشند.

البته هستند کارشناسی که اعتقاد دارند هر چند برخی از سهم‌های کوچک رشد بالایی داشته‌اند اما در مجموع بازار بر اساس شرایط اقتصاد کشور رشد غیرقابل قبول نداشته است. به اعتقاد این کارشناسان در صورتی که نرخ تورم را از شاخص خارج کنیم میزان رشد سالانه آن منطقی خواهد بود. کما اینکه در سال‌های گذشته به دلایل مختلف از رشد بازار جلوگیری شده بود و اکنون بازار در حال جبران این عقب‌ماندگی است.

با این همه وضعیت عجیب بازار بورس ایران موجب شده بجز کارشناسانی که به تازه‌واردان در این بازار توصیه می‌کنند مراقب باشند سرمایه‌شان بر باد نرود، پلیس نیز وارد عمل شده و هشدارهایی به مردم داده است.

سردار محمدرضا مقیمی رئیس پلیس امنیت اقتصادی گفته است که بی‌اطلاعی تازه‌واردان از نحوه خرید و فروش سهام در بورس می‌تواند چالش‌برانگیز باشد و در صورت عدم توجه به خیلی از موارد، افراد را با تهدیداتی مواجه کند.

محمدرضا مقیمی از افرادی که به تازگی وارد بازار سرمایه شده‌اند، خواست تا حد امکان از سرمایه‌گذاری با سرمایه مالی زندگی خودداری کرده و به شایعات، تبلیغات و هیاهوی فضای مجازی توجه نکنند و به کارشناسان و نهادهای تخصصی مراجعه کنند.

او همچنین به مردم هشدار داده که با آموزش و تخصص کافی در این راه قدم برداشته و با شناخت ناکافی بجای سودآوری، اصل سرمایه خود را از دست ندهند.

هرچند در یکسوی ماجرا دولت برای جبران کسری بودجه و هدایت نقدینگی جامعه به سوی بازار بورس، تبلیغات زیادی روی این بازار و سوددهی از آن به راه انداخته اما به نظر می‌رسد در سوی دیگر عده‌ای در نظام نگران شده‌اند با ریزش ناگهانی بازار بورس و کاهش چند ده درصدی سرمایه مردم به دلیل منفی شدن شاخص‌ها، موجی از اعتراضات با مالباختگان جدید که این بار فریب دولت را در از دست دادن نقدینگی خود خورده‌اند، ایجاد شود.

جمهوری اسلامی هنوز نتوانسته چند هزار نفری را که با سپرده‌گذاری در موسسات مالی و اعتباری مالباخته شدند، حمایت کرده و سرمایه آنها را بازگرداند، حالا با توجه به آنکه بیش از ۱۰ میلیون نفر تا هفته گذشته وارد بازار بورس شده‌اند، زیان‌های گسترده در این بازار موجی از نارضایتی و اعتراض عمومی ایجاد خواهد کرد.

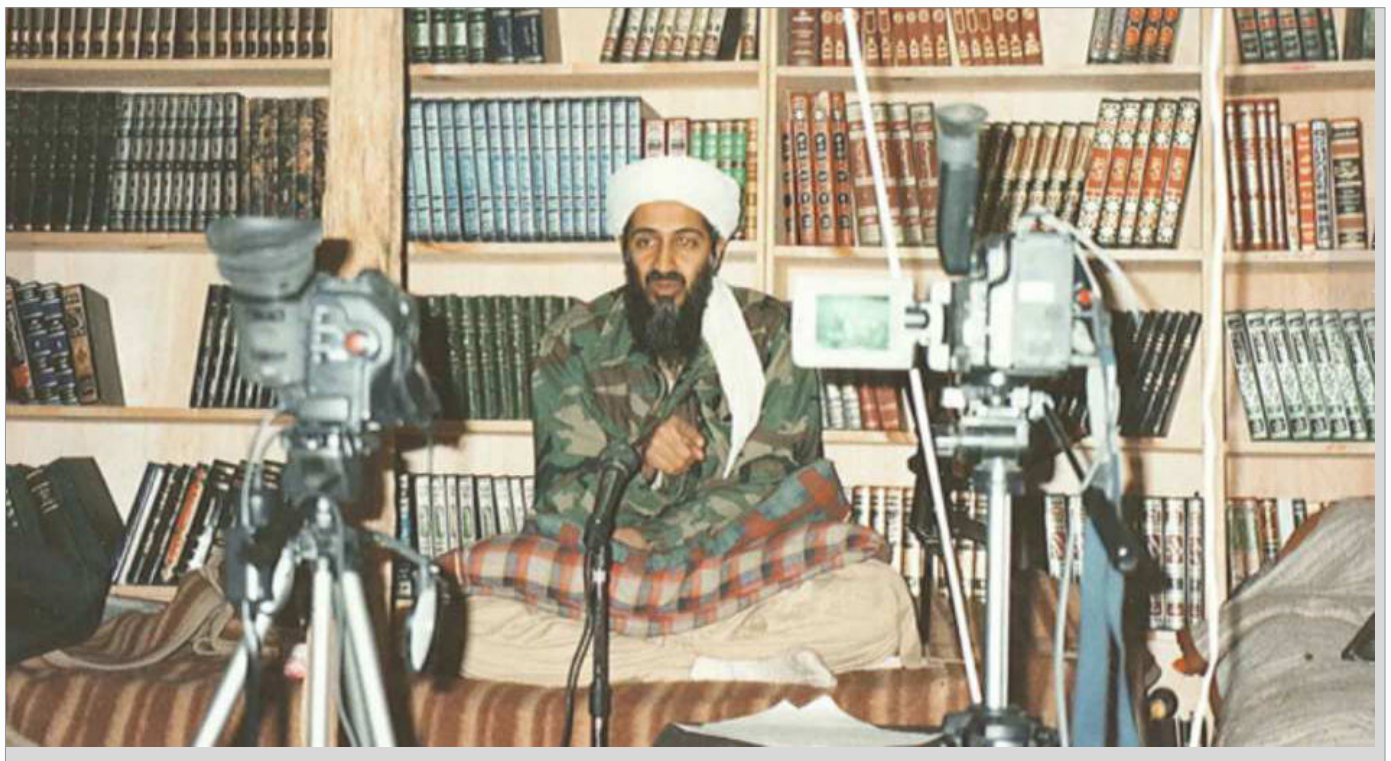

آنچه باید از اتصال سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به «خدا» بدانیم!

● بن‌لادن مَرد خدادوستی بود. او وصیت کرد بخش عمده ثروتش که حدود ۲۹ میلیون دلار تخمین زده می‌شد برای «جهاد در راه خدا» خرج شود.

● اینکه در چه شرایطی برقرار کردن رابطه بین خدا و اسلحه، شلیک به سوی مردم را مشروع می‌کند جای بحث دارد اما «خداباوری» و «الهیات» در اغلب نیروهای مسلّح و سازمان‌های نظامی و شبه‌نظامی حضور دارد.

● عبدالله حاجی صادقی نماینده ولی فقیه در سپاه می‌گوید: هویت سپاه یک هویت مکتبی است و توانمندی آن، نه به میزان امکانات بلکه به میزان اتصالش به خدا است!

● یک کارشناس «روانشناسی نظامی» به اختلال «پارانویای گروهی» اشاره می‌کند و می‌گوید افراد عضو سازمان‌های تروریستی جهادی خود را ناچیز می‌شمارند و آماده تنفر، تقلید و باور بی‌قید و شرط برای انجامِ وظایف می‌شوند.

● به دلایل مختلف مقابله با سازمان‌های تروریستی شیعه دشوارتر از سازمان‌های تروریستی سلفی است از جمله به این دلیل که گروه‌های تروریستی سلفی از قدرت و دستگاه دولتی و حمایت‌های آن برخوردار نیستند!

● هیچ سازمان تروریستی در دنیا به اندازه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نماینده در مجلس یک کشور ندارد! و تازه وقتی در لیست تروریستی قرار می‌گیرد، همان نمایندگان و وزرایی هم که ظاهرا پاسدار نیستند، لباس سپاهی می‌پوشند و در داخل و خارج به حمایت از آن می‌پردازند!

● روحانی و ظریف در عمل همانگونه سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مجامع بین‌المللی هستند که احمدی‌نژاد و خاتمی ور فسنجانی بودند!

حامد محمدی- از شکار اسامه بن‌لادن رهبر القاعده در «ایبت‌آباد» پاکستان ۹ سال می‌گذرد. رهبر بزرگترین سازمان تروریستی دنیا به فرمان باراک اوباما رئیس جمهوری وقت آمریکا در ماه مه ۲۰۱۱ توسط نیروهای ویژه ایالات متحده شکار و کشته شد.

بن‌لادن مَرد خدادوستی بود. او وصیت کرد بخش عمده ثروت وی که حدود ۲۹ میلیون دلار تخمین زده می‌شد برای «جهاد در راه خدا» خرج شود.

شماری از منابع آمریکایی نقل می‌کنند که در نوامبر ۲۰۰۱ بن‌لادن یاران نزدیک خود را جمع می‌کند و برای آنها خطبه می‌خواند و به تشریح عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر در نیویورک می‌پردازد. او در این خطبه بارها و بارها اسم «الله» را می‌آورد و شُکرگزاری می‌کند.

بن‌لادن در این محفل می‌گوید «شکر خدا آمریکایی‌ها از غارهایشان بیرون آمده‌اند. ما اولین ضربه را به آنها وارد کرده‌ایم و ضربه بعدی نیز به دست مومنان به آنها وارد می‌شود. خداوند پاداش عظیمی برای این کار شما در نظر گرفته است».

رهبر القاعده اقدام علیه آمریکا و متحدانش را «جهاد فی سبیل‌الله» می‌دانست و حرکت در این راه را برای خود و همقطارانش یک برکت می‌خواند. بن‌لادن به نام دین برای خود ماموریتی الهی تراشید و هزاران انسان را کشت و آخر سر خود نیز در همین راه کشته و نام‌اش در صدر تروریست‌ها قرار گرفت. این سرنوشت بعدها در مورد سرکردگان و فرماندهان دیگر سازمان‌های شبه‌نظامی نیز در خاورمیانه تکرار شد. در مورد رابطه میان مذهب و تروریسم تحقیقات زیادی شده است. «کشتار در راه خدا» عنوان کتاب جرالد ام. پست ام.دی است که در بخشی از آن به تاثیر باورهای مکتبی بن‌لادن و افراط‌گرایی اسلامی در عملکرد سازمان القاعده می‌پردازد.

سازمان‌های شبه‌نظامی سَلَفی و شیعی از نظر عقاید فرقه‌ای تفاوت‌های زیادی دارند اما ریشه‌ی آنها مشترک است و «بنیاد» و «قاعده»ای که بر آنها قرار گرفته‌اند، یکیست!

عبدالله حاجی صادقی نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌گوید «هویت سپاه یک هویت مکتبی است و توانمندی آن، نه به میزان امکانات بلکه به میزان اتصالش به خدا است!»

او گفته رهبر جمهوری اسلامی سه محور «بصیرت دینی، تقویت معنویت انقلابی، تقویت پیشروندگی» را برای نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران مشخص کرده تا مبنای آن ملاحظه‌کاری کنار گذاشته شود و پاسداری غیرمحافظه‌کارانه از انقلاب اسلامی در سپاه تقویت شود.

رزمایش گردان‌های امنیتی سپاه برای مقابله با اغتشاشات خیابانی؛ هشتم اردیبهشت ۱۳۹۶ شهر گرگان

اینکه در چه شرایطی برقرار کردن رابطه بین خدا و اسلحه، شلیک به سوی مردم را مشروع می‌کند جای بحث دارد اما «خداباوری» و «الهیات» در اغلب نیروهای مسلّح و سازمان‌های نظامی و شبه‌نظامی دیده می‌شود و تفاوت آنها در ماهیت، کیفیت و کاربرد آن است.

در بخشی از سوگندنامه نیروی دریایی ارتش آمریکا آمده «در برابر خدا قسم می‌خورم من و سلاحم مدافع این کشور باشیم»؛ و یا در سوگندنامه نیروهای ویژه ارتش ایالات متحده آمده «من فراخوانده خواهم شد تا زیر سایه کمک و راهنمایی خدایم وظایفم را در گوشه‌ای به دور از چهره‌ها و صداهای آشنایان انجام دهم».

در نیروهای مسلّح کشورهای دموکراتیک معنویات باورمندی به «خدا» در چارچوب دفاع و پاسداری از کیان و تمامیت ارضی آن کشور تعریف می‌شود. نیروهای نظامی به «خدا» قسم می‌خورند که در دفاع از مرزهای سرزمین و خاک وطن و مردم خود جان خویش را نیز فدا کنند و در این راه «پروردگار»، یک نیروی معنوی و فراانسانی، را ناظر و پشتیبان و راهنمای خود می‌دانند. این نوع باورمندی به «خدا»، که باور به وی در خدمت ملت و مملکت است، با کاربُرد خداباوری در نیروهای مسلّح کشورهای غیردموکراتیک یا سازمان‌های شبه‌نظامی و جهادیست‌ها بسیار متفاوت است.

مذهب اگر در خدمت دیکتاتورها باشد هولناک است. و اگر خود قدرت دیکتاتوری را در دست داشته باشد، بسی هولناک‌تر! بخش مهمی از کلیسا در جنگ جهانی دوم یا پشتیبان آدولف هیتلر بود یا در سکوت، جنایات او را نظاره می‌کرد. پشت هیتلر به این کلیسا و پشت «مردان دین» به خدا گرم بود.

در کتاب «سوگندهای کلیسای پروتستان» نوشته جک راجرز [چاپ ۱۹۸۵- صفحه ۱۸۲] آمده: شعار اولین کنوانسیون ملّی «مسیحیان آلمان» در آوریل ۱۹۳۳ این بود که «دولت هیلتر کلیسا را فراخوانده و کلیسا باید فراخوان او را بشنود». در نشست مشترک بین اعضای ارشد کلیسا و حزب نازی متن این کنوانسیون قرائت شد که در مقدمه آن آمده بود: «خدا مرا یک آلمانی خلق کرده، آلمانی بودن یک هدیه از سوی خداست. خدا از من خواسته برای آلمانم بجنگم. خدمت ارتش در هیچ حالتی برخلاف مرام مسیحیت نیست بلکه فرمانبرداری از خداست...»

بر اساس دیدگاه مشترک کلیسا و حزب نازی، نیروهای نظامی ارتش آلمان به خواست خدا با دشمن می‌جنگیدند. در مورد میزان باورمندی هیتلر به خدا و معنویات شک و تردید زیاد است اما یقیناً او به نتایج فوق‌العاده «ایمان قوی: شلیک مطمئن» باور داشت.

برای درک بیشتر این موضوع، شاید یادآوری سکانسی از فیلم «نجات سرباز رایان» بجا باشد. سربازی که در دام افتاده، آیاتی از کتاب مقدس می‌خواند تا جسورانه‌تر شلیک کند و از خداوند می‌خواهد به دستان و انگشتانش قدرت جنگیدن دهد.

آنهایی که علاقمندند بیشتر در مورد رابطه معنویات و جنگ بدانند کتاب «ایمان زیر آتش» نوشته استیون جی.لاسون (۱۹۹۵) قابل توصیه است.

حالا آنچه نماینده ولی فقیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مورد اتصال این تشکیلات به «خدا» می‌گوید، روایت شیعی از همان ایدئولوژی و سیاست حاکم بر رابطه میان نهادهای دینی و نظامی آلمان نازی است.

سوم ماه مه ۲۰۲۰ روزنامه «دیلی میل» در گزارشی نوشت شعبه آلمانی کلیسای کاتولیک «به گناه اعتراف کرد» و اعلام کرد «ما در جنایات نازی‌ها همدست بودیم».

برای چندین دهه کلیسای کاتولیک متهم به سکوت در برابر جنایات نازی‌ها و حتی اقدام به «تقویت» رایش سوم بود. روزنامه تایمز گزارش می‌دهد اسقف‌ها بین سال‌های ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ صدها روحانی و کشیش را به خط مقدم جبهه اعزام کردند تا با موعظه و تبلیغ به سربازان روحیه بدهند که جنگ را علیه مردم خود و ملت‌های دیگر پیش ببرند!

مورخان از مونسینور سزاره اورسنیگو سفیر واتیکان در آلمان در زمان قدرت گرفتن هیتلر چنین نقل می‌کنند: «هیتلر مسیحیت را برای زندگی خصوصی و دولت آلمان و همکاری نازی‌ها با کلیسای آلمان برای شکست بلشویسم ضروری می‌دانست».

با وجود تفاوت‌های بسیار میان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با «وِرماخت» (ارتش آلمان نازی)، هر دو امّا در ابعاد مختلف شباهت‌هایی هم دارند که آنها را قابل مقایسه می‌کند.

الاهه بقراط سردبیر کیهان لندن اوت ۲۰۰۷ به مناسبت اینکه آمریکا در آن زمان قصد داشت این سازمان را در لیست گروه‌های تروریستی قرار دهد (ریاست جمهوری جرج بوش پسر)، در نوشتار کوتاهی با عنوان «اس‌اس انقلاب» که به آلمانی منتشر شد، توضیح می‌دهد که «سپاه پاسداران» از نظر لغوی و معنا عین تشکیلات «اس‌اس Schutzstaffel» در آلمان است و ابراز تعجب می‌کند که چرا در آلمان، ترجمه دیگری به کار می‌رود که در فارسی «گارد انقلاب» و یا «نگهبانان انقلاب» معنی می‌دهد! وی همچنین در توضیح فعالیت‌های سپاه پاسداران نوشت: «این سازمان تروریستی از نظر اقتصادی نیز بسیار فعال است و در کنار یک مشت خانواده‌های ملایان و بنیادهای مذهبی، بخش مهمی از اقتصاد غیرمولد ایران را کنترل می‌کند» و سپس خطاب به آلمانی‌ها و اروپایی‌ها می‌نویسد: «ما ایرانیان، در داخل و در تبعید، مدت‌هاست که امید خود را به هر نوع حمایتی از سوی دولت و احزاب و حتی سازمان‌های غیردولتی آلمان و همچنین اتحادیه اروپا از دست داده‌ایم. جامعه‌ی ما، ملت ما که در خیابان‌ها شکنجه و اعدام می‌شود، در حال غرق شدن است اما این واقعیت پر از خشونت برای کسی اهمیتی ندارد!»

این سخنان مربوط به دوران دولت اول احمدی‌نژاد است. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که پس از جنگ هشت ساله، در دوران رفسنجانی و خاتمی اختاپوس‌وار رشد کرده بود، در دوران احمدی‌نژاد و سپس روحانی فربه و فربه‌تر و «اتصال»اش به قدرت سیاسی و اقتصادی و به همان نسبت به «خدا» بیشتر شد!

ایران‌زدایی در نهادهای نظامی ایران

در آبان سال ۱۳۹۶ کیهان لندن به سندی دست یافت که نشان می‌داد فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی دستور به حذف کلمه‌ی «ایران» از مراسم دعای ارتش داده و «اسلام» و «انقلاب» را جایگزین «ایران» کرده‌اند.

این در حالی بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی بلافاصله متن نیایش صبحگاهی نیروهای مسلح ایران تغییر کرد. سربازان و پرسنل، برخلاف وظیفه‌ای که بطور متعارف در حمایت از مملکت و ملت بر عهده‌ی آنها قرار گرفته، در بخشی از این دعا می‌خوانند «خدایا، ما را از سربازان و زمینه‌سازان ظهور حضرت مهدی محسوب فرما!»

ساختار سازمانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به ظاهر شبیه ارتش است اما در عمل نوع ماموریت و شیوه اجرای آن، چه در داخل کشور و چه در ماموریت‌های برون‌مرزی شبیه ارتش متعارف نیست و بیشتر با سازمان‌های شبه‌نظامی و تشکیلات جهادی و تروریستی قابل مقایسه است. هیچ ارتشی در دنیا خارج از مرزهای کشور خود ۲۰۰ هزار نیروی مسلح تحت امر ندارد!

حجت‌الاسلام موسی غضنفرآبادی رئیس دادگاه‌های انقلاب تهران اسفند سال ۱۳۹۷ در جمع طلاب گفت «اگر ما انقلاب را یاری نکنیم، حشدالشعبی عراقی، فاطمیون افغانی، زینبیون پاکستانی و حوثی‌های یمنی خواهند آمد و انقلاب را یاری خواهند کرد!»

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حقیقت اکنون بزرگترین سازمان تروریستی دنیاست که هم هواپیماهای پهن‌پیکر و موشک‌های بالستیک دوربُرد و مزدوران چندملیتی منطقه‌ای در اختیار دارد و هم قدرتمندترین نهاد در یک رژیم سیاسی است که به منابع هنگفت مالی در اختیار آن است. این سازمان علاوه بر این امکانات مادی، از نظر معنوی نیز متکی به یک ایدئولوژی جهانخوار است. این تشکیلات تروریستی که بر قدرت سیاسی و اقتصادی ایران تسلط دارد، در سرکوب اعتراضات مردم علیه جمهوری اسلامی نقش محوری بازی می‌کند و همزمان با «سپاه قدس» به عنوان بازوی خارجی خود، توسط شبه‌نظامیان وابسته و مزدبگیر، به حمایت از سرکوب اعتراضات در لبنان و عراق و سوریه می‌پردازد.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بیش از آنکه با یک ارتش متعارف و مدرن قابل مقایسه باشد با سازمان‌های شبه‌نظامی و تروریستی خاورمیانه و یا ارتش آلمان نازی قابل مقایسه است.

مارک سیج‌من در فصل سیزدهم کتاب «روانشناسی نظامی» که گردآوری مقالاتی از کارشناسان مختلف در این زمینه است، به ارزیابی ریشه‌های روانی گروه‌های جهادی سَلَفی و نیروهای عضو سازمان القاعده پرداخته است. او به اختلال «پارانویای گروهی» اشاره می‌کند و می‌گوید «افراد عضو این سازمان‌ها خود را ناچیز می‌شمارند و آماده تنفر، تقلید، باورِ بی‌قید و شرط و تلاش برای انجام امورَ ناممکن می‌شوند».

او در بخش دیگری می‌نویسد «ایدئولوژی دینی، منطقی را در برابر پیروانی می‌گذارد و عاشق‌اند که آنها را به کاری بگمارند. گروهی باشد که به آن ملحق شوند یا رهبری که از او پیروی کنند تا به این ترتیب بتوانند از خویشتن خود فرار کنند و از طریق یکپارچگی اعتقادی با دیگران احساس وجود کنند... از این نظر رفتار آنها نوعی عمل دفاعی در مقابل دشمنی است که با نظام مورد باورشان مقابله می‌کند و یکپارچگی روانی آنها را تهدید می‌کند و حاصل آن تحریک رفتارهای پرشور و غالباً خشونت‌آمیز است».

مارک سیج‌من در بخش دیگری از این مقاله می‌نویسد «نفرت و کینه‌جویی از جامعه» در بین اعضای سازمان‌های شبه‌نظامی بسیار پررنگ است و خود را به صورت «تکفیر» نشان می‌دهد و مدام حس بیزاری از جامعه میان آنها تقویت می‌شود و این بیزاری و نفرت از طریق اهانت به نمادهای جامعه‌ی غیرخودی بروز می‌کند.

به باور این نویسنده، جدایی روزافزون در امور دنیوی به اعضای سازمان‌های شبه‌نظامی اسلامگرا این فرصت را می‌دهد تا انگیزه‌های واقع‌گرایانه و سرکوب‌شده‌ی آنها را نادیده بگیرند و بجای آن به اهداف معنوی متوجه شوند. اهدافی که با کمبود منابع و امکانات آنها سازگارتر است.

ایدئولوژی فرقه‌ای اسلامی اعم از سلفی و شیعی بر این باور تاکید دارد که هر مسلمانی وظیفه دارد تا در ساختن امت و حکومت اسلامی ایفای نقش کند. درون سازمان ارزش‌ها چنان تغییر می‌کند که فرد هویت خود را وقف هویت جمعی می‌کند. هویتی که تنها بر پایه‌ی ایدئولوژی و بنیادگرایی می‌تواند وجود داشته باشد.

این نکات تا حدود زیادی با تعریف و اهداف تشکیلات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تطبیق دارد. در میان اعضای سپاه پاسداران باروهای عقیدتی بر باورهای ملّی غلبه کرده است اگرچه به تازگی تلاش می‌شود تا «ناسیونالیسم هیتلری» را نیز چاشنی «ایران اسلامی» خود کنند.

بر اساس این درک از «باور ملی» است که قاسم سلیمانی فرمانده پیشین سپاه قدس در وصیتنامه‌اش خدا را برای اینکه در راه اسلام و خمینی قرار گرفته شکر می‌کند و می‌نویسد «امروز قرارگاه حسین‌بن علی، ایران است». «ایران» برای سلیمانی و هم‌کیشانش فقط یک «قرارگاه» است! از همین رو در جای دیگری از وصیتش نوشته «مهمترین هنر خمینی عزیز این بود که اول اسلام را به پشتوانه ایران آورد و سپس ایران را در خدمت اسلام قرار داد... اگر اسلام نبود و اگر روح اسلامی بر این ملت حاکم نبود، صدام چون گرگ درنده‌ای این کشور را می‌درید؛ آمریکا چون سگ هاری همین عمل را می‌کرد، اما هنر امام این بود که اسلام را پشتوانه آورد؛ عاشورا و محرّم، صفر و فاطمیه را به پشتوانه این ملت آورد، انقلاب‌هایی در انقلاب ایجاد کرد، به این دلیل در هر دوره هزاران فداکار جان خود را سپر شما و ملت ایران و خاک ایران و اسلام نموده‌اند و بزرگ‌ترین قدرت‌های مادی را ذلیل خود نموده‌اند. عزیزانم، در اصول اختلاف نکنید!»

آنچه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی امروز نمایندگی می‌کند نه «ملی‌گرایی» بلکه ناسیونالیسم افراطی و نژادپرستانه‌ای مشابه ناسیونال سوسیالیسم نازی‌ها است که این‌بار در خدمت «مکتب اسلام» درآمده است. آنها که خود را متّصل به خدا می‌بینند، بیش از همه به منابع هنگفت پول دسترسی دارند و بر قدرت دنیوی محض تکیه زده‌اند!

ابعاد تروریستی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، یکی از تفاوت‌های آن با ارتش نازی آلمان هیتلری است. فقط از یک سازمان تروریستی ساخته است که هواپیمای مسافربری خودی را با موشک بر فراز پایتخت خود سرنگون کند و آنگاه جعبه سیاه‌اش را تحویل ندهد و به آزار و اذیت خانواده‌های قربانیان بپردازد تا دست از شکایت بردارند. در رأس چنین سازمانی فقط افرادی قادرند قرار گیرند که نمی‌توان آنها را در چارچوب‌های متعارف افراد «عادی» قرار داد! آنها و سیستمی که مجموعه‌ای از افراد مانند خودشان را تحت کنترل دارند «عادی» نیستند.

تا پیش از قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا، «القاعده» بزرگترین سازمان تروریستی دنیا بطور رسمی به شمار می‌رفت.

به دلایل مختلف مقابله با سازمان‌های تروریستی شیعه دشوارتر از سازمان‌های تروریستی سلفی است از جمله به این دلیل که گروه‌های تروریستی سلفی از قدرت و دستگاه دولتی و حمایت‌های آن برخوردار نیستند!

ادامه در صفحه ۱۷

ا نا لله و انا الیه راجعون

همانا ما از آن خداییم و به سوی او بازمی‌گردیم. *(سوره بقره، آیه ۱۵۶)*
هر جانداری چشندهٔ طعم مرگ است، و ما شما را به خیر و شر آزمایش می کنیم، و به سوی ما بازتان می‌گردانند. *(سوره انبیاء، آیه ۳۵)*

بیژن کیانی

روز جمعه پنجم اردیبهشت ۱۳۹۹ مقارن با اولین روز ماه مبارک رمضان، پدر،پدر بزرگ و دوست عزیز و مهربانمان بیژن کیانی در سن ۸۴ سالگی به سوی خدا بازگشت.
او پدر و پدربزرگی مهربان و یک دوست صمیمی و واقعی برای کسانی که او را می‌شناختند بود. قلب و روح او همیشه پر از عشق و شجاعت و سخاوت بود وحتما به خاطرعشق بی‌قید و شرط به میهنش، از او یاد خواهد شد.
بیژن کیانی که در آمریکا اقامت داشت، در ششم اسفند ۱۳۱۴ در بندرانزلی (پهلوی) بدنیا آمد و در تهران رشد یافت. ایشان فرزند غلامحسین کیانی، نواده یوسف تاج‌کیانی و نتیجه آیت‌الله فخرالدین حکیمی بودند. مادر بیژن، ربابه بانو (مهین) سمیعی و از سمت ایشان نوه آیت‌الله صدرگیلانی بودند. برادر ایشا ن مرحوم کامبیز کیانی بودند. فرزندانی که از ایشان به یادگار ماندند، شان کیانی و سارا کیانی و نوه‌های ایشان لوید کیانی، گابریل کیانی و مایلا کیانی. برادرزاده‌های ایشان سامان کیانی و سالومه کیانی.
شوق بی‌همتای او برای ورزش و ورزشکاران ایرانی انکارناپذیر بود.یادآوری عشق و ایثار او برای خانواده و دوستانش و بسیاری از ایرانیان در سراسر دنیا بسیارغمناک است.
خداوند او را رحمت کند، اعمال نیکش را بپذیرد، در بهشت برین جای دهد و به خانواده کیانی و سمیعی صبر و بردباری اعطا کند. التماس دعا و بخشش برای ایشان از درگاه خداوند متعال داریم که در نزد معبود خویش و بهشت برین باشد.
فرزندان: شان کیانی، سارا کیانی
نوه‌ها: لوید کیانی، گابریل کیانی و مایلا کیانی
برادرزادگان: سامان کیانی و سالومه کیانی
سایر دوستان و بستگان و آشنایان: امینی، حکیمی، گیلانی، سمیعی، شایسته، یزدان‌پناه، اکبر، سلیمانی، توکلی، ذوقی، انصاری، مژدهی، فزون‌مایه، زاویه، Davis&Mason، Everett، Perry، Wheeler
لطفا در صورت تمایل مراتب تسلیت و همدردی خود را به نشانی trustkiani@gmail.com ارسال فرمائید.

با وجود گسترش کُرونا، بازار تن‌فروشی در ایران همچنان داغ است

با وجود گسترش ویروس کُرونا در سراسر جهان، بازار فحشا در ایران نیز مانند دیگر کشورها حتی در این شرایط، همچنان داغ است.

جامعه‌شناسان عوامل روی آوردن زنان را به فحشا در ایران کنونی، فقر، اعتیاد، ازدواج اجباری، بیکاری، زیاده‌خواهی، تنوع‌طلبی مردان، وجود فضای یأس و ناامیدی میان جوانان و نبود امکانات برای ازدواج و تشکیل خانواده، ازدواج مجدد مردان و طلاق می‌دانند.

آخرین آمارهای سازمان بهزیستی ایران نشان می‌دهد که سن فحشا در کشور شانزده سالگی است.

به گفته دکتر معینی کارشناس آسیب‌های اجتماعی با اشاره به آمار در مدت هفت سال، متوسط سن فحشا در ایران از ۲۸ سال به زیر ۲۰ سال رسیده و حتی اخیرا تا سن ۱۳ سالگی پایین آمده و میان نوجوانان بطور روزافزون گسترش پیدا کرده است.

وبسایت دیدارنیوز که این گزارش را تهیه کرده از یک تن‌فروش به نام «افروز شش‌دانگ» نام برده که به گفته خودش این نام را همکارانش در دورانی که بطور حرفه‌ای مواد مخدر حمل می‌کرده، برای او انتخاب کرده بودند. اما افروز کاری که در حال حاضر انجام می‌دهد «ذلت» می‌داند و می‌گوید: دور میدان شوش، محله هرندی و اطراف آن همه جور زنی را می‌توان دید اما قیمت آنها پایین است چون بیشتر آنان معتاد هستند و هزار جور بیماری دارند که ایدز یکی از آنهاست.

او افزوده: البته بطور کلی مردهایی که در این محله‌ها به سراغ ما می‌آیند، «آدم حسابی» نیستند. ضمنا نرخ روسپی‌های این خیابان‌ها به خاطر اعتیاد سنگینی که دارند و به شدت برای خرید مواد نیازمند پول هستند، بسیار پایین است.

در این گزارش به وضعیت روسپیگری در شمال شهر تهران هم اشاره شده و اینکه مکان‌هایی هستند که به عنوان سالن‌های ماساژ غالبا خدمات جنسی ارائه می‌دهند و زنانی که در آنجا مردها را ماساژ می‌دهند، به منزل مشتریان این سالن‌ها نیز می‌روند.

این سالن‌ها مراجعان خاص هم دارند که دخترها با دریافت هفتصد هزار تومان با ماساژ گیرنده رابطه جنسی هم برقرار می‌کنند.

ضمنا برخی دخترانی که مردان را در این سالن‌ها ماساژ می‌دهند و یا به خانه آنها می‌روند، ۱۳ یا ۱۴ سال بیشتر ندارند.

تأملات بهنگام؛ در باب ....

از صفحه ۱۲

از «هکلبری فین» مارک تواین تا «رگتایم» دکتروف، از «پیرمرد و دریا»ی همینگوی تا «بازمانده‌ی روز» ایشی‌گورو، از آثار سترگ برتراند راسل، آیزایا برلین و ویلیام فاکنر تا پرت و پلاهای جبران خلیل جبران، همگی به همت و دعوت نجف دریابندری، به زیباترین شکل ممکن جامه‌ی پارسی پوشیده‌اند و به میهمانی فارسی‌زبانان عالَم آمده‌اند تا درک ما را از «انسان‌بودن»، وسعت ببخشند. از این رو، باید سپاسگزار دریابندری باشیم و به احترام وی کلاه از سر برداریم.

سخن آخر اینکه، از نسل دریابندری، به زحمت به عدد انگشتان دو دست «آدم فرهنگساز» باقی مانده‌اند. آدم‌هایی چون محمدعلی موحد، فتح‌الله مجتبایی و به ویژه منوچهر انور، دوستان دریابندری و گزیدگان باقی‌مانده از این نسل هستند. به اینها اضافه کنید ابراهیم گلستان و هوشنگ ابتهاج را که هر چند دانش و پیراستگی آن سه نفر را ندارند اما هنرمندی و خلاقیت دوران جوانی و میانسالی‌شان، هنوز مثال‌زدنی و وجودشان همواره مغتنم است. همه‌ی این بزرگان، بیش از نود سال سن دارند و عنقریب بانگ الرحیل، قافله‌ی عمر آنها را به مقصد نهایی خواهد خواند. بر ماست که با خواندن، دیدن و شنیدن آثارشان، قدرشناس کار آنها باشیم.

*نجف دریابندری سه مجموعه مقاله دارد با عناوین: «در عین حال»، «به عبارت دیگر» و «از این لحاظ»

** صاحب این صفحه کلید، در این مقاله، به عمد از پرداختن به دو موضوع پرهیز کرده است. یکی اشاره به دلبستگی‌های سیاسی نجف دریابندری و دیگر نامدارانی که ذکرشان در این مقاله آمد، و دیگری ماجرای مشغولیت طولانی و پرثمر دریابندری در «مؤسسه انتشارات فرانکلین». این هر دو محتاج مطالبی جداگانه هستند.

بطور خلاصه، در موضوع اول: سیاهکاری‌های حزب توده به عنوان سرسلسله‌ی ارتجاع سرخ در تاریخ معاصر ایران، به هیچ رو قابل انکار نیست اما دور از عقل سلیم است که به صِرف حضور کوتاه مدت بسیاری از فرهنگسازان ایران معاصر در این حزب، بر آثار و خدمات ارزشمند آنها خط بطلان بکشیم. نقد صریح و بی‌تعارف عقاید و دلبستگی‌های این نامداران- به شرط اطلاع و آگاهی ناقد از موضوع بحث- البته لازم است.

در باب موضوع دوم: در سال‌های نخست تشکیل مؤسسه فرانکلین، مثلث ویراستاری منوچهر انور، فتح‌الله مجتبایی و نجف دریابندری زیر نظر همایون صنعتی‌زاده، کارهای درخشان تحویل بازار کتاب ایران دادند که هنوز پس از شصت و چند سال، مثال‌زدنی هستند. سرویراستار این جمع جناب منوچهر انور بود که فتح‌الله مجتبایی را به توصیه‌ی نادر نادرپور و نجف دریابندری را به توصیه‌ی دکتر عبدالرحیم احمدی به مؤسسه فرانکلین آورد. شرح زحمات همایون صنعتی‌زاده برای گرفتن مجوز کار دریابندریِ سابقه‌دار از ساواک و ماجراهای پس از آن، به‌خصوص سیاهکاری‌های علی‌اصغر مهاجر برای نابودی همایون صنعتی‌زاده و آسیب زدن به رابطه‌ی صنعتی زاده و جمع همراهش (به ویژه منوچهر انور و دکتر غلامحسین مصاحب) عبرت‌آموز است.

حقیقت «مادرانه» ....

از صفحه ۵

در مورد استفاده از تصویر پارچه سرخ‌فام باید بگویم که بسیار به دنبال چنین تصویری گشتیم تا پیدایش کردیم. در این ویدئو از رنگ سرخ که می‌تواند نماد شور و سرزندگی باشد بسیار استفاده کردیم. در جایی که از ادامه زندگی و جاودانه شدن پرستار می‌گوییم تصویر شکفته شدن سریع گلسرخ را داریم و برعکس در صحبت از مرگ، مچاله شدن سریع گلسرخ را...

● شما از موسیقی بتهوون استفاده کرده‌اید؛ آیا تضادی بین این موسیقی و نماهای ایرانی فیلم وجود ندارد؟ این باعث فاصله گرفتن تماشاگر از فضای فیلم نمی‌شود؟

-ما نمی‌خواستیم از موسیقی ایرانی که آشنا و غم‌انگیز است استفاده کنیم که تماشاگر ایرانی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. ما می‌خواستیم با موسیقی نوعی آشنایی‌زدایی انجام بدهیم. می‌خواستیم یک موسیقی کلاسیک غربی که برای تماشاگر ایرانی به اندازه موسیقی ایرانی آشنا نیست، به کار ببریم. نمی‌خواستیم موسیقی باعث غم‌انگیز شدن کار شود؛ بلکه برعکس، می‌خواستیم از دریچه «ستایش شادی» وارد شویم. حزن‌انگیز بودن موسیقی ایرانی این اجازه را نمی‌دهد؛ و از موسیقی بتهوون استفاده کردیم چون امسال ۲۵۰امین سالروز این موسیقیدان بزرگ است.

● در مورد بیان سوسن فرخ‌نیا که متن ویدئو را اجرا می‌کند، در ذهنِ بیننده این تصور ایجاد می‌شود کَه مادر مرگ فرزند را قبول نکرده و همچنان در یک دنیای خیالی با او صحبت می‌کند.

-ببینید، نکته مهم این است که برای یک مادر و به‌خصوص یک مادر تک‌فرزند، این فرزند هرگز تا زمانی که مادر زنده است نمی‌میرد. خاطره‌ی این فرزند تا مرگ با او می‌ماند. اینگونه مادران ممکن است کارهایی که از نظر ما عجیب است هم بکنند مانند شستن لباس‌های فرزند از دست‌داده‌ی خود؛ ممکن است با وی یک دنیای خیالی بسازند. البته در مورد این ویدئوآرت، فراتر از این نکات، پیام نهایی خطاب به سوکوبگران است که هرقدر از فرزندان ما بکُشید آنها برای مادران و مردمی که به خاطرشان جان باخته‌اند، جاودانه خواهند ماند و سرانجام آرمان‌های آنها تحقق پیدا خواهد کرد. این فرزندان از بین نمی‌روند و شما سرکوبگران نمی‌توانید آنها را بکُشید!

این مادر که موفق به دیدار فرزندش بر مزار وی شده، زیرا نیروهای سرکوب ورود بستگا آنها را به آرامستان ممنوع کرده بودند، می‌آید و در کنار مزار فرزند شراب می‌نوشد و با یاد وی سرمست می‌شود و با فرزندش در دنیای خیالی خود درددل می‌کند. این فضا نمی‌بایست بیش از حد غمناک باشد بلکه امید را تداعی کند.

وضعیت روزنامه‌نگاران ....

از صفحه ۵

خبرگزاری رویترز به تاریخ ۱۹ اسفند ۱۳۹۸ (۲۷ مارس ۲۰۲۰) در گزارشی در باره این ترور منتشر و به «دست داشتن دو دیپلمات جمهوری اسلامی ایران در ترکیه اشاره کرده است.»

انتظار در سایه‌ی تهدیدی دیگر : ویروس کرونا

ترس و آسیمه‌سری با آغاز همه‌گیری کرونا در ترکیه بیشتر شده است. علیرضا روشن شاعر، نویسنده و عضو سردبیری سایت اطلاع‌رسانی مجذوبان نور که پس از حوادث کوی گلستان تهران و بازداشت شماری از همکاران این سایت که با همسر و فرزندش به ترکیه پناهنده شده است می‌گوید :« اداره‌ی مهاجرت همه کارها را متوقف کرده‌اند و کمیساریای عالی پناهندگی هم ناتوان است.» پیش از کرونا نیز وضعیت پناهجویان سامان چندانی نداشت در وضعیت کنونی این نابسامانی بدتر خواهد شد. یکی از روزنامه‌نگار پناهجوی دیگر که در سال ۱۳۹۴ به ترکیه آمده است و خواهان فاش شدن نامش نیست درباره وضعیت‌اش می‌گوید، «پس از تایید پناهندگی‌ام از سوی سازمان ملل در مرحله تعیین کشور قرار شد به آمریکا بروم، ولی در سال ۲۰۱۷ برنامه پذیرش پناهنده‌ها در آمریکا با تصمیم دولت دونالد ترامپ متوقف شد و من در اینجا ماندگار شدم» تنها امید امروزش ناامیدی و سیاهی است. او در میان قطع کمک‌ها به پناهندگان، تهدیدهای تداوم‌دار رژیم در شبکه‌های اجتماعی و خطر دچار شدن به کرونا، گرفتار شده است.

درردبندی جهانی آزادی مطبوعات ۲۰۲۰ گزارشگران بدون مرز از میان ۱۸۰ کشور جهان جمهوری اسلامی ایران در رده ۱۷۳ و ترکیه در رده ۱۵۴ قرار دارند.

چرا خروج از سوریه ....

از صفحه ۷

یحیی رحیم‌صفوی فرمانده سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌گوید استفاده از حزب‌الله و حشدالشعبی «مدل فکری مقاوم‌سازی مردم در مقابل فرهنگ لیبرال دموکراسی است!»

قرارگاه خاتم‌الانبیاء سپاه پاسداران و آنچه به عنوان «بخش خصوصی» در ایران وجود دارد که پیدا و پنهان به نظامی‌های سپاهی و شرکای آنها وابسته است، در سوریه سرمایه‌گذاری‌های کلان کرده‌اند.

در بهمن سال ۱۳۹۶ رحیم‌صفوی با حمایت از مداخله نظامی فعال ایران در سوریه گفته بود «ما بطور جدی خواستار استقلال و تمامیت ارضی سوریه هستیم. جمهوری اسلامی ایران هم بایستی هزینه‌هایی که در سوریه کرده است را برگرداند و سوری‌ها این آمادگی را دارند که از نفت، گاز و معادن فسفات سوریه [این هزینه‌ها را برگردانند]».

بر اساس برآوردهای کیهان لندن تا کنون بیش از شش هزار عضو سپاه قدس (به انضمام فاطمیون و زینبیون) در سوریه و عراق کشته شده‌اند اما داخل سپاه پاسداران کم نیستند سردارانی که برای حضور در سوریه کیسه دوخته‌اند. آنها به آسانی حاضر به از دست دادن منافع خود نیستند.

خروج نظامی و نیروهای شبه‌نظامی وابسته به سپاه قدس از سوریه و عراق و یمن برای جمهوری اسلامی ساده نیست. همچنین انتقال تجهیزات و ادوات نظامی و نیروهایی که به تدریج طی هشت سال به این کشورها منتقل شده‌اند نیز کار ساده‌ای نیست. تخمین زده می‌شود تا ابتدای سال ۱۳۹۹ دست‌کم ۱۰ هزار نیروی افغان و پاکستانی در لشکرهای فاطمیون و زینبیون زیرنظر سپاه قدس بازوی خارجی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سوریه حضور داشته‌اند. بازگرداندن این حجم نیروی شبه‌نظامی به ایران آنهم در شرایطی که بیکاری در کشور بیداد می‌کنند و فرصت شغلی برای آنها وجود ندارد رویدادی هولناک برای خود رژیم است. آنها بعد از سال‌ها جنگ در سوریه توقع دارند امتیازاتی از جمهوری اسلامی که آنها را به جنگ فرستاده است بگیرند؛ شاید نه مسکن و اتومبیل اما دست‌کم بیمه و حق اقامت قولی بوده که مجلس شورای اسلامی با چراغ سبز علی خامنه‌ای به آنها داده است.

جدا از آرزوهای ایدئولوژیک و سلطه‌جویانه، مجموعه‌ی این شرایط و شواهد است که بخشی از مشکلات جمهوری اسلامی را در عقب‌نشینی از سوریه و عراق و دیگر کشورهای «محور مقاومت» تشکیل می‌دهد. از همین روست که تحلیلگران معتقدند سوریه بجای آنکه سکوی پرتاب پیروزمند جمهوری اسلامی به سوی «قدس» و «بیت‌المقدس» باشد، باتلاقی است که آن را در خود فرو خواهد کشید.

آنچه باید از اتصال ....

از صفحه ۱۶

بخشی از بدنه سیاسی جمهوری اسلامی را اعضا و وابستگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکیل می‌دهد. آنها در هر وزارتخانه و سازمانی پست و مقام دارند. سپاه پاسداران انقلاب هر جا که لازم باشد «دیپلمات» دارد و هر جا که نیاز داشته باشد، گروه نیابتی و شبه‌نظامی! این نکات درباره هیچکدام از گروه‌های تروریستی دیگر صدق نمی‌کند! اعضای داعش و القاعده و حتی طالبان را که زمانی قدرت دولتی داشتند را می‌توان در بیابان محاصره و نابود کرد اما در مورد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی وضعیت متفاوت است. سپاه پاسداران به دلیل در دست داشتن قدرت دولتی، تنها سازمان تروریستی دنیاست که هم وزیر دارد و هم سفیر و هم در نشست‌های مجامع بین‌المللی شرکت و سخنرانی می‌کند! روحانی و ظریف در عمل همانگونه سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند که احمدی‌نژاد و خاتمی و رفسنجانی بودند!

هیچ سازمان تروریستی در دنیا به اندازه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نماینده در مجلس یک کشور ندارد! و تازه وقتی در لیست تروریستی قرار می‌گیرد، همان نمایندگان و وزرایی هم که ظاهرا پاسدار نیستند، لباس سپاهی می‌پوشند و در داخل و خارج به حمایت از آن می‌پردازند!

فصل مشترک سازمان‌های تروریستی سلفی با تشکیلات تروریستی شیعی مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اما در این است که اگر با آن مقابله نشود، صلح و ثبات منطقه را بهم ریخته و مردم را قتل عام می‌کند؛ چنانکه در ایران و عراق و سوریه کرده است!

اکنون که آمریکا در صدد مقابله‌ی جدی با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برآمده، این تشکیلات خود را بیشتر در خطر می‌بیند و مجبور می‌شود بیش از پیش به مبانی خود، یعنی خدا و اسلحه، اتکا کند.سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نه محافظ ملت و مملکت بلکه طبق تعریف وظایف‌اش، مسئول حفظ انقلاب و نظام جمهوری اسلامی است حتی اگر به کشتار مردم و نابودی سرزمین بیانجامد.

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
NEWS & VIEWS
FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

دارالترجمه بین المللی فریس
زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)
ترجمه رسمی شناسنامه، قباله ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن: 8831020-8222/8884020-8222/6500020-8735
فکس: 020-7760 7160
www.assot.co.uk / Email: assot@aol.com
Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne Road Hammersmith , London W6 0LH
دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

KAYHAN LONDON ONLINE
کیهان
سال سی و ششم ـ شماره ۱۷۲۶ (شمارهٔ ۲۶۰ از دورهٔ جدید)
جمعه ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ خورشیدی – ۱۵ رمضان ۱۴۴۱ قمری ـ ۸ مه ۲۰۲۰ میلادی
No.1726 Friday 08 May 2020
P.O. Box 435,Old Brompton Road 2,London, SW7 3DQ
Tel: +(44)-(0)20 3633 3684 Fax: +(44)-(0)20 3633 3685
e-mail: ads@kayhan.london - www.kayhan.london

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد
نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

میزان بی‌اطلاعی از مسائل ایران در گزارش‌های رسانه‌های غربی حیرت‌آور است

● وقتی مقامات جمهوری اسلامی به ایالات متحده سفر می‌کنند انگار عروسی آنهاست یا گویی به مهمانی رفته‌اند؛ از پیش با همه‌ی رسانه‌ها قرار می‌گذارند و با شور و اشتیاق به دنبال مصاحبه با رسانه‌ها هستند.

● در موضوع هسته‌ای رسانه‌های غربی برای دو دهه بی‌اطلاعی خود را اثبات کردند با ادعای اینکه تجهیزات هسته‌ای در ایران ساخته می‌شود.

● نیروهای بسیجی و سپاهی در ایران توان ساخت یک عروسک پلاستیکی یا چرخ گوشت را بطور کامل ندارند چه برسد به سانتریفیوژ.

● ظرفیت‌های سپاه و بسیج در برگزاری مراسم محرم و زدن موکب و بسیج اتوبوس برای آوردن نیرو به تظاهرات حکومتی و کتک زدن و اعدام و موتورسواری خیابانی است و نه بیشتر.

● بوق‌های تبلیغاتی داخلی هر روز مطالب رسانه‌های غربی را که بر اساس دروغ‌های رژیم تهیه می‌شوند به عنوان اعتراف دشمن به پیشرفت‌های جمهوری اسلامی منتشر می‌کنند و به نادانی آنها در دل می‌خندند.

مجید محمدی – میزان ناآگاهی خبرنگاران و گزارشگران غربی از مسائل ایران برای کسانی که نهادهای نظام و هسته‌ی سخت آن را می‌شناسند و اخبار ایران را در این رسانه‌ها دنبال می‌کنند مایه‌ی شگفتی است. برای پژوهشگران مستقل و آزاد تحولات ایران، گزارش‌های تهی و گاه دروغ این رسانه‌ها در مورد ایران بسیار ناامیدکننده است که ببینند خبرنگاران و نویسندگان رسانه‌ها در دنیای آزاد (اکثرا هویتگرا و متمایل به چپ) مواد و روایت‌های دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی‌را قرقره می‌کنند. این بی‌اطلاعی را در چند وجه توضیح می‌دهم.

خبرنگاران دست‌آموز و مصاحبه‌شوندگان دستچین شده

خبرنگاران دستچین شده‌ای (توسط وزارت خارجه‌ی جمهوری اسلامی) که می‌توانند به ایران سفر کنند همه باید موجوداتی بی‌اطلاع، بی‌خاصیت و رام باشند بدون آنکه در عمرشان چیزی علیه جمهوری اسلامی‌و اسلامگرایی گفته باشند. آنها در ایران تنها به همراه ناظر اداره‌ی مطبوعات خارجی می‌توانند به نقاط خاصی بروند (پاساژهای شیک خیابان میرداماد یا مغازه‌های خیابان آفریقا) و با افراد مورد نظر (حسین شریعتمداری کیهان تهران، بسیجیان در نماز جمعه، اعضای مؤتلفه‌ی اسلامی، و معتمدان وزارت اطلاعات) مصاحبه کنند. با این نوع تماس‌ها آنها واقعا تا چه حد می‌توانند تصور واقع‌بینانه‌ای از ایران به دست آورند؟ حیرت‌انگیز است که این خبرنگاران هیچگونه تماسی با تحلیلگران مسائل ایران ندارند. نکته‌ی جالب این است که اینها قبل از سفر به ایران یا مصاحبه با مقامات جمهوری اسلامی کاملا نسبت به مسائل ایران بی‌اطلاع هستند. این را از پرسش‌های آنها می‌توان فهمید.

به عنوان کسی که چهل است در مورد ایران مطالعه می‌کنم و می‌نویسم و ده‌ها کتاب در این مورد (به فارسی و انگلیسی) نوشته‌ام، در بیست سالی که در ایالات متحده هستم (با ده سال فعالیت آموزشی در دانشگاه‌های این کشور) حتی یک خبرنگار آمریکایی یا شبکه‌ی تلویزیونی آمریکایی در موضوعات تخصصی خودم (مثل دستگاه قضایی یا سازمان روحانیت که در باب آنها چندین اثر به زبان انگلیسی منتشر کرده‌ام) با من تماسی نداشته است. آنها اصولا با این موضوعات کاری ندارند. اما تا دلتان بخواهد اعضای لابی جمهوری اسلامی (معرفی شده توسط دولت اوباما) در این رسانه‌ها حضور دارند. آنها اگر در گوگل بر اساس موضوعات خاصی جستجو کنند صدها ایرانی کارشناس و مستقل پیدا می‌کنند که نظراتشان مورد توجه این رسانه‌ها نیست. در نوشته‌های آنها در مورد ایران غیر از اشاراتی به مقامات جمهوری اسلامی‌از فرد دیگری نقل قول نمی‌شود تا دیدگاه مقابل هم آورده شود. در این سال‌ها صدها ایمیل در مورد اطلاعات نادرست آنها به سردبیرانشان فرستاده‌ام ولی اگر کسی آنها را انتقاد کند نادیده گرفته می‌شود. آنها اگر بخواهند با ناظران مسائل ایران مصاحبه کنند به سراغ اعضای لابی جمهوری اسلامی یا چهره‌های مورد نظر حکومت (جواد لاریجانی، علیرضا مرندی) می‌رفته‌اند.

یکبار مصاحبه‌های خبرنگاران انواع رسانه‌های آمریکایی و اروپایی با مقامات جمهوری اسلامی را مرور کنید. همه مثل دیوار در مقابل آنها می‌نشینند و به آنها تریبون می‌دهند که حرف بزنند و برای نظام تبلیغ کنند. به همین علت است که وقتی مقامات جمهوری اسلامی به ایالات متحده سفر می‌کنند انگار عروسی آنهاست یا گویی به مهمانی یا سفر تفریحی رفته‌اند؛ از پیش با همه‌ی رسانه‌ها قرار می‌گذارند و با شور و اشتیاق به دنبال مصاحبه با رسانه‌ها هستند. حتی یک پرسش چالشی از آنها نمی‌شود و اگر خبرنگاری چنین کاری کند رسانه‌اش دسترسی یا سفر به ایران یا مصاحبه با مقامات جمهوری اسلامی را از دست می‌دهد. ظریف و دیگر رفقا چون عدم شجاعت و بدون اصول بودن این رسانه‌ها را می‌شناسند به همان ترتیب با آنها رفتار می‌کنند.

بی‌اطلاعی از صنایع نظامی

خبرنگاران خارجی از حیث اطلاع نسبت به ساختارهای نظامی و فنی در ایران در بی‌اطلاعی مرکب بسر می‌برند. آنها نمی‌دانند که در ایران اصولا خط تولید و تحقیقات و توسعه و دیگر زیرساخت‌های علمی و فنی وجود ندارد تا بر روی آنها تولید نظامی یا دیگر تولیدات شکل بگیرد. در کشوری که هرگونه تولید مونتاژ است و از جان آدمیزاد تا شیر مرغ وارد می‌شود (حتی سنگ قبر و جانماز) تحقیقات مرتبط با توسعه‌ی سلاح هسته‌ای یا موشکی وجود ندارد. آنها به دلیل همین بی‌اطلاعی مفرط هرگونه وجود موشک و پهپاد در اختیار سپاه را به متخصصان داخلی ایرانی نسبت می‌دهند در حالی که این تجهیزات همه از پاکستان و کره‌ی شمالی و چین و روسیه با نفت و درآمدهای نفتی که برای آنها ارسال می‌شود خریداری می‌شود. بخشی از تجهیزات نیز توسط قاچاقچیان بین‌المللی از کشورهای غربی خریداری شده و برای آنها ارسال می‌شود تا مونتاژ شود.

> **گزارش‌های برخی رسانه‌های غربی درباره «توانایی»های جمهوری اسلامی از اتم و موشک تا غلبه بر کُرونا، فرقی با گزارش‌های رسانه‌های وابسته در داخل ندارند**

در موضوع هسته‌ای رسانه‌های غربی برای دو دهه بی‌اطلاعی و فقدان روزنامه‌نگاری جستجوگرانه‌ی خود را اثبات کرده‌اند با ادعای اینکه تجهیزات هسته‌ای در ایران ساخته می‌شود. حتی در یک مورد همکاری‌های هسته‌ای و موشکی جمهوری اسلامی و کره شمالی توسط رسانه‌هایی که امروز به قدرت هسته‌ای جمهوری اسلامی «اعتراف» می‌کنند گزارش نشده است (اگر باور ندارید در آرشیو نیویورک تایمز و وال استریت جورنال از ۱۹۸۹ تا امروز این موضوع را جستجو کنید). نیروهای بسیجی و سپاهی در ایران توان ساخت یک عروسک پلاستیکی یا چرخ گوشت را بطور کامل ندارند چه برسد به سانتریفیوژ. ریاضیدانان و فیزیکدانان ایرانی نیز راه کشورهای غربی را در پیش می‌گیرند. جمهوری اسلامی استاد نامگذاری است اما با نامگذاری آنها تحت عنوان آی ار-۱ یا آی آر-۶ این محصولات به تولید داخلی تبدیل نمی‌شوند! همه‌ی اینها از کره‌ی شمالی و پاکستان یا قطعات آنها از کشورهای غربی خریداری شده و کارخانه‌ی تولیدکننده بر رویش مهر ساخت ایران می‌زند. آیا اینها از خود نپرسیده‌اند که کره‌ی شمالی نفت و منابع دیگر خود را از کجا و با کدام پول تامین می‌کند، کشوری که نه منابع زیرزمینی قابل توجهی دارد و نه صنعت پیشرفته و نه صادرات قابل توجه به غیر از سلاح‌های کشتار جمعی؟!

مشکل نپرداختن به این تبلیغات سیاسی مبنی بر تولیدات داخلی سلاح‌های پیشرفته آن است که افرادی در داخل و خارج این ادعاها را باور می‌کنند و با شیفتگی آنها را به جمهوری اسلامی‌نسبت می‌دهند.

ظرفیت‌های سپاه و بسیج در برگزاری مراسم محرم و زدن موکب و بسیج اتوبوس برای آوردن نیرو به تظاهرات حکومتی و کتک زدن و اعدام و موتورسواری خیابانی است و نه بیشتر. البته دکمه‌ی شلیک موشک‌های خریداری شده از کره شمالی را نیز می‌توانند فشار دهند. هرکس که فراتر از این را به آنان نسبت دهد از شرایط ایران بی‌اطلاع است. روزهای بعد از سقوط جمهوری اسلامی همه‌ی این داستان‌های فریب علمی و فناوری توسط رسانه‌های آزاد داخل کشور گزارش خواهند شد چون با باز شدن درهای بسته‌ی پایگاه‌های بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مشخص خواهد شد که خط تولیدی در آنها وجود ندارد بلکه تجهیزات یکسره وارداتی بوده‌اند.

بی‌اطلاعی از کار ماشین تبلیغات رژیم

نویسنده‌ای در وبسایت اینترنتی «ام اس ان» از موفقیت ایران در کنترل کُرونا ابراز شگفتی می‌کند. این نویسنده‌ی احتمالا فارغ‌التحصیل شده از رشته‌های قلابی مثل مطالعات قبیلگی (جنسیت، نژاد و قومیت) خبر ندارد که همه‌ی آمارهای ایران در همه‌ی جداولی که سازمان بهداشت جهانی (بهتر است بگوییم سازمان بهداشت چین که بلندگوی دولت کمونیستی چین است) منتشر می‌کند دروغ است. بوق‌های تبلیغاتی داخلی هر روز مطالب این رسانه‌ها را که بر اساس دروغ‌های رژیم تهیه می‌شوند به عنوان اعتراف دشمن به پیشرفت‌های جمهوری اسلامی منتشر می‌کنند و به نادانی آنها در دل می‌خندند. دقیقا به خاطر این سطح از بی‌اطلاعی است که اسلامگرایان شیعه تشویق شده و تصور می‌کنند که می‌توانند دنیا را مدیریت کنند.

به صفحات روزنامه‌ی کیهان چاپ تهران و خبرگزاری‌های فارس و تسنیم نگاه کنید: پر هستند از گزارش‌های رسانه‌ها و اندیشکده‌های آمریکایی (آتلانتیک و شورای روابط خارجی) در مورد قدرت عظیم نظامی جمهوری اسلامی و توان تحقیقاتی رژیم، گویی به زودی همه‌ی دروازه‌های دنیا به روی نظام باز شده و حکومت اسلامی همه‌ی دنیا را خواهد گرفت؛ گویی همه در خدمت جمهوری اسلامی‌هستند و برای بوق‌های تبلیغاتی رژیم مواد تهیه می‌کنند. در همان روزهایی که همه‌ی رسانه‌های متمایل به چپ به تمجید و ستایش قدرت جمهوری اسلامی‌و هر روز قوی‌تر شدن جمهوری اسلامی اشتغال دارند و بوق‌های تبلیغاتی نظام بلافاصله آنها را پوشش می‌دهند، همین بوق‌ها مثل چهل سال گذشته آنها را به سانسور موفقیت‌های جمهوری اسلامی‌متهم می‌کنند.

در سال‌های اخیر ده‌ها وبسایت خبری فارسی‌زبان در خارج کشور بخش انگلیسی دارند و حداقل برخی اطلاعات را منتقل می‌کنند (مثل دروغ بودن آمارِ مرگ و میر ایران بر اثر ابتلا به کُرونا) اما نویسندگان بی‌انگیزه‌ی این رسانه‌ها در چیدن جداول بین‌المللی و دیگر آمارهای مربوط به ایران حتی زحمت نگاه انداختن به آنها را به خود نمی‌دهند و آمارهای نهادهای تحت سازمان ملل را که از سوی جمهوری اسلامی به آنها داده می‌شود ملاک قرار می‌دهند.

بی‌اطلاعی از ماهیت رژیم

رسانه‌های آمریکا رهبران کره‌ی شمالی را به درستی دیکتاتور می‌نامند اما از رهبران جمهوری اسلامی با عنوان رئیس جمهور و «رهبر عالی» یا آیت‌الله یاد می‌کنند. این نامگذاری نشان می‌دهد که نسبت به دیکتاتوری و تمامیت‌خواهی نظام جمهوری اسلامی کاملا بی‌اطلاع هستند یا اگر می‌دانند با ترس از اتهام ضد اسلامی بودن خامنه‌ای را دیکتاتور نمی‌نامند.

قهرمانان پوشالی و دروغین

کارکنان رسانه‌ها در کشورهای غربی که از حقوق و آزادی‌های حداکثری بدون مسئولیت کافی برخوردارند خود را گاه قهرمان و گاه قربانی تصور می‌کنند اما هیچیک از این دو نیستند. شباهت کیهان چاپ تهران و نیویورک تایمز یا جام جم و واشنگتن پست در گزارش شرایط آمریکا و ایران این موضوع را اثبات می‌کند. آنها کارمندان مؤسسات تجاری هستند که منافع قشر خاصی را تامین می‌کنند. حقیقت و عدالت و قانون برای آنها بیشتر جنبه‌ی ابزاری دارد. اگر چنین نمی‌بود و آنها به دنبال حقیقت می‌بودند باید این را از گزارش مسائل ایران یا دیگر ملت‌های تحت حکومت‌های دیکتاتوری دریافت می‌کردیم.